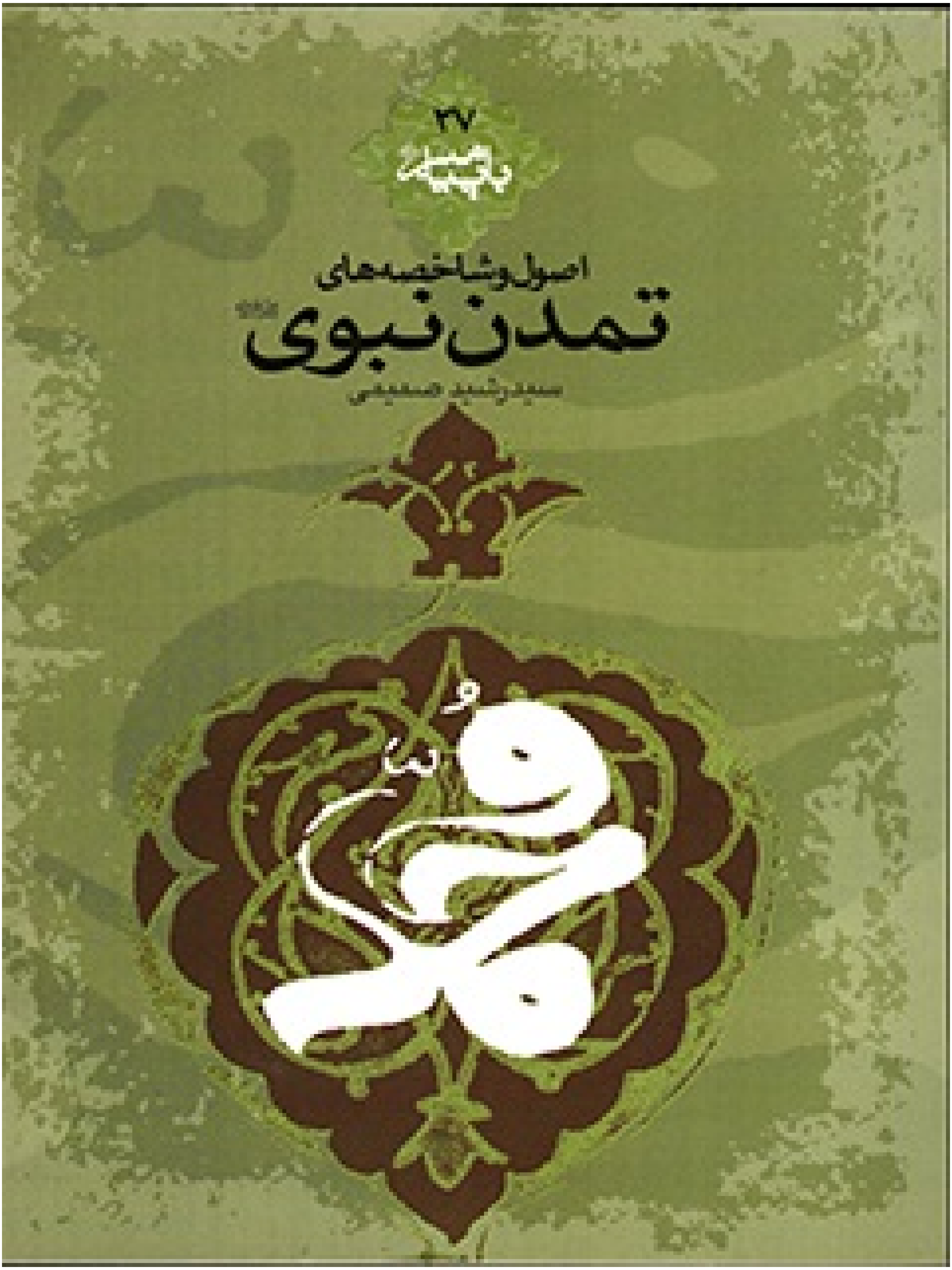

۲۷
اصول و شاخصه‌های
تمدن نبوی

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول و شاخصه های تمدن نبوی

نویسنده:

رشید صمیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اصول و شاخصه های تمدن نبوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : صمیمی، رشید، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : اصول و شاخصه های تمدن نبوی/ سیدرشید صمیمی؛ تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۲۷ص.

فروست : با پیامبر؛ ۲۷.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۰۹-۸ :

یادداشت : کتابنامه: ص.[۱۲۱]- ۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع : اسلام و دولت

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : ۲۴/۵۵ BP/ص۸الف۶ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۸۰۶۹۷

ص:۱

اشاره

ص:۴

فهرست مطالب

پیش گفتار

ارزشمندترین صفحه های تاریخ، به سرگذشت ارزشمندترین شخصیت های تاریخی اختصاص دارند؛ زیرا زندگی این افراد فراز و نشیب های بسیاری دارد و سرشار از حوادث و تجربه های تلخ و شیرینی است که هر جنبه ای از زندگی آنها برای اهل خرد، پندآموز و هشداردهنده است. در میان این شخصیت ها، نام پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، جلوه و جذابیتی ویژه دارد. در طول تاریخ، زندگی هیچ کس به اندازه زندگی آن حضرت پرفراز و نشیب و پرحادثه نبوده است و هیچ یک از بزرگان نتوانسته اند در زمانی کوتاه، نه تنها در جامعه خود، بلکه در سراسر جهان، همانند آن حضرت به سرعت، محبوبیت، نفوذ و اقتداری معنوی کسب کنند. پیامبر خدا توانست با راه یابی به فرهنگ های گوناگون و اندیشه های جست وجوگر و حقیقت طلب، ندای الهی خود را به گوش جهانیان برساند. آن حضرت در طول ۲۳ سال رسالت جهانی خویش، تمدنی را پایه گذاری کرد که اصول و شاخصه های آن، پاسخ گوی اساسی ترین نیازهای زندگی مادی و معنوی انسان هاست، به گونه ای که در پرتو آن می توانند هم به خوش بختی دنیا و هم به سعادت آخرت دست یابند. در این پژوهش کوشش شده است در زمینه های گوناگون فرهنگ، سیاست، اقتصاد

و اجتماع، مهم ترین و جامع ترین اصول و شاخصه ها، پی گیری شود که از ویژگی هایی مانند: جامعیت، جاودانگی و استحکام بهره مند بوده اند و به عنوان ارکان همه آموزه های وحیانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مطرح هستند. موارد دیگر نیز به گونه ای با این اصول مرتبطند یا زیر مجموعه آن هستند. پس مراد از تمدن نبوی، تمدن درخشانی است که ارکان آن بر اساس قرآن و سنت نبوی استوار است.

اهمیت این پژوهش به منظور معرفی آموزه های الهی اسلام و آشنا ساختن اندیشه های جست وجو گر با ویژگی های ارزنده آن بیشتر نمودار می شود و حتی در زمینه نشان دادن نقاط ضعف یا قوت تمدن جدید، می تواند به عنوان معیارهای ارزیابی در نظر گرفته شود، چون این ملاک ها انسانی، فرازمانی و فرامکانی اند ضمن آنکه به مسلمانان اعتماد به نفس می بخشد، به ویژه در این زمان که بیشتر مسلمانان به هنگام ارتباط با اروپاییان، روحیه انفعالی دارند. به عنوان مثال، روند سریع و رو به رشد تکنولوژی غرب خاصه در قرن حاضر، به پیدایش برخی شرایط از جمله موارد زیر می انجامد؛ مطرح شدن برخی از موضوع های جدید در عرصه سیاست و اجتماع از سوی متفکران اروپایی، وابستگی شدید برخی از دولت های اسلامی به غرب و فرآورده های تکنولوژی و فرهنگی آن، این همه، فقر و نابسامانی حاکم بر جوامع جهان سوم و خصوصا اسلامی، که جوّ خودباختگی شدیدی را در میان بیشتر اندیشمندان اسلامی به ظاهر دگراندیش، پدید آورده است. بر این

اساس، حتی عالمان سنت گرای بیشتر سرزمین های اسلامی با اینکه فرهنگ و اندیشه لیبرالیسم ــ سرمایه داری غرب را نمی پذیرند، ولی آن را دارای قدرت و نفوذی مهارناشدنی می دانند، به گونه ای که هیچ جامعه ای نمی تواند در برابر اثرگذاری جنبش سخت افزاری و نرم افزاری جهان جدید مقاومت کند و

جهان اسلام را در برابر این موج سهمگین ناتوان تصور می کنند. در نتیجه، هر گونه تلاشی را در راه تحکیم روابط مسلمانان و نیز اقتدار جهان اسلام، اقدامی نابخردانه و بی فایده می پندارند؛ چون در دیدگاه این افراد خواه جهان اسلام و مذاهب موجود در آن پراکنده باشند خواه به صورت امت واحده مستحکم درآیند، تفاوتی نیست و چون جهان سوم که بیشترشان ملت ها و دولت های اسلامی است، فاقد هرگونه امکانات صنعتی و حتی اندیشه پیشرو و سازنده است، مقاومت، وحدت و انسجام یک عده افراد ناتوان و بدون فکر و امکانات، تأثیری در روند فزاینده و متعالی حرکت مدرن نخواهد داشت.

این نوع اندیشه ناشی از ناآگاهی از آموزه های واقعی اسلام است و راه علاج این بیماری روحی و روانی، جز با شناخت و آگاهی از آموزه های نبوی امکان پذیر نیست. بدین ترتیب تلاش به منظور شناخت و عملی ساختن اصول و شاخصه های تمدن نبوی، پی آمدهای نیک بسیاری به دنبال خواهد داشت و اثری شگرف در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان خواهد گذاشت.

به ویژه در عصری که استعمار با طرح اندیشه جهانی سازی در جهت نابودی همه مظاهر فرهنگی و ملی، کشورهای دیگر گام برمی دارد و در این راه، از نیرومندترین امکانات و فرآورده های سخت افزاری بهره می گیرد و از آن راه به گسترش اندیشه های مادی و سکولاریستی می پردازد.

این پژوهش در فصل های چندگانه، به بیان کلیات و مفاهیم مقدماتی و اصول و شاخصه های تمدن نبوی در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

و اجتماعی می پردازد.

در این نوشتار، نویسنده کوشیده است با استفاده از آیات قرآن و سیره گفتاری و رفتاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله، این جنبه ها را بررسی کند. البته می توانستیم از گفتار و سیره رفتاری ائمه معصومین علیهم السلام نیز در این باره استفاده کنیم، ولی ازآن رو که پژوهش حول موضوع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متمرکز است، وارد بحث های دیگر نشدیم. امیدواریم این پژوهش که به نام نامی فخر آفرینش، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آراسته است، مورد استفاده خوانندگان و مخاطبان قرار گیرد.

فصل اول: کلیات

۱.تبیین موضوع

همان گونه که از عنوان این پژوهش برمی آید، در این نوشتار به بررسی اصول و شاخصه های تمدن نبوی می پردازیم و این اصول را در چهار عرصه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع بر اساس سنّت نبوی؛ یعنی فعل، قول و تقریر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بررسی می کنیم. در حقیقت، همه آموزه های والا و ارزنده که در تمدن و فرهنگ مسلمانان وجود دارد، از رفتار و گفتار پیامبر خدا سرچشمه گرفته و اساس فعالیت های فرهنگ ساز مسلمانان، در طول ۲۳ سال رسالت آن حضرت، طراحی و پی ریزی شده است که جانشینان حقیقی آن حضرت این اصول را شکوفا کرده و گسترش داده اند.

۲. ضرورت و هدف ها

امروزه فرهنگ لیبرالیستی غرب، داعیه جهانی سازی در همه جنبه های زندگی انسان را دارد. این فرهنگ می کوشد با بهره گیری از تکنولوژی مدرن، به گسترش اندیشه های نادرست و فاسد بپردازد و هر روز جوانان جوامع ستم دیده را اسیر دیدگاه های باطل خویش کند و اندیشه آنها را گمراه سازد. ازاین رو، بایسته است مسلمان متعهد، به معرفی و گسترش فرهنگ ناب نبوی

و ائمه اطهار علیهم السلام بپردازد.

معرفی اصول و شاخصه های تمدن نبوی، با هدف نشان دادن نادرستی شاخصه های تمدن مادی غرب، از جمله وظایف اصلی همه مسلمانان است که آنها را به شناخت اصالت اسلام و قرآن رهنمون می شود. همچنین توطئه های فرهنگی غرب را آشکار و زمینه بازگشت و گرایش اندیشه ها به سوی آموزه های الهی را فراهم می سازد.

۳. پیشینه موضوع

نویسندگان مسلمان، پژوهش های گسترده ای با عنوان های گوناگون درباره فرهنگ اسلام و مسلمانان انجام داده اند. در این بررسی ها، تمدن مسلمانان در دوره ها و جنبه های گوناگون، از نظر تاریخی بررسی و ویژگی های تاریخی این تمدن بیان شده است. با وجود این، کتاب یا تحقیقی که به اصول و شاخصه های تمدن نبوی پرداخته باشد، وجود ندارد. هر چند به صورت بسیار پراکنده در آثار اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی به این موضوع اشاره شده، ولی در پژوهش حاضر، این موضوع محور کار قرار گرفته است.

۴. پرسش های پژوهش

الف) پرسش اصلی: اصول و شاخصه های تمدن نبوی کدامند؟

ب) پرسش های فرعی:

یک _ به چه مواردی اصول و شاخصه گفته می شود؟

دو _ تمدن چیست و تمدن نبوی به چه معناست؟

سه ــ تمدن نبوی چه جنبه هایی را دربرمی گیرد؟

۵. مفهوم شناسی

الف) اصل و شاخصه

اصل و شاخص، مفاهیمی هستند که در نگاه نخست، هم معنا و مترادف به نظر

می رسند، ولی با دقت در این دو مفهوم درمی یابیم تفاوت معنایی ظریفی میان این دو واژه وجود دارد که بسیاری، از آن غافلند. اصل به معنای «پایه، ریشه، رکن و اساس یک شی ء است که شی ء، بدون آن، استواری و قوام وجودی خود را از دست می دهد.» (۱) شاخص نیز در لغت به معنای «علامت، هدف، نشانه و هر چیز بلند و آشکار است» (۲) و در اصطلاح نیز به معنای وجه امتیازی است که یک شی ء نسبت به اشیای دیگر دارد. در حقیقت، ویژگی برجسته ای که به جدایی و تمایز یک شی ء از دیگر اشیا می انجامد، همان شاخص و مرز میان اشیا و موضوع هاست و از پیوستگی و اختلاط آنها جلوگیری می کند.

بنابراین، شاخص یا شاخصه موجب تمیّز اشیا و اصل یا اصول، موجب تشخص آنها می شود. در این پژوهش، این دو واژه در کنار هم قرار گرفته و از همدیگر متمایز نشده است؛ زیرا تمدن نبوی در مقایسه با دیگر تمدن ها، از نظر اصول و شاخصه ها امتیازهای ویژه ای دارد؛ یعنی هم ارکان آن از ارکان تمدن های دیگر متمایز و هم شاخصه های آن با شاخصه های دیگر تمدن ها متفاوت است.

ب) تمدن

تمدن (۳) از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و

۱- . دکتر جلیل جُرّ، المعجم العربی الحدیث، ترجمه: سیدمحمد طبیبیان با عنوان فرهنگ لاروس، ج۱، ص ۲۱۶.
۲- . دکتر جلیل جُرّ، المعجم العربی الحدیث، ترجمه: سیدمحمد طبیبیان با عنوان فرهنگ لاروس، ج ۲، ص ۱۲۳۷.
۳- . (civilisation).

به طور خلاصه روش ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (۱) و معادل آن در زبان انگلیسی civilization می باشد، اسم مصدر civilser و به

معنای «متمدن کردن» است و در اصل از واژه لاتین «civitas» که معادل واژه

«poleis» به معنای شهر در زبان یونانی قدیم است، گرفته شده است. با توجه به این واژه درمی یابیم یونانیان با به کارگیری کلمه Poleis، شهر را به عنوان مجموعه ای از نهادها و روابط اجتماعی می دانستند که سازنده شکل برتری از زندگی است. در ادبیات

فارسی، تمدن، افزون بر این مفهوم، به معنای همکاری افراد جامعه در امور

اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن است. همچنین به معنای «انس

گرفتن با آداب و اخلاق شهریان» آمده است. (۲)

در اصطلاح نیز تعاریف فراوان و متفاوتی برای تمدن بیان شده که از

رویکرد و نگاه ویژه افراد به این واژه سرچشمه گرفته است. (۳) به طور کلی،

می توان گفت تمدن، مجموعه دست آوردها و اندوخته های مادی و معنوی

بشر است؛ یعنی انسان در آغاز حرکت به سوی رشد و تعالی، هم به نیازهای

زندگی مادی و جسمانی خویش و هم به نیازهای معنوی اش توجه داشته و تا

حد توان کوشیده است به طور جدی، پاسخ گوی هر دو نیاز باشد و آنها را

۱- . فرهنگ لاروس، تألیف دکتر خلیل جُرّ، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۵۳.

۲- . محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، چ ۱۰، ج ۱، ص ۱۱۳۹.

۳- . برای مطالعه بیشتر درباره تمدن و تعریف های آن، نک: رالنیتون، سیر تمدن، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، تابان، ۱۳۳۷، ص ۳؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه حمید عنایت و دیگران، تهران، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ۵، ج ۱، ص ۵؛ محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۶۱.

برطرف سازد که حاصل این کوشش، دست آوردها و اندوخته های مادی و

معنوی به نام «تمدن» بوده است.

پاسخ گویی به نیازهای مادی انسان را که یکی از جنبه های مهم تمـدن است، می توان حاصل دست آوردها و کوشـش های تجربی و عقلی خود وی

دانست. در مقابل، رفع نیازهای معنوی که زیربنای زندگی و اساسی ترین بعد

وجودی انسان است، از توان و اندیشه محدود او خارج است. بسیاری از

جامعه شناسان و باستان شناسان، به نشانه هایی از اندیشه های دینی در وجود

انسان های نخستین برخورده و بر این اساس، زندگی فردی و اجتماعی آنها را

تجزیه و تحلیل کرده اند. آنها با بررسی های خویش دریافته اند دین و

اندیشه های دینی، اساس زندگی انسان و موجب بقای وی است و جامعه

بشری بدون پای بندی به آموزه های دینی دچار انحطاط و تزلزل می شود.

میرچا الیاده در کتاب دین پژوهی، به کارکرد دین در تعیین و اصلاح

خط مشی های سیاسی دولت های باستانی اشاره می کند و درباره نقش دین در

پیدایش تمدن ها و شهرهای نخستین چنین می نویسد:

تحقیقاتی که مشرب تاریخی یا مردم شناسی داشته اند، چنین بیان کرده اند

که مراکز مربوط به آیین ها و شعائر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده اند و

این، ارتباطی مستقیم با نقش دین در تقویت هویت جمعی دارد. (۱)

و حتی در چین نیز به عقیده تاریخ پژوهان، تکوین نخستین دولت های

چینی، از الهیات و اندیشه های کلامی اولیه آنان تفکیک ناپذیر است. (۲) پس

۱- . میرچا الیاده، دین پژوهی، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشـگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۲- . میرچا الیاده، دین پژوهی، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشـگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۹.

می توان گفت دین، از عوامل به وجودآورنده تمدن بوده و در پیدایش و

گسترش و حتی در دوام و بقای تمدن ها نقش اثرگذاری داشته است. بنابراین،

دین حتی در رشد جنبه مادی تمدن نیز نقش اثرگذاری دارد؛ زیرا تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و

شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون اوست و دین در همه این امور نقش بسیار

اساسی دارد. پس تمدن، هم منشأ، بشری دارد و اندیشه

خلاق انسان عامل شکوفایی آن است و هم دارای منشأ الهی است و

آموزه های وحیانی و باورهای دینی موجب پیدایش، گسترش، شکوفایی و

استمرار آن است.

ج) رابطه تمدن و فرهنگ

فرهنگ از نظر لغوی به معنای «اعتلا بخشیدن» است؛ چون مرکّب از فر(جلو،

بالا، اعتلا) به علاوه هنگ (کشیدن) است و نیز مفاهیمی مانند ادب، خرد،

آموزش، پرورش و دانش برای آن بیان شده است. درباره فرهنگ و تعریف

آن همانند تمدن، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند

از:

یک ـ «فرهنگ، مجموعه فراگیری های بشر برای خودیابی است».

دو ـ «فرهنگ، عبارت است از زندگی عقلانی». (۱)

سه ـ «کلی ترین بینش و نگرش که یک جامعه نسبت به جهان دارد». (۲)

۱- . سید موسی صدر، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ص ۴۴.

۲- . غلام علی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۷۴، چ ۶، ص ۷.

چهار ـ «وجه معنوی تمدن را فرهنگ می گویند. پدیده های معنوی،

پدیده هایی است که نیازهای غیرحیاتی آدم را برآورده می کند. برای مثال،

لباس پوشیدن کاری مادی است، ولی مد و رنگ لباس جزو پدیده های معنوی

است». (۱)

پنج ـ «فرهنگ، همان فشرده تجربه های بشری در طول تاریخ است که از راه تجربه و آزمایش موفقیت آمیز یا توأم با شکست، برای بشر به دست

می آید و انسان هویت بشری خویش را در آن می یابد». (۲)

شش ـ «فرهنگ، هویت بخش انسان در عرصه زندگی اجتماعی است». (۳)

بیشتر دانشمندان و حتی لغت شناسان، فرهنگ را جنبه معنوی زندگی

انسان تعریف کرده اند یا عناصری چون اخلاق، هنر، شناخت، احساس،

گرایش و آموزش و پرورش را در آن مؤثر دانسته اند که در این صورت،

آمیختگی میان مفهوم فرهنگ و تمدن به وجود می آید.

تعریف استاد محمدتقی جعفری رحمه الله از این دو واژه، محدوده معنایی آن را

مشخص می کند. ایشان انسان را در پدیده فرهنگ دخیل می بینند؛ یعنی به

اعتقاد وی، این انسان است که از شرایط محیطی، پدیده های تاریخی،

آرمان های مطلق و نسبی، برداشتش از جهان بینی، موقعیتش در تاریخ و

کوشش هایش برای هماهنگ ساختن اصول ثابت در رویدادهای متغیر،

۱- . علی شریعتی، تاریخ تمدن، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار، نشر قلم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷.

۲- . داریوش آشوری، ما و مدرنیت، تهران، سهروردی، مروارید، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۳- . سید جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، چ ۲، ص۲۷۳.

فرهنگی برای خود پدید می آورد و با آن زندگی می کند. (۱) این تعریف هم

جامع است و هم نشان دهنده تنوع و اختلاف میان فرهنگ هاست. پس

می توان گفت رابطه تمدن و فرهنگ، مانند رابطه میان ایمان و عمل است که

ایمان، عمل زا و عمل، ایمان افزاست؛ یعنی فرهنگ، تمدن زا و تمدن، فرهنگ

افزاست. این تعبیر موجب کاهش محوریت نقش فرهنگ نمی شود، چنان که

درباره ایمان و عمل نیز ایمان، نقش محوری دارد. پس می توان گفت اثر

فرهنگ بر تمدن، اثری زایشی است؛ یعنی تمدن از فرهنگ زاده می شود و در پرتو آن رشد می کند، ولی اثر تمدن بر فرهنگ، اثری افزایشی است؛ (۲) یعنی

تمدن در گسترش و نفوذ فرهنگ در جامعه مؤثر است و می تواند با

اندوخته های مادی و معنوی اش، انسان را به جوهره فرهنگ رهنمون کند.

د) تمدن نبوی

مراد از تمدن نبوی، تمدنی است که اساس، بنیان و اصول آن بر سنّت و سیره

گفتاری و رفتاری رسول گرامی اسلام استوار باشد و نیز شاخصه ها و وجوه

امتیاز آن نیز از سنّت آن حضرت و اصول مسلّم اسلامی سرچشمه گرفته

باشد.

در حقیقت، تمدن نبوی، تمدنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با رهنمودها،

تلاش ها، تدبیرها و سیره والای خود آن را بنیان نهاد و شامل نمودهای

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ویژه ای است که بخشی از آنها محقق شد و

۱- . سروش عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶، چ ۱، کتاب اول، ص ۳۰۰.

۲- . محمدرضا کاشفی، جزوه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳، ص۴۸.

بخشی هرگز تحقق نیافت.

به بیان دیگر آموزه ها و رهنمودهای حیات بخش پیامبر گرامی اسلام

زمینه ساز ایجاد تمدنی باشکوه گردید که کمتر از سه قرن پس از رحلت

ایشان، نمود عینی پیدا کرد هرچند تمامی اصول و شاخصه های حقیقی تمدن

نبوی مجال و فرصت تحقق یافت.

...

فصل دوم: عوامل پیدایش، شکوفایی و گسترش تمدن نبوی

اشاره

در پیدایش، شکوفایی و اعتلای تمدن، علل و عواملی نقش دارند. برخی از این علل و عوامل عبارتند از:

۱. فطری بودن

سازگاری با طبیعت و ساختار آفرینش انسان و برآوردن نیازهای طبیعی و فطری او، شرط اصلی اثرگذاری و نفوذ یک دین در وی است؛ زیرا در غیر این صورت، آموزه های آن دین عملی نخواهد شد و نقش و جایگاه خود را در رساندن انسان به سعادت و خوش بختی از دست خواهد داد. آموزه های وحیانی اسلام با فطرت و سرشت الهی انسان هماهنگ است. ازاین رو، هر ملتی با هر نژاد، فرهنگ و فرقه ای آن را با ویژگی های فطری خود سازگار می یابد و به راحتی آن را می پذیرد. بر همین اساس، اسلام توانست در مدت بسیار کوتاهی از محدوده جزیره العرب فراتر رود و گلبانگ توحید را در سراسر جهان طنین افکن سازد. خداوند در آیه ای از قرآن کریم به این ویژگی این گونه اشاره می کند:

فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفًا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ. (روم: ۳۰)

پس روی [دل] خود را به آیین پاک پروردگار متوجه کن. این فطرتی

است که خداوند انسان را بر آن آفریده است. در آفرینش خدا دگرگونی

نیست. این است دین و آیین محکم و استوار.

این آیه، بیان گر توحید فطری است که از طریق درون و مشاهده باطنی امکان پذیر است و به اسباب و واسطه نیاز ندارد. (۱) در آیین مقدس اسلام، هماهنگی بسیار دقیقی میان تشریع و تکوین وجود دارد، به گونه ای که این دین به جنبه تکوینی وجود انسان بسیار توجه داشته و قوانین، تکالیف و مسئولیت هایی که بر دوش انسان نهاده شده، بر همین اساس است. (۲)

از دیدگاه قرآن، دین الهی، دینی واحد است؛ یعنی همه پیامبران خدا برای تبلیغ یک دین آمده اند. در هیچ آیه ای از قرآن، کلمه «ادیان» نیامده، بلکه همواره از دینی واحد سخن به میان است؛ زیرا اصول دین الهی همواره ثابت و تغییرناپذیر و فروع دین، متغیر و تکامل پذیر است که بر اساس شریعت ها تکامل می یابد. برای مثال، شریعت اسلام به عنوان کامل ترین شریعت الهی، کامل ترین و جامع ترین آموزه های هدایتی بشر را در بردارد، ولی از نظر اصول، هیچ تفاوتی با دیگر شرایع آسمانی مانند شرایع نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام ندارد.

۲. جامع بودن

آموزه های وحیانی اسلام، پاسخ گوی همه نیازها و خواسته های بشر است و به همه جنبه های گوناگون وجود او توجه دارد. این آموزه ها با یکدیگر هم خوانی و هماهنگی استواری دارند و هدف اصلی آنها رساندن انسان به

۱- . ناصر مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، تحقیق و تنظیم: احمدعلی بابایی، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ج ۳، ص ۵۳۳.
۲- . نک: المعالم الاساسیه للرساله الاسلامیه، هیئت مؤلفان، کویت، دارالتوحید، ۱۳۹۹ هـ . ق، ج ۱، ص ۵۲۲.

سعادت دنیوی و اخروی است. در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت انسان به دو نوع شناخت نیازمند است:

الف) جهان بینی: بینش های کلی هماهنگ درباره جهان (۱) و انسان یا نوعی برداشت و تحلیل است که انسان درباره هستی و جهان و درباره خودش، جامعه و تاریخ دارد. (۲)

ب) ایدئولوژی: در ایدئولوژی هم به جنبه های ثابت نیازهای روحی و مادی انسان و هم به جنبه های متغیر وجود وی توجه شده است. ازاین رو، هر دو جنبه باید بررسی شود. اصول ثابت، کلی و عملی، همان قوانین کلی بوده که عمل به آن لازم و ضروری است و تحولات زندگی به ثابت بودن آن آسیب نمی رساند. همچنین زمان موجب تحول و تغییر در شیوه زندگی انسان ها می شود. ازاین رو، در هر عصر و زمانی به طرح و برنامه ویژه ای نیاز است تا به روشنی، بایدها و نبایدها و روش های مورد نیاز زندگی را مشخص کند. به این ترتیب، احکام متغیر و متحول شکل می گیرد. اسلام با توجه به متغیر بودن نیازهای زندگی انسان، با طرح دیدگاه ولایت منصوصه _ که متولی طرح و اجرای احکام ثانوی بر مبنای اصول ثابت و نیز اجتهاد به عنوان نیروی محرکه است _ به همه این نیازها پاسخ می گوید.

پس به طور کلی می توان گفت اسلام با توجه به نیازهای ثابت و متغیر زندگی انسان و دو بعد مادی و معنوی وجود وی، درصدد برآوردن همه این نیازهاست. آموزه های اسلام به گونه ای است که هم موجب تعالی معنوی و

۱- . محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، چ ۲، ج ۱ و ۲، ص ۲۹.

۲- . مرتضی مطهری، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۵، چ ۲، ص ۱۳.

اخروی و هم مایه پیشرفت مادی و دنیوی انسان می شود. پس توجه اسلام به

رشد هماهنگ و متوازن جنبه های معنوی و مادی انسان، به منظور تحقق

اهـدافی متعـالی است. برای تکامـل هر دو جنبه وجودی انسـان، ابزارهـا، عوامـل و راه کارهـای گوناگونی وجود دارد که باید شناخته شود. برنامه زندگی انسان

باید با توجه به همه این عوامل تنظیم شود تا رشد وی متوقف نشود یا دچار

بی تعادلی نگردد. (۱) بر همین اساس، باید نوعی توازن میان همه جنبه های

وجودی انسان برقرار باشد؛ زیرا ناهماهنگی در رشد و تعالی جنبه های

وجودی، انسان را از تکامل حقیقی باز می دارد و موجب سقوط یا رکود وی

می شود. تعالی روحی و معنوی انسان به عمل و پای بندی وی به پیمان فطری

وابسته است که با خدا بسته؛ پیمانی که بیان کننده بندگی عاشقانه انسان و ربوبیت

جاودانی پروردگار است. (۲)

۳. سهولت و سماحت

آموزه های الهی اسلام، چه در زمینه مبادی عقیدتی و مبانی فکری و چه در

زمینه اخلاق عملی که شیوه و راه و رسم زندگی است، متین، ساده و دور از

ابهام است. حاکمیت تسامح بر شریعت و نفی حرج، بیانگر تساهل در اجرای

احکام سیاسی، عبادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این ویژگی

موجب گسترش بسیار سریع اسلام در صدر اسلام و پیشرفت روزافزون این

دین الهی در طول تاریخ به ویژه در عصر حاضر است. استاد مرتضی مطهری،

شریعت رسول گرامی اسلام را شریعت سهله و سمحه می داند و می نویسد:

۱- . نک: سیدمحمد حسینی بهشتی و دیگران، شناخت اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۲۲.
۲- . نک: اعراف: ۱۷۲.

در این شریعت، به حکم اینکه «سهله» است، تکالیف دست و پاگیر و

شاق و حرج آمیز وضع نشده و خداوند در دین خود تنگنایی قرار نداده

است و به حکم اینکه «سمحه» (باگذشت) است، هر جا که انجام تکلیفی

توأم با مضیقه و در تنگنا واقع شدن گردد، آن تکلیف ملغی می شود. (۱)

خداوند در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید: «یُریدُ اللّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لایُریدُ بِکُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند آسانی را برای شما اراده کرده و سختی و مشقت را اراده نکرده است.»

(بقره: ۱۸۵). پیامبر اسلام نیز در سخنی ارزشمند، به معاذ بن جبل فرمود: «بَشِّرْ

و لا تُنَفِّر، یَسِّرْ و لا تُعَسِّرْ؛ [ای معاذ!] مردم را بشارت ده و در دل آنها نفرت ایجاد مکن.

آسان گیر باش و سخت گیر مباش.» (۲) آن حضرت حتی در تبلیغ اسلام نیز آسان

می گرفت و بیشتر، از بشارت و امید استفاده می کرد تا ترس و تهدید. آن

حضرت همواره مدارا و آسان گیری را به یارانش گوشزد می کرد و آنها را از

اینکه دیگران را در تنگنا و فشار قرار دهند، باز می داشت.

۴. تأکید بر خردورزی و تعقل

با نگاهی به تاریخ اسلام و آموزه های اسلامی درمی یابیم اسلام هیچ گاه و در

هیچ شرایطی نظر خویش را به انسان ها تحمیل نمی کند، بلکه خداوند در

قرآن کریم با صراحت، پیامبر را به بهره گیری از حکمت و موعظه نیکو و

استفاده از جدال احسن در ادای رسالت الهی دستور می دهد. (۳)

با توجه به آیات قرآن در این باره، پیامبر اسلام و مؤمنان باید حقیقت دین

۱- . مرتضی مطهری، وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰، چ ۴، ص ۲۲۵.

۲- . مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱، چ ۶، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

٣- . نک: نحل: ١٢٥.

را با منطق و استدلال برای مردم تشریح کنند. دین اسلام، مردم را از پیروی از گمان و اوهام، تقلیدهای کورکورانه و دل سپردن به خواسته های پست حیوانی باز داشته و به پیروی از حقیقت، یقین، دانش، محبت و برهان دعوت کرده است. (۱) اصول دین و ایمان، از درون جان انسان سرچشمه می گیرد، نه از برون و با زور و تهدید. ازاین رو، در اسلام، عقل به عنوان «رسول باطنی»، شأن و ارزش ویژه ای دارد، به گونه ای که اصول دین جز با تحقیق عقلانی پذیرفته نیست. در فروع دین نیز یکی از دلایل چهارگانه اجتهاد و استنباط، عقل است. اسلام، عقل را نوعی طهارت و زوال عقل را نوعی زوال طهارت می داند.

بر همین اساس، چنان که در سوره یونس آمده است، کسانی را که در مسیر نادانی و به دور از اندیشه گام بر می دارند و از نعمت خرد خویش بهره نمی برند، گرفتار ناپاکی و پلیدی معرفی می کند. (۲) حرمت استفاده از مست کننده ها در اسلام نیز به دلیل آثار آن است که به زوال عقل می انجامد.

پیامبر گرامی اسلام، عقل را دارای مرتبه و جایگاهی والا می داند و خطاب به امام علی علیه السلام می فرماید:

ای علی! عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند رحمان به دست می آید. (۳) ای علی! هیچ فقری سخت تر از نادانی و هیچ دارایی

۱- . نک: اسراء: ۳۶.

۲- . نک: یونس: ۱۰۰.

۳- . هادی موحدی، یک هزار حدیث، ماده عقل، قم، انتشارات ارم، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۶۷ .

سودمندتر از عقل نیست. (۱)

۵. دانش اندوزی و اهتمام به پیشرفت علمی

از جمله عوامل پیدایش، شکوفایی و اعتلای تمدن نبوی، اهتمام اسلام و

پیامبر خدا به دانش و دانش اندوزی بود. در آیات قرآن (۲) و روایت های

معصومین علیهم السلام (۳) به فراگیری دانش، بسیار تأکید و سفارش شده است. وجود

آموزه هایی چون برتری عالم بر عابد، احترام به دانشمندان در ردیف احترام

به پروردگار و علاقه و محبت پروردگار به دانشمندان، بیان گر شأن و منزلت

دانش و دانشمند در اسلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره مسلمانان را به فراگیری دانش تشویق و سفارش می کرد و کودکان را به آموختن وا می داشت و حتی به برخی از یارانش فرمان

داد زبان سریانی بیاموزند. آن حضرت می فرمود: «مردم دو گروه اند؛ دانشمند

و دانش اندوز و در غیر این دو خیری نیست.» (۴) و در کلامی دیگر فرموده

است: «خیر دنیا و آخرت در دانش است و شر دنیا و آخرت در نادانی». (۵)

۱- . ابومحمد بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، مکتبه نصرتی، ۱۳۹۴ ه . ق، ص ۱۳.

۲- . نک: فاطر:۲۵؛ بقره: ۲۶۹؛ انعام: ۱۲۲.

۳- . محمدرضا حکیمی، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴- . یک هزار حدیث، ص ۶۳.

۵- . یک هزار حدیث، ص ۶۱.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر که دانش را برای رضای خدا بجوید، به هیچ بابی از آن دست

نمی یابد مگر آنکه به سبب آن در نفس خود به بی نیازی بسیاری می رسد

و با مردم، بیشتر فروتنی می کند و ترسش از خدا افزایش می یابد و

کوشش وی در کار دین بیشتر می شود. این کس همان است که از دانش

سود می برد و باید آن را بیاموزد. (۱)

تأکیدها و تشویق های پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام به دانش اندوزی، سبب

شد مسلمانان با همت و تمایل بی مانندی به فراگیری دانش در سراسر جهان

بپردازند. آنها آثار علمی را به دست آوردند و به زبان عربی ترجمه کردند.

همچنین به تحقیق در زمینه های گوناگون علمی پرداختند. ازاین رو، افزون بر

ایجاد حلقه ارتباطی میان تمدن های شرق و غرب، خود، یکی از

شکوهمندترین تمدن ها را آفریدند.

۶. تأکید بر برنامه ریزی و مدیریت صحیح

مدیریت درست و همه جانبه، از آغاز رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله در همه کارها و

تصمیم های آن حضرت دیده می شود. بررسی مراحل دعوت، برنامه های

حکومتی و رفتارهای سیاسی و نظامی آن بزرگوار نشان می دهد رهبر باید خداترس، متعهد به ارزش ها، بیدار و باتدبیر، قاطع، به دور از هر تردید و

دودلی، شجاع در بیان حق و سرکوب کردن عناصر فاسد، دانا، دوراندیش،

باظرفیت و صبور در برابر مشکلات و انتقادها باشد. بایسته است رهبر، افراد

جامعه را بشناسد و در حد توانایی آنان به آنها اختیار و مسئولیت دهد؛ در

مسائل فرعی جامعه، اهل مدارا و گذشت و در مسائل حساس و اصولی،

۱- . یک هزار حدیث، ص ۳۳، ح ۱.

باصلابت و سخت گیر باشد؛ به پیروان خود شخصیت دهد؛ استعدادهای

عقلی، عاطفی و عملی آنها را پرورش دهد؛ از استبداد و خودرأیی بپرهیزد؛

فروتن، ساده، بی آلایش و متین باشد؛ به نظم و سازمان دهی امور برای شکل

دادن و انتظام بخشیدن به نیروهای انسانی به شدت اهمیت دهد.

پیامبر خدا در هر کاری هر چند کوچک، مدیریت را لازم و ضروری

می دانست. ایشان در مدینه تشکیلات ویژه ای به وجود آورد. برای مثال،

جمعی را به عنوان دبیر برگزید که هر گروه مسئولیت و وظیفه ویژه ای

داشتند؛ برخی کاتب وحی بودند، برخی مسئول نوشتن نامه های خصوصی

پیامبر بودند؛ برخی دیگر احکام اجرایی و قراردادهای تجاری را ثبت

می کردند و برخی مسئول تنظیم عهدنامه ها و پیمان نامه ها بودند. (۱) آن حضرت

همواره در گفتار و عمل، مسئولیت و وظایف مسلمانان را به آنها گوشزد

می کرد و خداترسی را نخستین و مهم ترین شرط مدیریت سالم و شایسته

می دانست. (۲)

تعهد به ارزش ها، به عنوان پشتوانه هر رفتار و کرداری، بجا و بایسته

است. ازاین رو، پیامبر اسلام، خداترسی را راه نجات بشر از منجلاب بدبختی

می داند؛ زیرا انسان خداترس، آن گاه که هیچ مانع و مراقبی برای پیش گیری از ارتکاب خطا و گناه نیست، دست به اعمال ناشایست نمی زند و خود را در محضر

۱- . وحی و نبوت، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲- . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، چ ۱، ج ۳، ص ۱۷۵.

خدا می بیند. (۱) این ویژگی، از مهم ترین ویژگی های مدیریت اسلامی است و به

امنیت در جامعه و برقراری آسایش روحی و روانی در فرد و جامعه می انجامد.

انتقادپذیری، قاطعیت، قدرت تصمیم گیری، نظم و انضباط، مشورت و

دیگر ویژگی هایی که برای مدیریت لازم و ضروری است، به روشنی در

آموزه ها و رفتار و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیده می شود که در ادامه به بررسی آنها

خواهیم پرداخت.

۷. هدایت گری و ارشاد

این دو واژه اگر چه از نظر مفهوم با هم متفاوتند، ولی نتایج یکسانی دارند.

خداوند متعال در آیات قرآن، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را به هدایت و انذار سفارش

می کند و در آیه ای می فرماید: «ای در بستر آرمیده! برخیز و انذار کن و

پروردگارت را بزرگ شمار.» (مدثر: ۱ ــ ۳) و در آیه ای دیگر این گونه پیامبر را

امر می کند: «پس به اسلام دعوت و استقامت کن؛ آن گونه که به آن مأمور

شده ای و از خواست مردم پیروی مکن.» (شورا: ۱۵) و در آیه ای دیگر

می خوانیم: «ای پیامبر! ما تو را به عنوان شاهد و گواه، بشارت دهنده و

بیم دهنده و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و نیز چراغی روشنی بخش

قرار دادیم.» (احزاب: ۴۵ و ۴۶). خداوند در این آیات و آیات مانند آن تکلیف

و رسالت دعوت و تبلیغ را به پیامبر سپرده و به آن بزرگوار دستور داده است

برای تحقق این هدف، از روش جدال احسن و موعظه حسنه و حکمت بهره

برد. دعوت پیامبر، نخست جنبه پنهانی داشت و سپس آشکار شد. سپس آن

حضـرت به منظور گسترش اسـلام و حفـظ آن به مـدینه هجرت کرد و دولت اسـلامی را در آن شـهر بنیـان نهـاد و آن گاه که خداوند هدایت و ارشاد مردم از راه

۱- . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، چ ۱، ج ۳، ص ۱۸۶.

دوستی و مدارا را کارساز ندید، به پیامبر دستور مبارزه با کفار را داد و آیه

«وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ» (بقره: ۱۸۷) نازل شد. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، از راه های گوناگون به تبلیغ دین اسلام می پرداخت. سفر

به طائف، رفتن به میان قبایل گوناگون در ایام حج، فرستادن مبلغان به

سرزمین های دیگر مانند فرستادن حضرت علی علیه السلام به یمن و معاذ بن جبل و

مصعب بن عمیر به مدینه از این موارد است که نشانه اهتمام ویژه پیامبر به

هدایت و ارشاد مردم است. همچنین آن حضرت گروهی از یارانش را برای

تبلیغ دین اسلام و نیز در امان ماندن از آزار مکیان به حبشه فرستاد. آنان در

حبشه به تبلیغ دین اسلام پرداختند و زمینه گرایش نجاشی، پادشاه حبشه و

نیمی از مردم آن دیار را به اسلام فراهم کردند. از دیگر کارهای پیامبر خدا

برای تبلیغ اسلام، فرستادن نامه به سران کشورهای جهان در سال ششم

هجری است. آن حضرت با فرستادن نامه، نبوت و رسالت خویش را به گوش

جهانیان رساند. حدود صد نامه موجود است که آن بزرگوار به شخصیت های

گوناگون فرستاده است. (۲)

با بررسی سنّت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله درمی یابیم آن حضرت برای ادای

رسالت خویش و تبلیغ اسلام و هدایت و ارشاد مردم از هر روشی استفاده

می کرد. برای مثال، در آغاز دعوت خویش و آشکار ساختن رسالتش، در روز

فتح مکه و در حجه الوداع، برای هدایت مردم از سخنرانی و خطابه بهره برد و

نیز جلسه های پرسش و پاسخی با مشرکان و یهودیان و مسیحیان برپا کرد.

۱- . وحی و نبوت، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲- . وحی و نبوت، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.

همچنین در مواردی از تبلیغ چهره به چهره و گروهی استفاده می کرد. در زمان های بسیاری نیز هیئت های تبلیغی را به سراسر جهان می فرستاد. آن

حضرت از هر راه و فرصتی برای تبلیغ دین مبین اسلام بهره می برد و

مسلمانان را نیز به این وظیفه الهی امر می کرد. به این ترتیب، اسلام در مدت

زمان بسیار کوتاهی به همه جهانیان معرفی شد.

۸. نقش تاریخی قرآن کریم

قرآن در پیدایش، گسترش و اعتلای تمدن نبوی، نقشی محوری و اساسی

داشت. در حقیقت، بهره گیری آیات قرآن، مهم ترین راه کار رسول اعظم صلی الله علیه و آله

در برابر مشرکان و اهل کتاب بود. اثرگذاری قرآن بر مردم را از جنبه های

گوناگونی باید بررسی کرد.

تأکید بر اصول انسانی، اشاره به آموزه های اخلاقی زندگی، تحدّی و

والاتر بودن آن از همه سخنان بشری، از عوامل اثرگذاری سریع آیات قرآن بر

قلب هاست که زمینه پذیرش دین الهی و گسترش تمدن نبوی را فراهم ساخت.

ویژگی تحدّی گری، (۱) مبارزه طلبی و وحیانی بودن قرآن سبب شد بسیاری از

شخصیت های ادبی آن زمان در برابرش سر تعظیم فرود آورند.

نقل است وقتی ضماد ازدی، یکی از مشرکان و شخصیت های برجسته

جاهلی به مکه آمد، شنید که برخی مردم مکه، محمد را دیوانه می دانند. با

شنیدن این سخن با خود گفت: شاید بتوانم او را درمان کنم. ازاین رو، نزد

پیامبر رفت و قصد خویش را باز گفت. سپس پیامبر آیاتی خواند که ضماد با

شنیدن آنها بسیار شگفت زده و دگرگون شد و از پیامبر خواست. دوباره این

۱- . تحدّی؛ یعنی حریف خواستن و به مبارزه طلبیدن که در قرآن آمده است: «اگر مشرکان می توانند، ده آیه یا سوره ای همانند قرآن بیاورند». بقره: ۲۱.

آیات را تلاوت کند و آن حضرت چنین کرد. هنوز تلاوت پیامبر به پایان

نرسیده بود که ضماد دریافت این سخنان، سخنان عادی و انسانی نیست و روح الهی را در این سخنان احساس کرد. آن گاه شهادتین گفت و اسلام را

پذیرفت و از جانب خود و قومش با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کرد. (۱) همچنین نقل

است ولید بن مغیره نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «بر من آیاتی بخوان!» پیامبر

آیه ۹۰ سوره نحل را خواند. ولید گفت: دوباره بخوان. آن حضرت آیه را

تکرار کرد و ولید گفت: این کلام چه شیرین است. این سخنان نمی تواند

سخن انسان باشد. (۲)

موارد گفته شده بیان گر این نکته است که بخش فراوانی از موفقیت های

رسول اعظم صلی الله علیه و آله در بنیان گذاری تمدن درخشان الهی و جلب و هدایت مردم،

در نتیجه فوق بشری بودن آیات قرآن، تدریجی بودن نزول آیات بر اساس

وقایع مهم تاریخی، شفاف سازی افکار، مبارزه با جمود فکری، دفاع از

محرومان و مبارزه با مشرکان است که هر کدام از این موارد به بحث

گسترده ای نیاز دارد.

با کوشش مفسران حقیقی و الهی قرآن؛ یعنی امامان معصوم علیهم السلام جنبه های

ناپیدایی از آموزه های معنوی قرآن برای بشر آشکار شد. گفتنی است هدایت

معنوی اهل بیت علیهم السلام نیز تأثیر مهم و اساسی در گسترش و اعتلای تمدن نبوی

داشته است. آن بزرگواران از هر فرصتی برای تبیین، تفسیر و تعمیق

آموزه های اسلامی استفاده می کردند به گونه ای که سیره گفتاری و رفتاری آنها

۱- . محمد ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ . ق، چ ۳، ج ۴، ص۲۴۱.
۲- . بیهقی، دلایل النبوه، بیروت، دارالکتب، ۱۴۰۵ ه . ق، چ ۲، ج ۲، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

منبع ارزشمندی برای مسلمانان است که می توانند با پیروی از آن، از حیرت و

گمراهی، رهایی و به پاسخ بسیاری از مسائل اساسی خود دست یابند.

فصل سوم: اصول و شاخصه های فرهنگی تمدن نبوی

اشاره

نخستین گام برای شناخت اصول و شاخصه های تمدن نبوی، بررسی و مطالعه آن در زمینه فرهنگ است؛ یعنی نخست باید بررسی کرد که تمدن نبوی به عنوان یک تمدن جاودانه و جهان شمول، چه ویژگی های فرهنگی دارد و این تمدن در عرصه فرهنگ از چه ارکانی تشکیل شده است؟ برای پاسخ به این پرسش ها، از میان مهم ترین مسائل فرهنگی و اثرگذار، مسائل کلی را برگزیده ایم که بر دیگر موارد صدق می کند.

۱. خداباوری و احیای فطرت توحیدی

این شاخصه از بنیادی ترین ارکانی است که تمدن نبوی بر آن استوار است و بدون آن، اساس دعوت همه پیامبران به ویژه حضرت محمد صلی الله علیه و آله متزلزل می شود. پس می توان گفت تمدن نبوی، تمدن نمود و تجلی فطرت الهی انسان است؛ یعنی همه اهداف این تمدن در پرستش، تعالی و تقرب انسان به خدا خلاصه می شود. سیره پیامبر گرامی اسلام در دگرگون سازی جامعه، بر مبنای برقراری و تقویت رابطه انسان با خدا استوار بود. آن حضرت، یاران و پیروان خویش را نیز پیش از انجام هر کاری به اصلاح رابطه شان با خدا فرامی خواند. حضرت امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که هرگاه تصمیم می گرفت گروهی را برای پیکار بفرستد، آنان را فرامی خواند و برابر خود می نشاند. آن گاه

می فرمود: حرکت کنید به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و بر آیین

رسول خدا. (۱)

همچنین آن گاه که پیامبر خدا، معاذ بن جبل را به عنوان فرماندار به یمن

فرستاد، در سفارش به او فرمود:

تو را به این امور سفارش می کنم: تقوای الهی، راستی در گفتار، وفای به

عهد، ادای امانت، ترک خیانت، نرمی گفتار، پیشی گرفتن در اسلام،

حفظ حقوق همسایه، ملازمت در ایمان و محبت و رحمت به مردم. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم را به توحید نظری و عملی در همه جنبه های

وجودی شان فراخواند و همه برنامه ها و هدف ها را به این سو رهنمون کرد.

دعوت پنهانی و آشکار و همگانی، دفاع و تهاجم، جنگ و صلح و دیگر

فعالیت های رسول خدا صلی الله علیه و آله، هدف و منظوری الهی و متعالی داشت و پیروان

خود را نیز به این امر سفارش می کرد، چنان که در قرآن کریم می خوانیم: «بگو

آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند واحد قهار.» (یوسف: ۳۹)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز سخنان فراوانی در این باره بیان کرده است که به برخی از

آنها اشاره می کنیم. آن حضرت درباره خداشناسی می فرماید:

بهترین اعمال، خداشناسی است؛ زیرا با وجود دانش و معرفت، عمل کم

یا زیاد، تو را سود می بخشد، ولی با وجود نادانی [نسبت به خدا]، نه

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه_ . ق، ج ۵، ص ۲۷؛ ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۲ ه_ . ق، ج ۴، ص ۴۷۸؛ شیخ حر عاملی،

وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ ۵، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲- . ابومحمدبن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، کتبه نصرتی، ۱۳۹۴ هـ. ق، ص ۱۹.

عمل اندک تو را سود می بخشد و نه عمل بسیار. (۱)

آن حضرت درباره اهمیت یاد خدا نیز فرموده است:

خدای عزوجل می فرماید: هرگاه یاد من بر بنده ای غالب شود، خواهش و خوشی او را در یاد خود قرار می دهم و چون خواهش و خوشی او را در یاد خود قرار دهم، عاشق من می شود و من نیز عاشقش می شوم و چون عاشق یکدیگر شدیم، حجاب میان خود و او را برمی دارم و عشق خود را بر جان او چیره می گردانم، چنان که مانند [دیگر]مردم دچار فراموشی و غفلت نمی شود. سخن آنان، سخن پیامبران است. اینان به راستی قهرمانند. (۲)

آن حضرت در کلام دیگری فرمود: «هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود». (۳)

در حقیقت، این شاخصه تمدن نبوی، مبیّن این حقیقت است که انسان در مکتب اسلام، دل باخته رسیدن به کمال لایتناهی و شایسته این اشتیاق و حرکت و سیر به سوی سرچشمه همه فضیلت ها و ارزش هاست. انسان، با چنین دل باختگی والا، بی وقفه به سوی مقصدی نهایی و لایزال پیش می رود.

۱- . علاءالدین المتقی الهندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ . ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳، ح ۲۸۷۳۱.

۲- . نهج الفصاحه، (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، سازمان چاپ و انتشارات جاودان، ح ۷۸۱.

۳- . نهج الفصاحه، (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، سازمان چاپ و انتشارات جاودان، ح ۲۸۳۶.

این حرکت سازنده از درون شروع می شود. البته دعوت و جاذبه، از اصل ذات

حق سرچشمه می گیرد، ولی جبری و تحمیلی نیست؛ زیرا در صورت جبری

بودن، سیر معنوی انسان بی ارزش می شود. آن گاه این سیر ارزشمند است که

باید با شناخت و آگاهی همراه باشد و فرد، با کوشش خستگی ناپذیرش، مسیر

را بپیماید و به مقصد متعالی خویش برسد که این، شورانگیزترین عرصه

تکاپوی معنوی انسان و فرصت دست یابی به بالاترین معنویت ها و زیبایی هاست. ازاین رو، خداوند، انسان را مخاطب قرار داده و سرنوشت او

را در مسیری که در پیش دارد، روشن کرده است و می فرماید: «ای انسان! تو با

کوشش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را دیدار خواهی کرد.»

(انشقاق: ۶) البته این دیدار جز با کشش از جانب پروردگار و لطف وی

صورت نمی گیرد.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

در فرهنگ نبوی، هر کاری با نام و یاد خدا و توکل به او شروع می شود و با

اعتماد و اتکا به او جریان و با نام و سپاس از او پایان می یابد. توحید یک

مسلمان حقیقی به اندیشه ای صرف منحصر نیست، بلکه بر سراسر وجود او

احاطه دارد و در اندیشه ها و رفتارهایش نمود می یابد و به آنها جهت

می بخشد. ازاین رو، مسلمان حقیقی تنها به خدا توکل می کند و هیچ کس را

شریک او نمی داند.

۲. کرامت انسان و رهایی از وابستگی های مادی

از دیگر شاخص های اساسی تمدن نبوی، می توان به دیدگاه اسلام به انسان اشاره کرد. بر اساس آموزه های نبوی، انسان موجودی متعالی، صاحب کرامت، منحصر به فرد و ارزشمندترین موجود روی زمین است و آنچه در

این کره خاکی هست، مسخر او و به منظور برآوردن نیازهای اوست. (۱) البته

خداوند افزون بر این همه شأن و منزلت و مقام معنوی، بار سنگین امانت الهی

را بر دوش وی نهاده است. (۲) پس بایسته است او برای حفظ این امانت الهی،

همه توان و نیروهای مادی و معنوی خویش را به کار گیرد، شأن و منزلت

حقیقی خود را بشناسد و برای رسیدن به تکامل همه جانبه، بر اساس آموزه های الهی گام بردارد تا دچار زیان نشود و گوهر ارزشمند انسانی را از

دست ندهد. انسان باید برای رسیدن به مقام های والای انسانی، موانع را از سر

راه بردارد و خود را از بند بندگی غیر خدا برهاند؛ زیرا خداوند، او را آزاد

آفریده است. اکنون باید بررسی کرد آزادی انسان که در آموزه های نبوی

مطرح شده و از مهم ترین ویژگی های حقیقی تمدن اوست، به چه معناست.

از دیدگاه قرآن کریم، آزادی، اسیر انسان هایی مانند خود نبودن است که

آن اسارت، نتیجه برگزیدن غیر خدا به دوستی و ولایت است. خداوند در

قرآن کریم، آزادی را ارمغان بزرگ وحی و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند و

در آیه ای با صراحت در این باره می فرماید:

مؤمنان، آنانند که از فرستاده [خدا]، پیامبر امّی پیروی می کنند؛ پیامبری که

ویژگی هایش را در تورات و انجیلی می یابند که نزدشان است. آنها را به

معروف امر می کند و از منکر باز می دارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنان حلال

می شمرد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که

بر آنان بود، [از دوش و گردنشان]برمی دارد. (اعراف: ۱۵۷)

۱- . نک: بقره: ۲۹؛ جاثیه: ۱۳؛ اسراء: ۷.

۲- . نک: احزاب: ۷۲.

خداوند در قرآن، اسارت انسان در قیدوبندها را نتیجه برگزیدن راه کفر و پیروی از غیر حق و غیر خدا می داند و می فرماید: «آنان کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده اند و غل و زنجیرها در گردنشان است.» (رعد: ۵) و در آیه ای دیگر می فرماید:

خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند. [همو] آنها را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد. ولی کسانی که کافر شدند، [در حقیقت]، اولیای آنها [اهل] طاغوتند که آنها را از نور به تاریکی ها می کشانند. (بقره: ۲۵۷)

در حقیقت، بندگی خدا، آزادی از غیر خدا و بندگی و اسارت طاغوت، نتیجه کفر و ایمان نداشتن به وحدانیت خدا و فرستادگان اوست. رسول گرامی اسلام می فرماید:

خداوند متعال هر روز می فرماید: «من پروردگار عزیز شما هستم. پس هر که خواهان عزت دو جهان است، باید از خدای عزیز اطاعت کند». (۱)

آن حضرت در بیانی دیگر، ضرورت عزت مؤمنان را این گونه یاد آور می شود: «هرکس آزادانه خواری را بپذیرد، از ما نیست»؛ (۲) یعنی عزت و سربلندی دنیا و آخرت فقط در گرو اطاعت از خداوند است. گفتنی است قیام هایی که در طول تاریخ بر مبنای این اندیشه شکل گرفتند، به پیروزی و سرافرازی مسلمانان انجامیدند و در مقابل، با افول این بینش، تمدن اسلامی دچار انحطاط فکری و فرهنگی شد که این انحطاط بر دیگر جنبه ها نیز اثر گذاشت.

١-. كنز العمال، ج ١٥، ص ٧٨٤، ح ٤٣١٠١.

٢-. تحف العقول، ص ٥٨.

۳. معنویت گرایی در زندگی

توجه به معنویت، وجه اشتراک همه ادیان آسمانی است، ولی در اسلام، رابطه تنگاتنگی میان معنویت و زندگی مادی انسان وجود دارد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

بعثت نبی اکرم اسلام، تمدن واقعی بشری را به ارمغان آورد و آن چنان تحولی در میان این مردم به وجود آورد که گوستاولوبون، وزیر اسبق فرهنگ فرانسه، در تاریخ تمدن اسلام و عرب می گوید:

«تاکنون هیچ مردمی به مانند مردم جزیره العرب دیده نشده[اند] که در مدتی کوتاه و اندک بتوانند به این حدّ از تمدن برسند.» آن حضرت آن چنان مدینه ای ساخت که سند عزت و افتخار مسلمین است و اساس این تمدن، اصول اخلاق اسلامی، معنویت گرایی و پای بندی به ارزش ها و اصالت ها بود و اگر تمدن از این خصیصه به دور باشد، هر چند از نظر علمی و صنعتی پیشرفت کند، مانند دزدی می ماند که با چراغ وارد خانه شود. اینجاست که فرق اساسی تمدن اسلام و عرب آشکار می شود. (۱)

معنویت گرایی، از جمله مواردی است که هم در کلام الهی و هم در سنّت نبوی بر آن تأکید فراوان شده است. به این معنا که زندگی فقط بهره مندی مادی و کوشش برای به دست آوردن امور دنیوی نیست و حتی به برقراری عدالت منحصر نمی شود، بلکه همه اینها مقدمه ای برای رسیدن به تعالی اخلاقی و معنوی و تحکیم رابطه انسان با خدا و تقرب به اوست. البته پیش از رسیدن به تعالی اخلاقی و روحی، شناخت و معرفت الهی، اولویت و اهمیت بسیاری

دارد. آن گاه که معرفت حقیقی حاصل شود، ویژگی هایی چون توکل، دعا،

امیدواری به رحمت خدا و کوشش، در زندگی مؤمنان نمود می یابد و زندگی

۱- . تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی رحمه الله، گزیده مقاله های کنفرانس صدمین سال میلاد امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲۳.

آنان با معنویت همراه می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، درباره توکل به خدا و اعتماد و

اتکا به او می فرماید: «هر کس به خدا توکل کند، خداوند، روزی او را کفایت

می کند و از جایی که گمان نمی برد، به او روزی می دهد.» (۱) البته توکل نباید

بهانه ای برای تنبلی و تن پروری شود، بلکه باید با کوشش و فعالیت های

اقتصادی برای کسب معاش همراه باشد. نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به

گروهی برخورد که بی کار نشسته بودند. از آنان پرسید: «شما چه کاره اید؟»

گفتند: یا رسول اللّه! ما توکل کنندگانیم. [کاری نمی کنیم، بلکه فقط به خدا توکل می کنیم. حضرت با شنیدن این سخن آنها فرمود: «نه، شما سربار

جامعه هستید.» (۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله کار و تلاش را همراه با توکل به خدا، لازمه

زندگی می داند.

همچنین آن بزرگوار دعا را موجب جلب رحمت الهی می داند و

می فرماید: «دعا کردن را هنگام رقت قلب غنیمت شمرید که رقت قلب،

رحمت است.» (۳) ایشان در کلام دیگری فرمود: «هر کس دوست دارد خداوند

هنگام سختی ها و گرفتاری ها دعایش را مستجاب کند، در هنگام آسایش،

بسیار دعا کند.» (۴) به عقیده رسول خدا صلی الله علیه و آله، دعا کردن و استجابت آن در درگاه

۱- . کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۰۳، ح ۵۶۹۳.

۲- . ابی عبدالله ابن ماجه، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۱۷۰، ح ۳۵۳۸.

۳- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه_ . ق، چ ۶، ج ۹۳، ص ۳۵۹، ح ۱۷.

۴- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه_ . ق، چ ۶، ج ۹۳، ص ۳۵۹، ح ۱۷.

خدا با عملکرد اجتماعی انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. آن حضرت در این باره

می فرماید: «هرکس می خواهد دعایش مستجاب شود و غمش رفع گردد، گره

از کار گرفتاری باز کند». (۱)

۴. استفاده از فن آوری برای گسترش تمدن

۴. استفاده از فن آوری برای گسترش تمدن(۲)

صنعت و فن آوری، در طول تاریخ و در میان همه قبایل و ادیان، در گسترش

تمدن اهمیت بسزایی داشته، ولی در تمدن نبوی بر این امر تأکید ویژه ای شده

است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هماره مسلمانان و پیروان خود را

به فراگیری دانش ها و فنون گوناگون تشویق می کردند. از دیدگاه آنان، رشد و بالندگی اقتصادی هر جامعه به رشد صنعت و نوآوری های فنی بستگی دارد،

چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک اشتر چنین سفارش می کند: «درباره

بازرگانان و صنعت گران سفارش نیکو کن... که اینان مایه سودند.[وجود

فعالیت های آنها برای جامعه سودمند است]». (۳)

صنعت، اساس اشتغال و مایه سودآوری و رفاه در زندگی و سامان بخش

۱- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ هـ . ق، چ ۶، ج ۹۳، ص ۳۵۹، ح ۱۷.

۲- . برای تفصیل بیشتر نک: سیدهادی حسینی، فقر و توسعه در منابع دینی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۱۳۸ _ ۱۵۷. در این کتاب روایت های بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام درباره این موضوع بیان شده است.

۳- . محمدرضا حکیمی، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، ج ۲، صص۷۴۵و۷۴۷.

حیات انسانی است. صنایع نظامی، (۱) صنعت پوشاک (۲)، صنعت داروسازی (۳)، صنایع چوب (۴)، صنایع کشتی سازی (۵)، صنعت فولاد، صنایع دستی و ساخت وسایل خانگی و ظروف (۶)، صنعت شیشه سازی (۷)، صنایع تزیینی (طلا، نقره، جواهر و سنگ های قیمتی)، صنایع ساختمان (۸) و صنعت نفت و فرآورده های آن، هر کدام بخشی از نیازهای زندگی بشر را تأمین می کند. ازاین رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، همواره انسان را به کسب دانش و مهارت ها و فراگیری فنون صنعتی به عنوان یک دانش سفارش می کردند.

انسان با استفاده از خلاقیت، توانایی، خرد و استعداد خدادادی خویش و با

۱- . نک: انبیاء: ۸۰ و حدید: ۲۵.

۲- . الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۷.

۳- . الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۷.

۴- . الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۹.

۵- . نک: مؤمنون: ۲۷؛ الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۷.

۶- . مؤمنون: ۲۷؛ الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۷.

۷- . مؤمنون: ۲۷؛ الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۸.

۸- . مؤمنون: ۲۷؛ الحیاه، ج ۵، ص ۳۵۸.

پیشرفت دانش و فنون و افزایش آگاهی ها و توان مندی ها می تواند به

پیشرفت ها و فن آوری های جدیدی دست یابد؛ تجربه های جدیدی کسب

کند؛ از وسایل و ابزارهای فنی پیشرفته و نیز از طبیعت به بهترین شکل بهره

برد و به زندگی خوب و آسوده ای دست یابد. با بررسی آموزه های نبوی و

سخنان جانشینان الهی درمی یابیم آن بزرگواران همواره مسلمانان را از عواملی باز داشته اند که موجب عقب ماندگی فرهنگی، علمی، فنی، صنعتی و

انحطاط جامعه است. (۱) برخی از این عوامل عبارتند از:

ناآگاهی از توسعه صنعتی؛

درک نادرست از تلاش کاری؛

راحت طلبی و نداشتن مهارت کاری؛

نظام آموزشی ناتوان؛

نارسایی پژوهش؛

وجود کاستی هایی در برنامه ریزی و مدیریت؛

رونق تکنولوژی وارداتی؛

رشد صنعتی ویران گر.

۵. گسترش خردگرایی و پیراستن اندیشه ها از موهوم ها و خرافه ها

بارور ساختن عقل انسانی به عنوان رسول باطنی و زدودن خرافه ها و

موهوم ها از اندیشه اش، زمینه ساز تعالی معنوی اوست. زندگی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سرشار از وقایعی است که بیان گر حقیقت گرایی آن حضرت

و ارزش و اهمیت آن در آموزه های وحیانی اسلام است. نقل است وقتی یکی

۱- . برای تفصیل بیشتر، نک: فقر و توسعه در منابع دینی، صص ۱۴۲-۱۵۷.

از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام ابراهیم، در هجده ماهگی از دنیا رفت،

حضرت بسیار اندوهگین شد و به شدت گریست و فرمود: «دل در سوز و

گداز است و چشم اشک بار. فرزندم! ما از دوری تو محزون و غمگینیم، ولی

چه کنیم که رضای الهی به این امر تعلق گرفته است و من برخلاف رضای او چیزی نمی خواهم.» مسلمانان با دیدن اندوه و گریه پیامبر خدا، بسیار ناراحت

و اندوهگین شدند. از قضا در آن روز خورشید گرفت. با این اتفاق، مسلمانان

گفتند که آسمان نیز از این سوگ تیره و تار شد و این پندار در میان مردم، زبان

به زبان گشت. هر چند رسول اکرم صلی الله علیه و آله می توانست از این پندار مردم به سود

خود و به منظور جلب افراد جامعه بهره برد، با شنیدن این سخن به سرعت به

بالای منبر رفت و فرمود: «خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی، از جمله

نشانه های قدرت الهی است و این حادثه با مرگ فرزند من ارتباطی ندارد.» (۱) و

این گونه آن حضرت با گسترش خرافه و توهم در میان مردم مبارزه کرد.

همچنین نقل است در دوران کودکی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، روزی آن حضرت

خواست همراه کودکان حلیمه سعدیه، دایه خویش، به چراگاه برود. حلیمه

پس از اینکه موهای آن حضرت را شانه و وی را معطر و مرتب کرد، خواست

به گردن او حرزی به عنوان محافظ بیندازد، ولی آن حضرت نپذیرفت و

فرمود: «مادرجان! [دست نگه دار!] آرام باش. این چیست؟ من خدایی دارم که

مرا حفظ می کند، نه این حرز». (۲)

به طور کلی، دین با خرافه پرستی و توهم گرایی در ستیز است. تاریخ ادیان

۱- . سیری در سیره نبوی، ص ۱۳۶.

۲- . بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

و زندگی نامه پیامبران، بیان گر مبارزه آنان با انواع خرافه ها است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه ای به پیامبری برانگیخته شد که انواع گوناگون خرافه پرستی در آن رواج داشت. خداوند در قرآن، در این باره می فرماید:

پیامبر خدا اندیشه ها و باورهای نادرست را که مانند غل و زنجیر، مردم را از تحرک و فعالیت درست بازمی داشت، از میان برداشت.(اعراف:۱۵۷)

امیر بیان، حضرت علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

... قرن ها بر این منوال گذشت... تا آنکه خدای سبحان محمد را برانگیخت... . در آن روز که او برانگیخته شد، مردم زمین، ملت هایی پراکنده بودند و هواهای گوناگون و اندیشه های پریشان داشتند. خدا را به آفریده های او همانند می کردند یا در نام او الحاد می ورزیدند و با این نام غیر او را در نظر می گرفتند... . (۱)

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در کلام زیبای دیگری می فرماید:

من گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله، بنده و فرستاده خداست. [پروردگار]، او را با دینی جهانی... و فرمانی آشکار به رسالت برانگیخت تا شبهه ها را از میان بردارد و با دلیل های روشن سخن گوید... . در آن هنگام که او برانگیخته شد، امور [زندگی]دست خوش حوادث گوناگون و پراکنده بود...، راه هدایت، پنهان و کوری و گمراهی، فراگیر بود، ... مردمان به یاری شیطان مشغول و همه فرمان بردار شیطان شده و پیروی او را در پیش گرفته بودند و از آبشخور او استفاده می کردند... . بدین سان آنها

سرگردان، حیران، نادان و نابسامان به سر می بردند... ؛ در سرزمینی که

دانشمند آن لگام بر دهان داشت و نادان آن عزیز و گرامی می زیست. (۲)

۱- . الحیاه، ج ۲، صص ۳۶ و ۳۷.

۲- . الحیاه، ج ۲، صص ۳۷-۳۹.

گسترش خرافه ها و سنّت های نادرست، بدعت شمرده می شود؛ زیرا با

روح دین در تضاد است. بنابراین، کسانی که این خرافه ها را گسترش می دهند

و برای نهادینه کردن آن می کوشند، شیطان صفت و ملعونند. پیامبر گرامی

اسلام در این باره می فرماید:

آنان که بدعت ها و سنّت های خرافی را گسترش می دهند، عذاب آن

دامن گیر خودشان می شود و گناه هر کس که به آنها عمل می کند، بر گردن

آنهاست. (۱)

از دیدگاه اسلام، شانس و اقبال، روزهای هفته، سال ها، ستارگان،

خورشید و ماه هیچ دخالت و اثری در سرنوشت انسان ندارند و تعیین کننده

خوش بختی یا بدبختی وی نیستند، بلکه سرنوشت و تقدیر آنها به دست

خدای حکیم و بر اساس حکمت بالغه او رقم خورده (۲) و رفتارهای اختیاری

خودشان نیز در این رابطه مؤثر است. بنابراین، فال بد زدن به برخی انسان ها یا

چیزها، شیوه و اندیشه ای نادرست و نابخردانه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره پیروان خود را از فال بد زدن باز می داشت و به

کسانی که با دیدن برخی چیزها یا روبه رو شدن با برخی موقعیت ها و حوادث

فال بد می زدند، می فرمود:

بگویید خدایا! خیر و نیکی جز از جانب تو نیست و بدی و نادرستی را

کسی جز تو نمی تواند دور کند. در حوزه فرمان روایی ات هیچ نیرو و

۱- . میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲- . نک: اسراء: ۱۲؛ نحل: ۱۲.

توانی جز نیروی لایزال تو وجود ندارد. (۱)

پیامبر خدا به کسانی که به کوه ها، ساعت ها، روزها و شب ها یا دنیا ناسزا می گفتند، می فرماید:

به کوه ها، زمان، شب ها و روزها ناسزا نگویید [و این پدیده ها را سبب خوش بختی یا بدبختی خود ندانید] که اشتباه است. (۲)... به روزگار ناسزا مگویید، همانا خدا [مدبّر] روزگار است. (۳)... درباره دنیا بدگویی نکنید؛ زیرا دنیا مرکبی نیک برای مؤمن است که به کمک آن به نیکی دست یافته و از بدی رهایی می یابد. (۴)

بر اساس آموزه های الهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، سرنوشت هر فرد و جامعه ای تغییرپذیر و وابسته به اختیار و انتخاب آگاهانه یا غیرآگاهانه خود اوست، چنان که خداوند در کتاب آسمانی اش می فرماید: «خداوند سرنوشت جامعه ای را تغییر نمی دهد مگر آنکه مردم آن جامعه، خود، شرایط را تغییر دهند.» (رعد:۱۱) بنابراین، در پیشانی هیچ فردی از آغاز تولد، فقر یا ثروت و نیک بختی یا بدبختی وی نوشته نشده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره پیروانش را از تقلید از سنّت های جاهلی و پیروی

۱- . الحیاه، ج ۳، ص ۲۲۹.

۲- . بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۲.

۳- . میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۲.

۴- . میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۹۱.

از آداب و رسوم نادرست پیشینیان مانند قربانی کردن برای محفوظ ماندن از

بلا و شر موجودات غیبی مانند جن، عقیده به اقبال و شانس و پذیرفتن

پیش گویی های کاهنان و فال گیران باز می داشت. در این باره روایت های بسیاری از

آن حضرت نقل شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

نقل است در زمان پیامبر خدا برخی مردم پس از خرید خانه ای نو یا به آب

رسیدن قنات و چاهی که حفاری می کردند و رخ دادن حوادث خوبی مانند

آن، حیوانی را برای خوش یُمنی و در امان ماندن از شر نیروهای غیبی (مانند

جن) ذبح می کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این شیوه را سنّتی ناروا و بی اثر می دانست

و مردم را از این کار باز می داشت. (۱) آن حضرت در کلامی گهربار می فرماید:

«هرکس نزد کاهنی برود و پیش گویی های او را باور کند، از آنچه خدا بر

پیامبرش نازل کرده، بیزاری جسته است.» (۲) و در سخن دیگری از آن حضرت آمده است: «سه چیز از کارهای جاهلیت است که مردم تا قیامت به آن

پای بندند.... [یکی از آنها]نوحه سرایی بر مردگان است». (۳)

۶. جامع نگری و اعتدال گرایی در ارزش های اخلاقی

پیامبر بزرگوار اسلام به همه ارزش های والای اخلاقی نگاهی جامع و همراه

با اعتدال داشت. آن حضرت هم به رعایت ارزش های اخلاقی توجه و تأکید

۱- . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۱.

۲- . حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ه_ . ق، چ ۲، ج ۱۳، ص ۱۱۲.

۳- . حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ه_ . ق، چ ۲، ج ۱۳، ص ۹۳.

می کرد و هم پیروان خود را به رعایت میانه روی درباره این ارزش ها سفارش

می فرمود. برای مثال، آن بزرگوار به فرمانده ای که برای پیکار با کافران

فرستاد، چنین سفارش کرد: «به نام خدا و در راه خدا با کافران پیکار کن، ولی

[تعدّی، زیاده روی و] مثله مکن و کودکان را مکش.» (۱) همچنین در کلام

دیگری فرمود: «پیرمرد سال خورده، بچه های کوچک و زنان را نکشید». (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله، رعایت اخلاق اجتماعی را نیز به مسلمانان سفارش

می کرد و می فرمود:

اخلاق خود را برای خانواده و همسایگان و کسانی که با آنها رابطه و

هم نشینی دارید، نیکو گردانید... . آنچه برای خود نمی پسندید، برای

دیگران نیز نپسندید و آنچه برای خود دوست دارید، برای دیگران نیز

بخواهید. (۳)

آن حضرت به اخلاق اجتماعی، اخلاق شهروندی، چگونگی برخورد با

غیرمسلمانان، اخلاق خانوادگی و اخلاق سیاسی نیز نگاهی جامع و کامل

داشت. آموزه های نبوی به گونه ای است که اعتدال را در جامعه بشری برقرار

می سازد و موجب تضمین سعادت و سلامت زندگی فردی و اجتماعی می شود. این آموزه ها همه جنبه های وجود انسان را دربرمی گیرد. انسان

موجودی متغیر، در حال تحول و همواره در حرکت و تکاپوست. این تکاپو و

۱- . رسول جعفریان، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات دلیل، ۱۳۸۰، چ ۱،ص ۴۴۹.
۲- . کنز العمال، ح ۱۱۰۱۳.
۳- . تحف العقول، ص۱۴.

تلاش در بستری خاص صورت می گیرد که نباید از مدار خویش خارج شود؛ زیرا اگر انسان از ویژگی های انسانی خویش و از کاروان انسانیت که بر اساس فطرت الهی حرکت می کند، دور افتد و خارج از چارچوب آموزه های الهی گام بردارد، به هلاکت و شقاوت گرفتار می شود. به نص صریح قرآن کریم، انسان های تربیت شده در مکتب اسلام، اعتدال و میانه روی را در رفتار رعایت می کنند. (۱)

در آموزه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به رشد هماهنگ ارزش های اخلاقی در وجود انسان توجه ویژه شده و هیچ یک از نیازهای وجودی انسان نادیده گرفته نشده است. برای مثال، پیامبر خدا کسانی را که به بهانه زهدورزی و عبادت، از مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی سر باز می زدند و از خانواده خود دوری می کردند تا به عبادت و راز و نیاز با خدا بپردازند، از این کار باز می داشت. در مقابل، آنها را از سرگرمی به دنیا و امیال و هواهای نفسانی نهی می کرد و آنها را به رعایت اعتدال فرا می خواند. تکامل اخلاقی انسان در همه زمینه ها و جنبه ها و تحقق اهداف متعالی پیامبران که همان هدایت و سعادت انسان است، فقط با رعایت طبیعت انسانی به صورت معتدل امکان پذیر است، نه با افراط و تفریط.

استاد مطهری معتقد است کمال انسان در تعادل و توازن اوست؛ یعنی باید رشد ارزش ها در وی، رشدی هماهنگ و متعادل باشد. نمونه این اعتدال، در سیره امام علی علیه السلام به عنوان مظهر انسان کامل متجلی است. همه ارزش های انسانی در حد والا و به طور هماهنگ و معتدل در وجود آن حضرت رشد

۱- . نک: بقره: ۱۴۳.

کرده بود و افراط و تفریط در رفتار ایشان راه نداشت. وجود آن حضرت، تجسم کمال انسانی در جنبه های گوناگون بود. به اعتقاد شهید مطهری، بیشتر جوامع بشری به دلیل گرایش صددرصد به باطل، به انحطاط کشیده نمی شوند، بلکه گاه با افراط در حق، دچار فساد و تباهی می شوند. بی شک عبادت، ایثار، فداکاری، خدمت به خلق خدا، بخشش، آزادی، عشق، محبت، تواضع و ویژگی های نیکویی مانند آن از جمله ویژگی های بسیار ارزشمند اخلاقی است که هیچ انسان عاقلی آن را انکار نمی کند و در اسلام و آموزه های نبوی، عبادت شمرده می شود. با این حال، اگر در این ویژگی های نیکو و ارزشمند افراط شود، ارزش و نقش مؤثر خود را از دست می دهند و حتی موجب انحطاط ارزش های اخلاقی می شوند. (۱)

۱- . مرتضی مطهری، انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا، ص ۴۱.

فصل چهارم: اصول و شاخصه های سیاسی تمدن نبوی

اشاره

با نگاهی گذرا به آموزه های اسلام، درمی یابیم اجرای بسیاری از احکام اسلامی و تحقق آرمان های دینی، بدون موضع گیری های سیاسی امکان پذیر نیست. برای مثال، تشکیل حکومت از راه تحقق عدالت اجتماعی بوده که از مهم ترین هدف ها و برنامه های همه پیامبران الهی به ویژه پیامبر عظیم الشأن اسلام است. در حقیقت، همه احکام فقهی در زمینه های گوناگون، در بستر اجتماع به مرحله اجرا در می آیند. پس لازم است حکومت مقتدر اسلامی تشکیل شود. برهمین اساس، نخستین اقدام پیامبر گرامی اسلام پس از هجرت به مدینه، تشکیل حکومت اسلامی بود. سیاست و حکومت، از ارکان اصلی تمدن نبوی است. بدین ترتیب مهم ترین اصول و شاخصه های سیاسی این تمدن را بررسی می کنیم.

۱. حاکمیت ولایت الهی و خلافت منصوصه

در آموزه های الهی ـ اسلامی، ولایت و به تبع آن خلافت، منصبی الهی است که از جانب خداوند به برترین افراد جامعه انسانی داده می شود. به نص صریح قرآن کریم، ولایت، تنها از آن خداست که خداوند این ولایت را به پیامبر خود عطا کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله این ولایت را به امامان معصوم علیهم السلام سپرده است.

بر اساس آموزه های اسلام، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جانشینان راستین

پیامبر هستند؛ زیرا مستقیم و بی واسطه به ولایت پیامبر و از طریق آن، به

ولایت الهیه مربوط می شوند. در حقیقت، ولایت امامان معصوم علیهم السلام، در طول

ولایت خدا و رسول اوست. شبهه ای که در این باره مطرح است این است که با

توجه به خاتمیت رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چه نیازی به امامت است؟ در پاسخ

باید گفت مرز روشنی میان امام و پیامبر وجود دارد و آن این است که پیامبر،

پایه گذار شریعت، محل نزول وحی و دارنده کتاب است و امام اگرچه

هیچ کدام از این ویژگی ها را ندارد، افزون بر شئون حکومت و زمام داری،

مبیّن و مجری آموزه هایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل نبودن فرصت یا

نامساعد بودن شرایط، موفق به بیان و اجرای آنها نشده و این مسئولیت را به

عهده جانشینان خود گذاشته است. (۱)

بنابراین، امام، نه تنها حاکم وقت و زمام دار اسلام و مجری قوانین و

پاسدار مرزهای سرزمین اسلامی است، بلکه روشن گر مسائل و آموزه های

پیچیده مذهب و کامل کننده احکام و قوانینی است که پیامبر خدا به دلایلی

موفق به بیان آن نشده است. بر این اساس، رسول اعظم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند

از هر فرصتی برای معرفی، تبیین و تثبیت جایگاه امامان معصوم علیهم السلام استفاده و

بر این امر مهم تأکید می کرد.

با وجود تأکید و سفارش پیاپی و بسیار پیامبر خدا درباره ولایت حضرت

علی علیه السلام پس از آن حضرت، به دلایل گوناگون سیاسی و اجتماعی، خلافت

پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسیر اصلی خود خارج شد و به انزوای سیاسی

۱- . جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۷، ج ۲، ص ۴۶۷.

جانشینان برحق پیامبر انجامید. به این ترتیب، ولایت الهی پیامبر که

می بایست به دست معصومان علیه السلام ادامه یابد، از دست آنان خارج و در اندک

مدتی به سلطنت موروثی ستمگرانه تبدیل شد. این امر موجب محروم ماندن

همیشگی جامعه انسانی به ویژه جامعه اسلامی از وجود پربرکت انسان های

کامل گردید. به این ترتیب، نخستین گام در جهت انحطاط تاریخ و فرهنگ

مسلمانان برداشته شد. از میان انبوه مسلمانان فقط گروهی اندک به سفارش و

وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کردند و به عهد و پیمانی که با خدا،

رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولیّ خدا در روز غدیرخم بستند، وفادار ماندند و بیشتر

مسلمانان بر اثر تبلیغات مسموم و نادرست حکومت های استبدادی و نیز

فضای خفقان آور جامعه از بهره گیری از وجود مقدس ائمه معصوم علیهم السلام

محروم ماندند. ازاین رو، نخستین و مهم ترین شاخصه سیاسی تمدن نبوی که

برپایی حکومت عادلانه اسلامی ــ الهی بود، تحقق کامل نیافت.

۲. برابری

مشکل اساسی پیامبر گرامی اسلام در راه اعتلا و استوار ساختن پایه های

تمدن الهی، بی عدالتی، نابرابری و برتری افراد و طبقه های اجتماعی بر

یکدیگر، براساس نسب، خانواده، نژاد، قبیله، مال و رنگ بود. پادشاهان، خود

را از سلاله خدایان می دانستند و مدعی برتری و حاکمیت بر مردم بودند.

اشراف، توان گران و کاهنان نیز که ثروت، نسب و کهانت را نوعی برتری بر

دیگران می پنداشتند، خود را در طبقه پادشاهان و گاه پس از آنها می دانستند. (۱)

به این ترتیب، دیگر مردم که از این امتیازهای پوچ و بی اساس بی بهره بودند،

۱- . جلال الدین فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وزارت و ارشاد، ۱۳۶۱، چ ۱، ص ۷۴.

حق و حقوق انسانی نداشتند و در ردیف چهارپایان به شمار می آمدند.

همچنین، زنان به عنوان شیی ئی در مالکیت مردان و برای استفاده آنان بودند و

هیچ حق و آزادی یی نداشتند. در چنین فضایی که آکنده از تعصب های

بی اساس و پوچ جاهلی بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله وحدت و برابری بشر را مطرح

کرد. (۱) آن حضرت همه ملاک های برتری جاهلیت را بی اساس دانست و میان

مسلمانان با هر نژاد، زبان، قبیله و رنگی، برادری و برابری برقرار ساخت. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه انسان ها را برابر و تنها ملاک برتری را پرهیزکاری

می دانست. نقل است روزی فقیری با لباس مندرس خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسید و در کنار آن حضرت، نزدیک مردی ثروتمند نشست. مرد ثروتمند به

سرعت لباس خود را جمع کرد و از فقیر فاصله گرفت. پیامبر این صحنه را

دید و با ناراحتی به مرد ثروتمند فرمود: «از این ترسیدی که چیزی از

تنگ دستی او دامن گیر تو شود؟» ثروتمند گفت: نه یا رسول خدا! حضرت

فرمود: «ترسیدی که لباست کثیف شود؟» مرد گفت: نه. رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پرسید: «پس علت این رفتارت چه بود؟» مرد ثروتمند گفت: یا رسول الله!

شیطان، همدم من شد و کار زشت را در نظرم زیبا و کار زیبا را در نظرم زشت

جلوه داد. حال برای اینکه این کار ناشایستم را جبران کنم، نصف مالم را به این

مرد می بخشم. پیامبر به مرد فقیر فرمود: آیا می پذیری؟ فقیر گفت: نه یا رسول

الله! مرد ثروتمند علت سرباز زدنش را پرسید؟ فقیر گفت: می ترسم آنچه از

۱- . نک: انعام: ۹۸.

۲- . نک: روم: ۲۲؛ حجرات: ۱۳.

دل تو گذشت، به دل من نیز راه بیابد. (۱)

در زمان پیامبر اسلام، اصل برابری و تساوی حقوق میان مسلمان و غیرمسلمان، عرب و عجم، با هر قبیله و نژادی به دقت اجرا می شد، ولی پس

از پیامبر این دیدگاه کم رنگ شد، به گونه ای که در زمان عثمان، تبعیض و

نابرابری به بالاترین درجه خود رسید و همین امر نیز موجب قتل او شد. پس

از آنکه امام علی علیه السلام به حکومت رسید، در دوران خلافت کوتاه خویش همه

توانش را صرف جبران اشتباه ها و سیاست های نادرست عثمان و خلفای

پیش از او کرد و گام های مؤثری در راه ایجاد برابری و تحقق عدالت برداشت،

ولی پس از حضرت علی علیه السلام حکومت اسلامی به معاویه رسید و وی آن را به

سلطنت موروثی تبدیل کرد. در دوران معاویه، نابرابری، بی عدالتی و ستم به

اوج خود رسید که این روند در زمان حکومت امویان و عباسیان نیز ادامه

یافت. با این حال، امامان معصوم علیهم السلام از هر فرصتی در راه تبیین و نهادینه

کردن آموزه های حقیقی اسلام استفاده می کردند.

۳. تحقق وحدت عمومی بر اساس آرمان های الهی

از جمله کارهای مهم و اساسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، ابتدا

برقراری پیمان برادری میان مهاجران بود. آن بزرگوار هر دو نفر را که از نظر

اخلاقی و رفتاری با هم تناسب داشتند، برادر معرفی کرد و همچنین آن حضرت

پس از ورود به مدینه، میان مهاجر و انصار پیمان برادری برقرار کرد. (۲) خود

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این پیمان شرکت کرد و با امام علی علیه السلام پیمان برادری بست.

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲- . نک: برهان الدین حلبی، سیره حلبی، بیروت، المکتبه الاسلامیه، بی تا، بی نا، ج ۲، ص ۲۰.

هم بستگی و وحدت اجتماعی، از آرمان هایی است که بشر در طول تاریخ

در پی تحقق آن بوده؛ وحدتی که همواره بحران ها و تنش های اجتماعی و

سیاسی موجب تزلزل و از بین رفتن آن شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با

آموزه های الهی خویش برای ایجاد و تقویت این وحدت و هم بستگی میان انسان ها و از بین بردن نفاق و دودستگی، نقش اساسی ایفا کرد و این گونه بر

تعالی تمدن اسلامی خویش شتاب و غنا بخشید.

به طور کلی، همه تمدن های جهانی در سایه هم رأیی، هم دلی و هم فکری

سیاسی و عقیدتی پدید آمده است. بی شک، آموزه های نبوی در ایجاد و

تحکیم پیوند و هم بستگی میان مسلمانان نقش اثرگذاری داشته است که به

بررسی این اثرگذاری می پردازیم.

بر اساس آیات قرآن کریم و سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ایمان به خدای یگانه

و پرهیزکاری تنها ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر است، چنان که

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

همه مردم از زمان گذشته تاکنون مانند دندانه های شانه برابرند و عرب بر

عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارد. ملاک برتری، ایمان به خدا و

پرهیزکاری است (که همان شرط تقرب به خداست). (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از فرصت های گوناگون برای ایجاد و تحکیم وحدت و

هم بستگی میان مسلمانان استفاده می کرد. بر این اساس، با رشد و گسترش

اسلام، میان اعراب و دیگر مسلمانان وحدتی پدید آمد که به منظور تحقق

هدفی متعالی که همان حفظ و گسترش اسلام بود، رشته انسجام آنان را محکم ساخت. در آموزه های زندگی بخش اسلام، بر وحدت و برادری بر اساس

۱- . فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۴۲.

ایمان به خدا تأکید و سفارش بسیاری شده است. خداوند در قرآن کریم در

این باره می فرماید:

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و از یکدیگر جدا نشوید. به یاد آرید نعمت های خدا بر خودتان و آن زمان را که با هم دشمن بودید. پس میان

قلب های شما الفت برقرار ساخت و به برکت آن با هم برادر شدید.

(آل عمران: ۱۰۳)

پیامبر بزرگوار اسلام نیز درباره اتحاد و هم بستگی مسلمانان و حقوقی که

در برابر یکدیگر دارند، می فرماید:

مسلمان، برادر مسلمان است. همه مسلمانان برادر یکدیگرند و در برابر

دشمنان حکم یک امت را دارند. از آن جا که هر فرد مسلمانی با دیگری

برابر است، کوچک ترین آنها از طرف دیگری می تواند تعهد کند. (۱)

با توجه به آموزه های اسلامی درمی یابیم گام برداشتن برای تحقق و

تحکیم وحدت و گسترش هم بستگی اجتماعی، از ضرورت های شکل گیری

و رشد تمدن نبوی بوده است و بی شک، تفرقه و دودستگی، موجب تزلزل و

انحطاط ارکان آن می شود. در حقیقت، دست یافتن به هویت و وحدت

اجتماعی، روح یگانگی را در میان مسلمانان به وجود آورد و آنان را به آینده

امیدوار ساخت و ارتقا و تعالی تمدن نبوی و دست یابی به هدف های

فرا روی آن را امکان پذیر کرد. البته این وحدت به طور کامل محقق نشد و

اختلاف قومی ــ مذهبی فراوانی در آن خلل ایجاد کرد.

۴. آینده نگری سیاسی

از جمله اصول و شاخصه های سیاسی تمدن نبوی، آینده نگری سیاسی

۱- . ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ . ق، چ ۷، ج ۲، ح ۴۴۱۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی، تهران، ح ۴۲۴۶.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. آن حضرت نه تنها خود در همه امور شخصی و

اجتماعی آینده نگر بود و در همه تصمیم گیری ها به این امر توجه ویژه داشت، بلکه همواره در این زمینه به پیروان خویش نیز سفارش و تأکید می کرد که

هیچ گاه بدون عاقبت اندیشی تصمیمی نگیرند. آن حضرت در سفارشی عام و

فراگیر به پیروانش می فرماید:

هرگاه برای انجام کاری تصمیم گرفتی، در عاقبت آن بیندیش. پس اگر در

انجام آن خیر بود، آن را دنبال کن و اگر شر یا گمراهی بود، از آن بپرهیز. (۱)

در سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله موارد بسیاری از این دوراندیشی را

می توان دید. تعیین جانشین و ولی در نخستین روزهای رسالت الهی اش و

تأکید فراوان در شرایط گوناگون بر این امر و امضای صلح نامه های گوناگون با

قبایل، اعم از مشرکان و یهودیان و دست یابی مسلمانان به منافع فراوان

سیاسی و اجتماعی در نتیجه عقد این صلح نامه ها، نشان دهنده درک سیاسی

بالا و تدبیر الهی آن حضرت در زمینه سنجش عواقب امور است و بیان گر آن

است که ایشان در همه موارد دوراندیش و آینده نگر بود. منطق عملی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اندیشه و دوراندیشی استوار بود. علامه طبرسی نویسنده

کتاب مکارم الاخلاق در این باره می نویسد:

پیامبر پیوسته اندوهگین بود. هماره می اندیشید و جز به نیاز سخن

نمی گفت و بسیار سکوت می کرد. علی علیه السلام [در این باره]می فرماید:

«سکوت آن حضرت بر چهار چیز بود: بردباری، دوراندیشی،

۱- . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه مدرسین، چ ۲، ج ۴، صص ۴۱۰ و ۴۱۱.

اندازه نگاه داری و تفکر». (۱)

دوراندیشی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در اداره زندگی اجتماعی مسلمانان تجلی بیشتری می یافت. آن حضرت با توجه به اهمیت رهبری جامعه اسلامی پس

از خود، جانشین انتخاب کرد که علل و عوامل اجتماعی و سیاسی گوناگونی

در این تصمیم گیری نقش داشت. برای مثال، تشکیل حکومت و نظام سیاسی

برای اجرای احکام و ایجاد زمینه رشد و تعالی انسان ها، از مهم ترین کارهای

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه این حکومت را

تشکیل داد. (۲) پس از گذشت یک دهه از عمر این حکومت و با نزدیک تر شدن

زمان ارتحال پیامبر، آن حضرت حکومت نوپای اسلامی را با چند خطر مهم

روبه رو می دید که برخی از این خطرها عبارتند از:

افراد بسیاری به ویژه پس از فتح مکه و گسترش دامنه حکومت اسلامی، با

دیدن قدرت و عظمت اسلام و مسلمانان، به ظاهر، اسلام آورده بودند. این

افراد منتظر فرصتی بودند که با پیدایش کوچک ترین نقطه ضعف، دوباره به

اندیشه ها و رفتارهای جاهلی خود باز گردند. بر همین اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله

از جانب این افراد که تعداد آنها کم نیز نبود، احساس خطر می کرد. (۳)

دسته دوم که پیامبر گرامی اسلام از جانب آنان احساس خطر بیشتری

۱- . فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ه_ . ق، ص ۱۲.
۲- . محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، قاهره، ۱۳۵۸ ه_ . ق، ج ۲، صص ۴۹۰ و ۵۵۰.
۳- . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۶، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

می کرد، منافقانی بودند که در پوشش اسلام، برای ضربه زدن به پیکر حکومت

اسلامی و رسیدن به هدف های دنیایی خود می کوشیدند. در بسیاری از آیات

قرآن به این افراد و نقشه ها و دسیسه های آنان اشاره شده است. با وجود

مبارزه شدید پیامبر با این گروه، آنان در جامعه اسلامی قدرت گرفتند، به

گونه ای که جزو مهم ترین خطرها برای حکومت اسلامی به شمار می آمدند.

سومین گروهی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب آنان احساس خطر می کرد،

قدرت های جهانی چون ایران و روم بودند. در سال دهم هجرت، پایه ها و

ارکان حکومت اسلامی استوار گشت و به عنوان قدرتی مستحکم، در برابر

قدرت های جهانی آن زمان (ایران _ روم) قرار گرفت. ازاین رو، انتظار

می رفت از جانب این قدرت ها تهدید شود که رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و نبود

رهبری مقتدر می توانست بهترین شرایط را برای حمله آنان بر ضد اسلام و

مسلمانان فراهم کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به این خطرها و به فرمان

پروردگار، همه علوم و آموزه های الهی را به پسر عمش، حضرت علی علیه السلام

آموخت (۱) و آن حضرت و فرزندان معصومش را به عنوان ثقل کبیر و قرین

ثقل اکبر؛ یعنی قرآن، به جامعه اسلامی معرفی کرد. (۲)

آن حضرت در اقدامی دیگر، پس از بازگشت از سفر حج در محل

غدیرخم، به فرمان خدا همه حاجیان را جمع کرد و پس از ایراد خطبه ای

بسیار مهم و اساسی، برترین شخصیت جهان اسلام و بشر؛ حضرت

علی بن ابی طالب علیه السلام را به جانشینی خود برگزید و از مردم برای ایشان بیعت

۱-. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۷۹؛ ج ۲۲، ص ۴۶۱.

۲-. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۷۹؛ ج ۲۲، ص ۴۶۱.

گرفت. در حقیقت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این کار، رهبر آینده نظام سیاسی را

انتخاب کرد و پایه های خلافت منصوصه وی را استوار ساخت و حکومت

اسلامی و زعامت مسلمانان را به دست باکفایت ترین فرد پس از خود سپرد.

به این ترتیب، حضرت علی علیه السلام به عنوان ولیّ خدا و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله از

هر گونه خطا و اشتباه، مصون و معصوم و پیروی و اطاعت از فرمان و ولایت وی بدون قید و شرط واجب است (۱) و سرپیچی از فرمان ایشان که ضامن

سعادت و خیر دنیا و آخرت است، گمراهی آشکار است.

۵. استکبارستیزی و نفی سلطه گری و سلطه پذیری

از دیگر اصول و شاخصه های سیاسی تمدن نبوی، استکبارستیزی است.

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و وقایع دوران رسالت آن حضرت، نشان دهنده تلاش

بسیار ایشان برای براندازی کفر و شرک است. مبارزه با استبداد و استثمار، از

جمله مهم ترین برنامه های سیاسی پیامبر گرامی اسلام بود.

آن حضرت حتی پیش از برانگیخته شدن به رسالت نیز با زورگویی و

بی عدالتی مخالفت و مبارزه می کرد. نقل است حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دوران

جاهلیت، با گروهی که آنها نیز از ستم و بی عدالتی رنج می بردند، برای دفاع از

ستم دیدگان و گرفتن حق آنان از ستمگران، هم پیمان شد. این پیمان که در

خانه عبداللّه بن جدعان، از بزرگان مکه بسته شد، پیمان «حلف الفضول» نام

گرفت. پیامبر خدا پس از رسالت همواره از این پیمان به نیکی یاد می کرد و

می فرمود: «هرگز حاضر نیستم آن پیمان را بشکنم و اگر اکنون نیز چنین

۱- . محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ. ق، چ ۵، ج ۴، صص ۳۸۹ _ ۳۹۱؛ فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳، ج ۱۰، ص ۱۴۴.

پیمانی باشد، در آن شرکت می کنم.» (۱) آن حضرت از هر فرصتی برای مبارزه با ستم و حمایت از ستم دیدگان استفاده می کرد و می فرمود: «هر کس داد ستم دیده را از ستمگر بگیرد، در بهشت با من یار و هم نشین خواهد بود.»

ایشان در کلام دیگری می فرماید:

هرگاه مردم فرد ستمگری را ببینند، ولی او را از ستم باز ندارند، به زودی همه آنها به عذاب الهی گرفتار خواهند شد [که] خداوند عزّوجل می فرماید: «به عزت و جلالم سوگند که در دنیا و آخرت از ستم کار انتقام می گیرم و از کسی که ستم دیده ای را ببیند و بتواند یاری اش کند و نکند، بی گمان انتقام می گیرم». (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کسانی که ستمگران را یاری می کنند، فرمود:

هرکس در محکمه ای از ستمگری دفاع یا او را در ستم کاری اش یاری کند، ملك الموت به سویش می آید و به او می گوید: «بشارت باد تو را به لعنت خدا و آتش دوزخ و آن، بدجایگاهی است». (۳)

۶. شایسته سالاری

شناخت توانایی ها و استعدادهای افراد و استفاده از نیروها و پتانسیل های موجود در جامعه اسلامی و به کارگیری آنها به منظور تعالی جامعه، از اصول

۱- . وحی و نبوت، ص ۲۴۶؛ احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی ـ فرهنگی، ۱۳۷۱، چ ۶، ج ۳، ص ۱۸؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- . یك هزار حدیث، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۳- . ابی جعفر صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ هـ.ق، چ ۲، ص ۳۳۱.

مهم و اساسی در فعالیت های سیاسی است. البته بهره برداری از استعدادها و

توانایی ها باید بر اساس رعایت اصل شایستگی و تخصص صورت گیرد،

چنان که خداوند تبارک و تعالی در این باره می فرماید: «خداوند شما را امر

می کند که امانت ها را به اهلش بسپارید.» (نساء: ۵۸) در شأن نزول این آیه آمده

است هنگامی که مکه به طور کامل فتح شد، پیامبر، عثمان بن طلحه را که

کلیددار خانه کعبه بود، احضار کرد و کلید را از وی گرفت تا درون خانه خدا را

از وجود بت ها پاک سازد. پس از اینکه خانه خدا از وجود بت ها پاک شد،

عباس، عموی پیامبر نزد آن حضرت آمد و تقاضا کرد منصب کلیدداری خانه کعبه به او سپرده شود، ولی پیامبر درحالی که آیه ۵۸ سوره نساء را می خواند،

کلید را به عثمان بن طلحه سپرد. (۱) همچنین وقتی آن حضرت، معاذ بن جبل را

به عنوان فرماندار به یمن فرستاد، به وی این گونه سفارش کرد:

امر خدا را در میان ایشان اجرا کن و کسی را بر دخالت در امور و مال

مردم جرئت مده؛ زیرا این حکومت، مال و ملک [شخصی] تو نیست و

در هر چیز؛ کم یا زیاد، امانت را نسبت به ایشان ادا کن. (۲)

بر اساس این سفارش پیامبر، مناصب حکومتی نیز از مصداق های

امانت های در دست حاکم است و باید به افراد شایسته سپرده شود. ازاین رو، پیامبر

خدا همواره افراد را از تصدی امور بدون شایستگی لازم نهی می کرد و می فرمود:

هر کس رهبری جماعتی را به عهده گیرد و در میان این جماعت، داناتر و

فقیه تر از وی باشد، پیوسته کارشان تا روز قیامت در پستی و سقوط

۱-. جاراللّه زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۵۲۳.
۲-. تحف العقول، ص ۱۹.

است. (۱)

بی شک، از عوامل مهم ضعف و انحطاط جوامع و تمدن ها، سپردن

مسئولیت های مهم و حساس به دست افراد ناشایست است. ازاین رو،

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جانشینان بر حقش می کوشیدند چنین افرادی در مصدر

امور قرار نگیرند. ابوبُرده از ابوموسی نقل کرده است:

روزی من و دو تن از پسرعموهایم نزد پیامبر خدا رفتیم. پسرعموهایم به

حضرت گفتند: ای رسول خدا! ما را بر بخشی از آنچه خداوند، تو را بر

آن ولایت داده است، حاکم کن! پیامبر فرمود: «به خدا سوگند! ما هرگز به کسی که درخواست حکومت کند یا برای به دست آوردن آن حریص

باشد، منصب حکومتی نخواهیم داد». (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در طول زندگی پربرکتش همواره بر شایسته سالاری

تأکید فراوان داشت، ولی جاه طلبان با این اقدام پیامبر مخالف بودند و از تحقق

این اصل بسیار اساسی جلوگیری می کردند. همین امر موجب انحطاط جامعه

اسلامی پس از پیامبر شد که برای نمونه می توان به مخالفت مردم با فرماندهی

اسامه در زمان پیامبر اشاره کرد.

نقل است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جوانی به نام اسامه بن زید را که حدود بیست سال

داشت، به فرماندهی سپاه اسلام در مقابل رومیان منصوب کرد و به او فرمود:

«به نام خدا و در راه خدا و با دشمنان خدا پیکار کن. سحرگاهان بر اهالی اُبنا

۱- . ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ هـ . ق، ج ۱، ص ۹۳.

۲- . مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ هـ . ق، چ ۸، ج ۱۲، ص۲۰۷؛ سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ . ق، چ ۵، ج ۲، ص ۲۶۹.

حمله بر و این مسافت را چنان به سرعت بپیما که پیش از آنکه خبر حرکت تو

به آنها برسد، خود و سربازانت به آنجا رسیده باشید.» اسامه، پرچم سپاه را به

بریده سپرد و جرفُ را اردوگاه خود قرار داد تا سربازان اسلام در آنجا گرد آیند

و در زمان معیّن به سمت رومیان حرکت کنند.

در حقیقت، پیامبر از انتخاب اسامه جوان به فرماندهی سپاه دو هدف

داشت: نخست آنکه با این انتخاب به دیگران نشان دهد ملاک سپردن

مسئولیت های حساس، بزرگی، سن و سال و مقام و موقعیت خانوادگی

نیست، بلکه شایستگی و توانایی، ملاک اصلی انتخاب شایسته است. آن

حضرت با این انتخاب اعلام کرد ملاک انتخاب در اسلام، لیاقت و کاردانی

است، نه سن و سال و شخصیت اجتماعی و رتبه خانوادگی. (۱) دومین دلیل پیامبر این بود که با سپردن این مسئولیت به اسامه، مصیبت مرگ پدرش را که

در جنگ با رومیان کشته شده بود، جبران کند.

این انتخاب پیامبر به مذاق برخی اصحاب که برای خود مقام و شخصیت

اجتماعی و خانوادگی بالاتری قائل بودند، بسیار تلخ و ناگوار بود. ازاین رو،

زبان به طعن و اعتراض گشودند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از کارشکنی های آنان

در حرکت سپاه از لشکرگاه و اعتراضشان به فرماندهی اسامه باخبر گشت،

بسیار خشمگین شد و در حالی که به شدت بیمار بود، راهی مسجد شد. سپس

بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی چنین فرمود:

هان ای مردم! من از تأخیر حرکت سپاه بسیار ناراحتم. گویا فرماندهی

اُسامه برای گروهی از شما گران آمده است و زبان به انتقاد گشوده اید،

ولی اعتراض و سرپیچی شما تازگی ندارد. پیش از این نیز از فرماندهی

۱- . فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۸۶.

پدرش زید انتقاد می کردید. به خدا سوگند! هم پدرش شایسته این منصب بود و هم اسامه لایق و شایسته این مقام است. من او را بسیار دوست دارم. ای مردم! به او نیکی کنید و دیگران را نیز به نیکی در حق او فرا خوانید [که] او از نیکان شماست. (۱)

۷. مسئولیت همگانی

تحقق کامل و عملی آموزه های نبوی در گرو سپردن مسئولیت به همگان، بر اساس توانایی های علمی و عملی و استعدادهای آنان است. توجه و اهتمام به امور مسلمانان و رفع مشکلاتشان و پیش گیری از فساد و مبارزه با ناهنجاری ها از مصداق های این شاخصه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه مسلمانان را نسبت به یکدیگر مسئول می داند و می فرماید: «کُلُّکُم راعٍ و کُلُّکُم مسئولٌ عَنْ رَعیَّتِه؛ همه شما راهبر، ناظر و مسئول جمع خویش هستید.» (۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این سخن، مردم را از انزواطلبی و گوشه گیری از امور گوناگون اجتماعی و سیاسی و غفلت و بی خبری از امور باز می دارد.

بی شک، در جامعه ای ساده و به دور از اختلاف ها و درگیری های سیاسی و اجتماعی، ایفای این نقش آسان است، ولی با پیشرفت و تحول جوامع و پدید آمدن مناسبات و روابط اجتماعی پیچیده و گسترده، مردم برای ایفای این وظیفه اسلامی، به مقدمات و کسب آمادگی های فراوانی نیاز دارند. مردم یک جامعه برای شرکت در امور سیاسی و اجتماعی خویش، بیش از هر چیز باید از مسائل روز جامعه، رخ دادهای داخلی و خارجی و تصمیم ها و

۱- . فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲- . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸، ح ۳۶؛ صحیح بخاری، کتاب الجمعه، ج ۱، ص ۱۶۰.

تدبیرهای حکومتی آگاهی کافی داشته باشند.

حضور در صحنه های سیاسی و اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر

رخدادهای جامعه موجب کاهش بسیاری از تنش ها و بحران های اجتماعی و

ایجاد حرکت های اصلاحی در جامعه می شود. در حقیقت، بسیاری از اصول

و شاخصه های تمدن نبوی مانند اهتمام به امور مسلمانان که به فرموده

رسول خدا صلی الله علیه و آله شرط مسلمانی و دین داری است، (۱) از همین اصل اساسی

مسئولیت همگانی سرچشمه می گیرد.

رسول گرامی اسلام می فرماید: «هر که صبح کند و به امور مسلمانان

اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست». (۲)

از مصداق های این امر می توان به احساس مسئولیت مردم در قبال

عملکرد دولت مردان و برنامه های مصوب نظام اسلامی اشاره کرد. نهاد دولت باید خط مشیی نیکو و مفید برگزینند و با سیاست گذاری های مناسب و

درست، فعالیت های مؤثری را برای اصلاح جامعه و بهبود وضع مردم انجام

دهد و با جدیت و کوشش، برنامه های مصوب را پی گیری کنند. در مقابل،

بایسته است مردم نیز به منظور تحقق هدف های نظام حاکم صالح و برای

یاری رساندن به مسئولان دل سوز جامعه بکوشند و از آنچه موجب سستی

در کار نظام اسلامی می شود، بپرهیزند. (۳)

۱- . اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر باب الاهتمام باامورالمسلمین، ح ۱ و ۵.

۲- . اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر باب الاهتمام باامورالمسلمین، ح ۱ و ۵.

۳- . فقر و توسعه در منابع دینی، ص ۵۳۷.

مصلحت عموم قشرهای اجتماعی، جز با تحقق یافتن هدف ها و

برنامه های اصلاحی حکومت شایسته، امکان پذیر نیست. ازاین رو، افراد جامعه

باید از گرایش های شخصی و گروهی و تعصب های بی مورد دوری کنند و به فکر

همه افراد جامعه باشند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

مسلمانان صدر اسلام، شوق و تمایل بسیاری برای تحقق بخشیدن به

برنامه های حکومت اسلامی داشتند و از این امر بسیار استقبال می کردند.

حضور مشتاقانه آنها در مسائل گوناگون اجتماعی و شرکت داوطلبانه در

سریه ها و غزوه ها برای دفع فتنه ها و آشوب ها و اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در

همه امور، مبیّن این اشتیاق و فرمان برداری است. البته افرادی مانند

حضرت علی علیه السلام، سلمان، ابوذر و مقداد همواره گوی سبقت از دیگران

می ربودند. در مقابل، افرادی نیز بودند که منافقانه و با ظاهر مسلمانی، با

رسول خدا صلی الله علیه و آله، مخالفت و در پیشبرد هدف های والای اسلامی کارشکنی

می کردند.

۸ . نظارت عمومی

توجه و نظارت عمومی بر امور جامعه اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر است. امر به معروف و نهی از منکر، از اصول مهم

نظام اسلامی است که به مسلمانان پویایی و حیات فکری و توان مبارزه با

فساد و تباهی ها را می دهد. خداوند در قرآن در این باره می فرماید: «شما

بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید؛ زیرا امر به معروف و نهی از

منکر می کنید و به خدا ایمان دارید». (۱) (آل عمران: ۱۱۰)

۱- . برای تفصیل بیشتر نک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵، چ ۲۱، ج ۳، ص ۵۶۸.

امام علی علیه السلام نیز به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید که در غیر این صورت، خداوند

بدان شما را بر شما مسلط می گرداند. آن گاه نیکانتان برای شما دست به

دعا برمی دارند، ولی مستجاب نمی شود. (۱)

پیامبر اکرم در کلام دیگری فرمود:

تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک و

پرهیزکاری، به یاری یکدیگر بشتابند، در خیر و سعادت خواهند بود، ولی

اگر چنین نکنند، برکت از [زندگی]آنها رخت برمی بندد و گروهی بر گروه

دیگر مسلط می شوند و نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان. (۲)

نظارت و توجه همگانی بر امور جامعه اسلامی، از شاخصه های اساسی و

مهم تمدن نبوی در عرصه سیاست است که موجب اصلاح جامعه، از بین

رفتن فساد و اعتلای انسان می شود.

۹. مقبولیت و اقتدار نظام سیاسی

از جمله مهم ترین اصول و شاخصه های سیاسی تمدن نبوی، بهره مندی از مقبولیت مردمی است که با بیعت آنان با نظام آشکار می شود. بیعت کردن

مردم با یک نظام، نشانه برخورداری آن نظام از پشتوانه قوی حمایت مردمی و

زمینه ساز استحکام درونی دولت و اقتدار سیاسی و بین المللی آن است. در

حقیقت، بیعت مسئولیت و تعهد اخلاقی در پی دارد و موجب می شود رهبر

حکومت، با دلی پرامید و خاطری آرام به اداره امور بپردازد و به حمایت مردم

۱- . نهج البلاغه عهدنامه مالک اشتر؛ یک هزار حدیث، ص ۳۶.

۲- . نهج البلاغه عهدنامه مالک اشتر؛ یک هزار حدیث، ص ۳۸.

اعتماد و دل گرمی کامل داشته باشد.

خداوند در قرآن، بر تحکیم موقعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وظایف مردم در برابر او سفارش و تأکید می کند. برای مثال، هنگامی که برخی افراد نادان و ناآگاه به انتقاد از صلح حدیبیه پرداختند و حتی از عبارت هایی که بیان گر بی حرمتی به پیامبر خدا بود، استفاده کردند، خداوند به مسلمانان دستور داد از پیامبر اطاعت و دفاع کنند و مقام او را بزرگ شمارند. (۱) همچنین در آیه ای از قرآن به ماجرای بیعت رضوان اشاره می کند و می فرماید:

به درستی کسانی که با تو بیعت می کنند، [در حقیقت]، فقط با خدا بیعت می کنند. دست خدا بالای دست ایشان است. هرکس پیمان شکنی کند، به زیان خود کار کرده است و هر که بر پیمان وفادار بماند، خداوند پاداشی بزرگ به او عطا خواهد کرد. (فتح: ۱۰ _ ۱۱)

خداوند در آیه ای دیگر، خشنودی خود را از شرکت کنندگان در بیعت رضوان بیان می کند. (۲) این بیعت موجب ترس و عقب نشینی مشرکان، انسجام هر چه بیشتر نیروهای مسلمان و تقویت روحیه آنها، سنجش افکار و تبادل نظر میان نیروها و آزمودن میزان فداکاری یاران شد. (۳)

۱- . نک: فتح: ۹؛ برای تفصیل بیشتر نک: برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۷۳.
۲- . برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۷۸.
۳- . محمد حمیداللّه، رسول اکرم در میدان جنگ، تهران، چاپ مطبوعاتی تیکپو، انتشارات کتاب فروشی محمدی، ۱۳۳۶، ص ۲۲.

بیعت، اساسی ترین رکن از ارکان نظام سیاسی و اجتماعی اسلام است. در سیره پیامبر گرامی اسلام مواردی وجود دارد که آن حضرت به منظور استواری پایه های حاکمیت خود، بیعت با مردم را تکرار می کرد. آن حضرت در حیات سیاسی خود، چندین بار از مسلمانان برای خود بیعت گرفت.

نقل است سالی در موسم حج، شش نفر از قبیله اوس در عقبه، محلی در نزدیکی منا، با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند. در سال دیگر، دوازده نفر که نمایندگان دو قبیله اوس و خزرج بودند، در همان محل با آن حضرت بیعت کردند و پیامبر به درخواست آنان، مصعب بن عمیر را به عنوان مبلّغ و نماینده خود با آنان به یثرب فرستاد.

در سال سوم(دو سال بعد)، از میان کاروان پانصد نفری حجاج که از یثرب به مکه آمده بودند، هفتاد و سه مرد به همراه دو زن، به همراه مصعب، در عقبه با پیامبر خدا دیدار کردند. در این جلسه پنهانی و شبانه که با استفاده از تاریکی شب و به خواب رفتن مشرکان برپا شده بود، حاضران پیمان بستند افزون بر بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله همان گونه که از خانواده های خود دفاع می کنند، از آن حضرت نیز حمایت و دفاع کنند و در هیچ شرایطی پیمان خود را زیر پا نگذارند. پس از انعقاد این پیمان، پیامبر خدا فرمود: «از این پس، من نیز متعلق به شما هستم. خون شما، خون من و عفو (گذشت) شما، عفو من است». (۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه نیز دوباره پیمان خود را تکرار کرد و همه زنان و مردان مکه با آن حضرت بیعت و به نبوت و حاکمیت آن حضرت اقرار

کردند. در این بیعت، پیامبر با مردان به صورت معمول بیعت کرد. این اقدام

۱- . سیره النبویه، ص ۲۹۷.

پیامبر در مورد بیعت با زنان نشانه اهمیت اسلام به بانوان است و پیامبر با این عمل به آنها شخصیت داد و زمینه پرورش روحی آنها را فراهم ساخت و در بیعت با زنان نیز فرمود: «من با زنان مصافحه نمی کنم.» پس دستور داد ظرف آبی بیاورند. آن گاه دست مبارک خود را در آب فرو برد و بیرون آورد. سپس فرمود: «زنان دست خود را در آب فرو برند و این، بیعت آنهاست.» (۱) خداوند در قرآن درباره این بیعت می فرماید:

ای پیامبر! چون زنان مؤمن برای بیعت با تو می آیند، بر آنکه دیگر هرگز به خدا شرک نورزند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، به کسی افترا و تهمت نزنند، فرزند خود را به دروغ به غیر پدرش نسبت ندهند و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، با این شرایط با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. (ممتحنه: ۱۲)

۱۰. شورا و مشورت

از مواردی که پیامبر گرامی اسلام در حکومت اسلامی خویش به آن توجهی ویژه داشت، تشکیل شورا و مشورت با دیگران بود. با اینکه همواره اصحاب و یاران حضرت بی درنگ، فرمان ایشان را اجرا می کردند، ولی ایشان هرگز مستبدانه رفتار نمی کرد و در مواردی که درباره مسئله ای فرمان الهی نداشت، با اصحاب مشورت می کرد و به نظر آنها احترام می گذاشت. آن حضرت در جنگ بدر درباره چگونگی جنگ، تعیین محل اردوگاه و شیوه مجازات

اسرای جنگی با یارانش مشورت کرد. در جنگ احد نیز درباره اینکه شهر

۱- . محمد قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ هـ . ق، چ ۷، ج ۸، ص ۷۰؛ برگزیده تفسیر نمونه، تحقیق و تنظیم: احمد علی بابایی، ج ۵، ص ۱۶۷.

مدینه را اردوگاه قرار دهند یا در خارج از شهر اردو بزنند، با مسلمانان به

مشورت پرداخت. همچنین در جنگ های احزاب و تبوک نیز با اصحابش به

شور نشست. (۱)

نرمی و مهربانی، گذشت بسیار، اشتیاق و تلاش برای جذب مردم به

اسلام، احترام و اهمیت قائل شدن برای یاران و مشورت کردن با آنان در امور

گوناگون، از عوامل نفوذ سریع و بی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله در دل مردم بود.

خداوند در قرآن کریم به صراحت به این ویژگی های پیامبر اشاره می کند و

آنها را موجب گرایش فطری و روحی مردم به آن حضرت می داند و

می فرماید: «برای دل جویی از آنها در کار مهم جنگ با آنان مشورت کن و

هنگامی که عزم جنگ کردی، بر خدا توکل کن که خدا متوکلان را دوست

دارد.» (آل عمران: ۱۵۹) (۲) در دیدگاه پیامبر، جامعه ای که بر اساس خودرأیی

اداره شود، جامعه ای راکد و مرده است. آن حضرت در این باره می فرماید:

هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست... . مشورت کردن با عاقل خیرخواه،

مایه هدایت و خوشی و توفیقی از جانب خداوند است. پس هرگاه

خیرخواه عاقل، تو را راهنمایی کند، مبادا مخالفت کنی که موجب

نابودی ات می شود. (۳)

۱- . طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۵۲.

۲- . برای تفصیل بیشتر نک: المیزان، ج ۴، ص ۸۳ .

۳- . یک هزار حدیث، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۱۱. صلح گرایی و پای بندی به پیمان های سیاسی _ اجتماعی

بی توجهی به پیمان ها، صلح نامه ها و قراردادهای اجتماعی و سیاسی، از

اصولی است که اسلام آن را مایه ایجاد نفاق و جنگ می داند. با نگاهی به سیره

پیامبر خدا در برخورد و رفتار با مشرکان و یهودیان، به اهمیت و پافشاری آن

حضرت بر وفای به عهد، صلح و زندگی مسالمت آمیز بر مبنای گفت وگو و تفاهم پی می بریم. صلح حدیبیه، از برجسته ترین وقایع تاریخ اسلام و بیان گر

حاکمیت روح صلح گرایی بر آموزه های الهی است. در این پیمان، پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله برای حفظ صلح و آرامش و برقراری امنیت در جامعه، شروط

مشرکان را برخلاف میل باطنی اش پذیرفت. آن حضرت پذیرفت لقب

«رسول الله» از نام ایشان حذف و این پیمان مانند پیمان های دوران جاهلیت،

با لفظ «بسمک اللّهم» شروع شود. اگرچه عمل به مفاد این پیمان برای پیامبر بسیار

مشکل بود، آن حضرت به منظور تحقق هدف های والایش آن را پذیرفت تا در

نتیجه این صلح، پی آمدهای ارزشمندی نصیب اسلام و مسلمانان شود. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به پیمان ها بسیار وفادار بود و دیگران را نیز به وفاداری امر

می کرد و می فرمود:

نزدیک ترین شما به من در قیامت، راست گوترین و امانت دارترین،

وفادارترین به عهد، خوش اخلاق ترین و نزدیک ترین شما به مردم

است. (۲)

آن حضرت در کلام دیگری فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان

۱- . فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۱۹۸.
۲- . یک هزار حدیث، ص ۷۷.

دارد، هرگاه پیمان بندد، به آن وفا می کند.» همچنین در این باره از آن حضرت روایت شده است: «کسی که خلف وعده کند و به پیمان خود وفادار نباشد، منافق است؛ اگرچه روزه بگیرد، نماز بخواند و در پندار خویش خود را مسلمان بداند». (۱)

«پیمان شکنی، انسان را گرفتار نفاق می کند، مگر آنکه آن را رها سازد». (۲)

«کسانی در دین داری پیشگام ترند که به پیمان های خود پای بندتر و وفادارتر باشند». (۳)

صلح گرایی و وفای به عهد، صفتی نیکو و زیبنده است که موجب کمال انسان می شود و زمینه شکل گیری و تقویت دیگر ویژگی های ارزنده را در وجود انسان فراهم می کند. پیامبر گرامی اسلام، صلح گرایی و وفای به عهد را از ارکان اصلی و اساسی حکومت اسلامی و مایه ثبات و امنیت جامعه می دانست. البته این پای بندی به پیمان تا وقتی شایسته و بایسته است که موجب ضعف و انحطاط اسلام و مسلمانان و چیرگی دشمنان و جرئت یافتن آنها نشود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز تا وقتی به پیمان خویش وفادار بود که به اسلام و حقوق مسلمانان خللی وارد نمی شد و در غیر این صورت، پای بندی به این پیمان را جایز نمی دانست.

۱- . میزان الحکمه، ج ۱۰، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۲- . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۱۵۳.
۳- . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۰۳.

۱۲. اندیشه سیاسی جهانی (جهانی بودن اسلام)

دین اسلام، دینی جهانی است و به قوم، سرزمین یا منطقه خاصی اختصاص ندارد. دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دعوتی همگانی و جهانی بود. خداوند در قرآن کریم، آن حضرت را «رحمه للعالمین» و پیامبری برای هدایت همه افراد بشر معرفی کرده است، چنان که می فرماید: «ما تو را نفرستادیم مگر به سوی همه جهانیان». (سبا: ۲۸)

در سال ششم هجرت و در نتیجه پیمان صلح موقت با قریش، پیروزی های چشم گیری نصیب مسلمانان شد و فرصتی فراهم گشت تا دین اسلام و رسالت الهی پیامبر خدا از مرزهای جزیره العرب فراتر رود.

ازاین رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله با فرستادن نامه برای زمام داران بزرگ دنیا آنها را به اسلام فراخواند. مضمون این نامه ها، دعوت به توحید و خداپرستی و نفی خدایان دروغین و پوچ بود. هر چند سران سرزمین های گوناگون، واکنش های متفاوتی در برابر این دعوت داشتند، این فراخوان الهی، پی آمدهای نیکویی برای مردم این کشورها دربرداشت. (۱)

با توجه به اینکه دعوت پیامبر، فراخوانی جهانی بود، به اصولی متناسب با سطح جهانی نیاز داشت. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با رهبری الهی خویش، حکومتی استوار و سپاهی قوی در برابر حکومت های آن زمان پدید آورد. به این ترتیب، نهضت اسلامی در دیگر سرزمین ها نیز شکل گرفت و در مدت زمان بسیار کوتاهی، آموزه های وحیانی اسلام جنبه جهانی یافت و

موجب شکوفایی اندیشه ها و رشد عقل ها شد که این اندیشه سیاسی در عرصه جهانی، مهم ترین شاخصه تمدن نبوی به شمار می آید.

۱- . سیره رسول خدا، صص ۵۹۶ _ ۶۰۱ .

رسالت جهانی اسلام به عنوان ویژگی منحصر به فرد تمدن نبوی، با

اجرای دقیق آموزه های نبوی تحقق پذیر بود، ولی با روی دادن حوادثی در

تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر، روند جهانی شدن اسلام رو به ضعف نهاد

و تغییرهایی در رفتارهای سیاسی مسلمانان به ویژه خلفای اسلامی پدید آمد

که در پی آن، چهره حقیقی اسلام ناشناخته ماند و این رسالت جهانی محقق

نشد. البته در عصر حاضر، شاهد گرایش روز افزون جهانیان به اسلام هستیم

و امید است این هدف والا تحقق یابد.

۱۳. تولی و تبرّی

تولی و تبرّی، از فروع دین اسلام و از مهم ترین شاخصه های سیاسی - اجتماعی

تمدن نبوی است که بی شک، بر دیگر عملکردهای سیاسی – اجتماعی مسلمانان تأثیری فراوان دارد. تولی؛ یعنی دوستی با خدا و دوستان خدا و

تبرّی، به معنای بیزاری و انزجار از باطل و دشمنان خداست. رسول خدا صلی الله علیه و آله

از همان روزهای نخستین بعثتش، به تقویت و نهادینه کردن این اندیشه در

میان مسلمانان پرداخت. اهمیت تولی به اولیای الهی و تبرّی از دشمنان خدا

به حدی است که خداوند در قرآن کریم، مسلمانان را از دوستی با دشمنان

خدا نهی می کند و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصارا را به دوستی نگیرید. آنها

دوستان یکدیگرند و هر یک از شما که با آنها دوستی کند، از آنهاست.

به راستی که خداوند ستمکاران را هدایت نمی کند. (مائده: ۵۱)

در آیه ۵۵ همین سوره نیز مصداق های ولایت با بیانی روشن مطرح شده است.

تولی و تبرّی را در دو حوزه می توان بررسی کرد؛ روابط با کافران و

مشرکان و روابط میان مسلمانان. خداوند در قرآن کریم درباره رابطه با

مشرکان می فرماید:

مؤمنان، نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند که چنین کند،

[خدا را نافرمانی کرده است]؛ و نزد خداوند هیچ حرمتی ندارد. مگر

آنکه اظهار دوستی از روی تقیه باشد. (۱) (آل عمران: ۲۸)

علامه طباطبایی در رابطه با کلمه «اولیاء» که در این آیه مبارکه آمده، نکات

ارزشمندی را بیان می کند و می گوید:

این کلمه جمع «وَلی» است که از ماده ولایت است و در اصل به معنای

مالکیت در تدبیر می باشد ولی در مورد «حبّ» و دوستی نیز استعمال شده

که به تدریج استعمالش زیاد شد و دلیل اینکه به این معنا به کار رفته این است که غالبا ولایت، مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است، یک ولیّ در امور مولی علیه (کسی که تحت سرپرستی اوست)

دخالت می کند، تا پاسخ گوی علاقه او نسبت به خودش باشد، یک مولی

علیه اجازه دخالت در امور خود را به ولی اش می دهد تا بیشتر به او تقرب

جوید، به دلیل اینکه متأثر از خداست و سایر شئون روحی اوست، پس

تصرف محبوب در امور محب، هیچ گاه خالی از حبّ نیست.

در نتیجه، اگر مؤمنان کفار را به عنوان سرپرست و ولیّ خود بگیرند، خواه

ناخواه با آنها امتزاج روحی می یابد و این امر باعث رام شدن آنها در

مقابل کفار و تابعیت او از آنان می گردد و این موجب اثرپذیری او از

کفار در اخلاق و سایر شئون حیاتی است و به این دلیل خداوند مؤمنان را

از اینکه کافران را به ولی خود برگزینند برحذر داشته است، چون بین کفر

و ایمان تضاد و بینونت حقیقی برقرار است، قهرا همان بینونت و فاصله

صد در صد و تضاد به دارندگان صفت کفر با صفت ایمان نیز سرایت

می کند. در نتیجه، آن دو را از نظر معارف، عقاید، اخلاق از هم جدا می کند و نتیجه این جدایی این است که ولایت و پیوستگی بین این دو ممکن نیست، چون ولایت موجب اتحاد و امتزاج است و این دو صفت که در این دو طائفه وجود دارد، موجب تفرقه و بینونت است. وقتی یک

۱- . «لایَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اللّهِ فی شَیْءٍ إِلاّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاهً».

مؤمن تحت ولایت کفار قرار گیرد و لازمه این ولایت دوستی و محبت

بین آنها است که در صورت افزایش آن، خواص ایمان او و آثار آن

فاسد می گردد و این موجب تباهی اصل ایمان او می شود و به همین

جهت، در ادامه آیه می فرماید که چنین کسی هیچ ارتباطی به حزب خدا

ندارد و در ادامه تقیه را استثناء می کند چون تقیه معنایش این است که

مؤمن از ترس کافر اظهار ولایت برای او کند و حقیقت ولایت را ندارد. و در ادامه می فرماید که «هرکس چنین کند» و خداوند به دلیل زشتی این

عمل (کفار را به عنوان ولیّ و سرپرست گرفتن) آن را نام می برد و در

حقیقت، پروردگار آن قدر از پذیرفتن ولایت کفار نفرت دارد که

نمی خواهد حتی نام آن را ببرید، همان طور که انسان ها نیز از هر قبیحی با

کنایه تعبیر می کند. خداوند نیز در مورد آن ضمیر ذلک را به کار می برد؛

چون می خواهد مؤمنین را پاک تر از آن معرفی کند که چنین عملی به آنها

نسبت داده شود. (۱)

خداوند در این آیه و دیگر آیات قرآن کریم، مسلمانان را برقراری پیمان

دوستی با بیگانگان هشدار می دهد و برقراری رابطه دوستی با آنان و محرم

اسرار قرار دادن آنها را کاری نابخردانه می داند. ازاین رو، مسلمانان باید در

برقراری ارتباط با کفار هشیار و دقیق باشند و هرگز به آنان اعتماد نکنند.

روابط اجتماعی میان مسلمانان را نیز ویژگی ها و اشتراک هایی چون

یگانه پرستی، نبوت، معاد، قرآن کریم قبله واحد و دوستی اهل بیت علیهم السلام و

مشترکات فراوان کلامی و اعتقادی و نیز فقهی تقویت می کند که مسلمانان به

این اشتراک ها پای بند و معتقدند.

۱- . تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳، ج ۳، صص۲۳۵_ ۲۴۰.

فصل پنجم: اصول و شاخصه های اقتصادی تمدن نبوی

اشاره

دین مبین اسلام، دنیا را مزرعه آخرت و بستر تأمین کننده نیازهای ابدی انسان می داند. این جهان بینی عمیق، دیدگاه انسان مؤمن را درباره دنیا، جامعه، زندگی، ثروت، مالکیت و دیگر نیازهایش دگرگون می سازد که این تحول فکری، زمینه خوش بختی وی در این دنیا و رستگاری او در سرای دیگر را فراهم می کند.

چنین دیدگاهی زمینه ساز پیدایش تمدنی شگرف بوده است که از جنبه اقتصادی نیز شاخصه های ویژه ای دارد. برخی از این شاخصه های اقتصادی عبارتند از:

۱. ثروت؛ دست مایه ای برای طاعت و بندگی

خداوند متعال، ثروت را مایه خیر و برکت دانسته است و مفسران، واژه «خیر» را در برخی آیات قرآن، ثروت و دارایی معنا کرده اند. برای مثال، در آیه ای از قرآن آمده است:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّهُ. (بقره: ۱۸)

مقرر شده است هر یک از شما که هنگام مرگ ثروتی از خود به جا گذاشته اید، درباره آن وصیت کنید.

و در آیه ای دیگری می خوانیم: «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ به حقیقت، آدمی در عشق به ثروت حریص است». (عادیات: ۸)

همچنین در آیات دیگری از قرآن، از ثروت به عنوان عامل برقراری و استمرار زندگی اجتماعی مسلمانان یاد شده است. (۱)

پیامبر اسلام نیز ثروت پاک و حلالی که در اختیار فردی مؤمن است را نیکو دانسته. نقل است روزی گروهی از مهاجران فقیر به حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای رسول خدا! توان گران در مقایسه با ما فقیران، به درجه های بالاتری دست می یابند. پیامبر پرسید: چگونه؟ آنها گفتند: ثروتمندان همانند ما به عبادت های الهی چون نماز، روزه، حج و مانند آن می پردازند، ولی آنها افزون بر این عبادت ها، به فقیران صدقه می دهند و ما توانایی صدقه دادن نداریم یا برده می خرند و آزاد می کنند، ولی ما نمی توانیم. پیامبر خدا با شنیدن این سخنان به آنها فرمود: «تسبیح و سپاس پروردگار را به جا آورید تا از دست دادن فضیلت کمک به فقرا و تهی دستان را از این طریق جبران کنید.» پس از مدتی آن گروه دوباره نزد پیامبر آمدند و گفتند: توان گران از کاری که به ما پیشنهاد کرده بودید، باخبر شده و به تقلید از ما به عبادت و سپاس الهی مشغولند و به این ترتیب، دوباره بر ما سبقت گرفته اند. پیامبر فرمود: «این دیگر افزونی خیری است که خدا به هرکه بخواهد، می دهد». (۲)

دین اسلام، ثروت حلالی را که از راه کوشش و کار شرافت مندانه به دست آمده باشد و از آن در راه تحقق آرمان های ارزنده بشری بهره برداری شود، ستوده است. برای مثال، خداوند به حضرت یوسف علیه السلام خزانه داری را که

۱- . نک: نسا: ۵.

۲- . جلال الدین فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱، چ ۱، ص۱۵۱.

والاـترین مقام اقتصادی کشور مصر بود، ارزانی داشت تا از این طریق به یاری مستمندان بشتابد، چنان که در آیه ای از قرآن آمده است: «و این پاداش

نیکوکاری اوست که رحمت الهی شامل حالش گشته بود، ولی پاداش وی در

آخرت، به مراتب بهتر از دنیا است.» (۱) خداوند متعال در این آیه به انسان

گوشزد می کند از مقام، ثروت و قدرت برای رسیدن به قرب الهی بهره گیرد.

این سفارش های قرآن کریم و آموزه های نبوی، به تحول بزرگی در جامعه

اسلامی و اندیشه و عمل مسلمانان، انجامید که دقت در فرازهای تاریخی آن

درس های فراوانی برای بشر دارد و از اصولی ترین شاخصه های تمدن نبوی

به شمار می رود. پس از هجرت پیامبر به یثرب، مسلمانان نیز به دلیل فشار

بیش از حد کفار قریش مجبور به ترک شهر و دیارشان شدند و خانه و مال و

ثروتشان را رها و به آنجا مهاجرت کردند. ازاین رو، مهاجران در مدینه با فقر

و تنگ دستی زندگی می کردند. البته مسلمانان مدینه تا حد توان به برادران

مهاجرشان کمک مالی می کردند. آنها به برکت دین اسلام و تربیت الهی،

دارایی خود را با نهایت اخلاص و صمیمیت در اختیار مهاجران گذاشتند و

ارزشمندترین اموال خود را میان خود و مهاجران تقسیم کردند. (۲) خداوند

متعال در قرآن درباره این عمل انصار چنین می فرماید:

کسی را که به دیارشان هجرت کرده باشد، دوست می دارند و در دل به

آنچه از غنایم جنگی به مهاجران داده شده است، نیاز و رغبتی نمی بینند

و آنان را بر خویشتن مقدّم می دارند؛ گرچه در اختصاصی ترین و

۱- . نک: یوسف: ۵۶ و ۵۷.

۲- . برای تفصیل بیشتر نک: تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا، ج ۱، صص ۳۷۸ _ ۳۸۲.

لازم ترین چیزها باشد. (حشر: ۹)

از ابن عباس، مفسر برجسته اسلام، نقل شده است:

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روز پیروزی بر یهودیان بنی نضیر به انصار فرمود:

«اگر مایلید، اموال و خانه هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم

جنگی با آنها شریک شوید یا اینکه اموال و خانه هایتان از آن شما باشد و

از این غنایم چیزی به شما داده نشود.» انصار گفتند: هم اموال و

خانه هایمان را با آنها تقسیم می کنیم و هم چشم داشتی به غنایم نداریم و

مهاجران را بر خود مقدّم می شماریم. ازاین رو، آیه ۹ سوره حشر نازل

شد و خداوند در این آیه، روحیه عالی انصار را ستود. (۱)

۲. کوشش برای رفع فاصله های طبقاتی

یکی از مهم ترین مسائلی که همواره بشر را آزرده، حاکمیت تبعیض در

جوامع است. بر همین اساس، خداوند یکی از اساسی ترین اهداف و وظایف

پیامبران را برقراری عدل قرار داد (۲) تا مردم بتوانند در پرتو عدل، با خاطری

آرام به عبادت و انجام وظیفه بندگی بپردازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از

آموزه های اسلامی، به مبارزه با نابرابری های حقوقی و از بین بردن

فاصله های طبقاتی پرداخت. آن حضرت با وضع احکامی مانند خمس و

زکات به فرموده پروردگار متعال، به برقراری عدالت و رفع فاصله طبقاتی

کوشید. تدبیر دیگر اسلام برای تحقق برابری طبقاتی و هم سطح ساختن

زندگی افراد جامعه و برخورداری عادلانه مردم از امکانات، کنترل شیوه

توزیع امکانات و خدمات رسانی عمومی حاصل از درآمد ملی است. در

۱- . نک: برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۴۳.

۲- . نک: حدید: ۲۵.

آموزه های والای اسلام به این امر مهم، بسیار توجه شده است. بر اساس آموزه های اسلامی، بیت المال باید به طور عادلانه میان قشرهای گوناگون

جامعه توزیع شود و همه به تناسب حق خود از آن بهره مند گردند تا ثروت در

دست افراد خاصی دست به دست نگردد و دیگران نیز از آن بهره مند شوند. (۱)

۳. تأکید بر کار و کوشش

بهره مندی از گنجینه های ارزشمند طبیعت، تنها در سایه کار و کوشش

امکان پذیر است. با بررسی آموزه های اقتصادی درمی یابیم کار و کوشش

جسمی و عقلی، تنها راه رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی است. خداوند

در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید:

اوست که زمین را رام شما گردانید. پس بر روی آن سیر کنید و از روزی

الهی بهره برید که چون از قبر بیرون می آیید، به سوی او می روید.

(ملک: ۱۵)

پیامبر گرامی اسلام با رفتار خویش، زنگار تنبلی و سستی را از دل ها زدود

و انسان های بی کار و بی هدف را به انسان هایی پرانگیزه و کوشا تبدیل کرد. با

ورود رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، سستی و تنبلی از میان مردم رخت بربست که

مدیریت آن حضرت در اداره امور جامعه و برانگیختن مردم به کار و کوشش،

در این امر بسیار نقش داشت.

یکی از مواردی که مسلمانان مشتاقانه و فعالانه در آن شرکت داشتند،

ساخت مسجد مدینه بود. آنها با شور و علاقه ویژه ای به فراهم کردن وسایل و

ساختن مسجد پرداختند. خود رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همانند دیگران و دوشادوش آنها کار می کرد. نقل است پیامبر سنگی را حمل می کرد. ناگاه یکی

۱- . نک: حشر: ۷.

از بزرگان قبیله اوس به نام اسید بن خضیر آن حضرت را دید و به ایشان گفت:

«ای رسول خدا! اجازه بده من این سنگ را ببرم.» حضرت فرمود: «من این را

خواهم برد. تو نیز سنگی دیگر بیاور». (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کار و فعالیت نیز الگویی حسنه برای تلاش گران در

عرصه اقتصادی است. آن حضرت در وصیت خود به امام علی علیه السلام می فرماید:

ای علی! از دو ویژگی بپرهیز؛ تنگ حوصلگی و تنبلی که اگر

تنگ حوصله شوی، هیچ حقی را نمی پذیری و اگر تنبل باشی، هیچ

وظیفه ای را ادا نمی کنی. (۲)

و نیز در کلام دیگری فرمود: «کُلُوا مِنْ کَدِّ أَیْدیکُمْ؛ از دست رنج خود بخورید.» (۳)

همچنین از آن حضرت روایت شده است: «وَ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقی کَلَّهُ عَلَی النّاس؛ از

رحمت خدا دور باد هر که بار زندگی خویش را بر دوش مردم افکند». (۴)

نقل است هنگام بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک، سعد انصاری به

استقبال آن حضرت آمد. پیامبر پس از مصافحه با سعد، از علت خشنی

دستانش پرسید. سعد گفت: با ریسمان و بیل کار می کنم تا مخارج خانواده ام

را تأمین کنم. حضرت با شنیدن سخن سعد دست وی را بوسید و فرمود: «این

۱- . اعلام الوری، ص ۸۰.

۲- . من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳- . بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۱۴؛ الحیاه، ج ۵، ص ۲۹۴.

۴- . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸.

دستی است که آتش دوزخ بر آن کارگر نیست.» (۱) و آموزه های قرآنی نیز آنان را

به رسیدن به نتایج تلاش و کوشش بشارت می دهد که او ثمره سعی و فعالیت

خود را بیش از آنچه انجام داده در آخرت دریافت خواهد کرد. (۲)

اسلام، بی کاری و تنبلی را نکوهش می کند. منطق قرآن نیز منطق تلاش و تکاپو است و ارزش انسان را در گرو کار و کوشش او می داند و تأکید می کند

انسان جز با کار و کوشش به جایی نخواهد رسید و به زودی نتیجه کوشش

خویش را خواهد دید. (۳)

گفتنی است عزت، کرامت و استقلال هر ملتی در گرو همت و کوشش

آنان است، چنان که فرومایگی و زبونی هر امتی، نتیجه بی کاری، تنبلی و

راحت طلبی آنهاست.

۴. توزیع عادلانه ثروت و درآمد

انحصارطلبی و برتری جویی، در تمدن الهی پیامبر جایگاهی ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت با هرگونه برتری جویی و انحصارطلبی مبارزه و

برخورد می کرد. واقدی از قول عکرمه آورده است:

میان مردم در چگونگی تقسیم غنایم جنگ بدر اختلاف پیدا شد.

ازاین رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد همه غنایم را به بیت المال بازگردانند.

وقتی غنایم به بیت المال بازگردانده شد، برخی افراد شجاع گمان کردند

پیامبر غنایم را به آنان خواهد داد و دیگران از آن بی نصیب خواهند ماند،

۱- . اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۲۰.

۲- . نجم: ۳۹ و ۴۰.

۳-. نجم: ۳۹ و ۴۰.

ولی حضرت فرمان داد همه غنایم به طور مساوی میان آنها تقسیم شود.

ناگاه سعد بن ابی وقاص گفت: ای رسول خدا! آیا به شه سواران که

نگهبان قوم هستند، به اندازه ناتوانان سهم می دهی؟ حضرت فرمود: «مگر

شما جز به برکت وجود ناتوانان پیروز می شوید؟!» (۱)

به این ترتیب، رسول اعظم صلی الله علیه و آله اندیشه برتری جویی سعد را که عنایت

الهی به مستضعفان را نادیده گرفته بود، سرکوب کرد.

۱- . محمدبن عمر واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۹۹.

۵. مبارزه با روابط ناسالم اقتصادی

اشاره

۵. مبارزه با روابط ناسالم اقتصادی (۱)

یکی از اهداف و کارهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه با روابط ناسالم اقتصادی است

که به برخی ازاین روابط و واکنش آن حضرت در برابر آنها اشاره می کنیم.

الف) کلاه برداری

از امام صادق علیه السلام نقل شده است در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی عطرفروش به نام

زینب بود. وی گاه گاه به خانه پیامبر می آمد و برای همسران آن حضرت عطر

می آورد. روزی پیامبر به خانه آمد و از بوی خوش عطر در خانه، به حضور

وی پی برد. آن گاه به او فرمود: «ای زینب! هرگاه تو به خانه ما می آیی، خانه را

خوش بو می کنی.» زینب در پاسخ گفت: یا رسول الله! خوش بویی خانه شما

به دلیل وجود مبارک خودتان است. سپس پیامبر به زینب این گونه سفارش

کرد: «هرگاه چیزی را می فروشی، آن را نیکو بفروش و در معامله غش مکن

(کسی را فریب نده) که اگر به این نکته عمل کنی، در حفظ پاکی و تقوای الهی

بهتر و برای دوام و بقای ثروت نیکوتر است.» (۲) شیخ صدوق نیز از پیامبر اسلام

نقل می کند: «اگر کسی از مسلمانان در خرید یا فروش غش کند، از ما نیست و

۱- . در اندیشه الهی پیامبر گرامی اسلام تمامی مواردی که موجب بر هم خوردن تعادل اقتصادی جامعه می شود بررسی شده است به عنوان نمونه از شغل ها و معاملات ناسالم که نوعی ناهنجاری در رفتارهای اقتصادی است نهی شده است که مصادیق آن در کتب فقهی تحت عنوان مکاسب محرمه به تفصیل بررسی شده است که برای تفصیل بیشتر ر.ک: المکاسب، کتاب مکاسب محرمه، شیخ انصاری.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۷.

روز قیامت با یهود محشور خواهد شد...». (۱)

سائب بن ابی سائب می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران جاهلیت شریک تجاری من بود و بهترین شریکی بود که من در دوران تجارتم داشتم. وی هرگز اهل مجادله و لجاجت نبود و وظیفه خود را به خوبی انجام می داد و بر عهده دیگری نمی گذاشت. (۲) [آن حضرت] در راست گویی و درست کاری زبانزد خاص و عام بود. ازاین رو، وی را محمد امین لقب دادند. (۳)

ب) ربا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از اموری که موجب فساد اقتصادی می شد، نهی می کرد. آن حضرت برای پایه ریزی تمدنی انسانی ــ اسلامی، براساس حاکمیت عدالت و انصاف و در پرتو قوانین الهی بسیار کوشید. پیامبر، همواره مسلمانان را از ربا که از مهم ترین عوامل انحطاط جوامع بشری است، باز می داشت و در فرصت های گوناگون این خطر بزرگ را به آنها گوشزد می کرد. آن حضرت در نکوهش ربا فرموده است: «خدای بزرگ، رباخوار، ربادهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعن می کند.» (۴) و در سفارش به حضرت

۱- . محمد بن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق، خصال، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹ هـ . ق، ج ۲، ص ۴۶۲.
۲- . علی بن برهان الدین الحلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۵۰.
۳- . علی بن برهان الدین الحلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۶۲.
۴- . امالی صدوق، ص ۳۴۶.

علی علیه السلام می فرماید:

ای علی! با رباخوار دوستی مکن؛ زیرا او با خداوند به مبارزه برخاسته

است که خداوند متعال می فرماید: اگر از رباخواری دست برنداشتید، پس

به خدا و رسولش اعلان جنگ دهید. (۱)

آن حضرت در سخنانی دیگر درباره ربا فرموده است:

شبی که به معراج رفتم، افرادی را دیدم که شکم هایشان چون خانه ای بود

و در آنها مارهایی وجود داشت. از جبرئیل درباره آنها پرسیدم. گفت:

«اینان رباخوارانند». (۲)

هر کس ربا بخورد، خداوند عزوجل به اندازه ربایی که خورده است،

شکمش را از آتش دوزخ پر می کند و اگر از طریق ربا مالی به دست

آورد، خدای متعال هیچ یک از اعمال او را نمی پذیرد و تا زمانی که

قیراطی (کمترین مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و

فرشتگان وی را نفرین می کنند. (۳)

خداوند در آیاتی از قرآن نیز مسلمانان را از رباخواری نهی کرده است. (۴)

این نهی به دلیل زیان های جبران ناپذیر رباست. ربا، افزون بر اینکه موجب

هلاکت و شقاوت اخروی فرد می شود، بر زندگی دنیایی وی نیز آثار منفی و

۱- . مهدی مهریزی و علی صدرائی خویی، میراث حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، چ ۱، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۸۹.
۲- . کنز العمال، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۹۷۶۶.
۳- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۸۵.
۴- . نک: بقره: ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۷۹؛ نساء: ۱۶۱.

زیان باری بر جای می گذارد. برخی از آثار زیان بار ربا عبارتند از:

یک _ از دیدگاه عقل، ربا دشمن انصاف و در مقابل آن است؛ زیرا حس ایثار، تعاون و هم بستگی را در فرد تضعیف و خودخواهی و ثروت اندوزی را تقویت می کند.

دو _ ربا، توازن و تعادل جامعه را برهم می زند و نظم و انتظام زندگی اجتماعی را از بین می برد. زندگی انسانی بر اساس مبادله و معامله مردم با یکدیگر شکل می گیرد؛ معامله ای که به طرفین سود برساند، نه اینکه موجب رشد اقتصادی یک فرد و ضرر و تضعیف طرف مقابل شود. بنابراین، از آنجا که ربا موجب گسترش فقر در جامعه و در نتیجه، افزایش فساد اجتماعی و رنگ باختن معنویت می گردد، باید با آن به مبارزه برخاست.

سه _ ربا، عامل زیاد شدن ثروت است. ازاین رو، مکتب سرمایه داری، طرفدار جدی آن است تا از این راه طبقه ضعیف و نیازمند را استثمار کند. در حقیقت، اختلاف طبقاتی جامعه ها موجب بروز آشفتگی ها و جنگ های داخلی و خارجی می گردد. (۱)

مواردی که به عنوان پی آمدهای زیان بار ربا به آن اشاره شد، موجب تزلزل ارکان تمدن می شوند. بنابراین، از بین بردن ربا در حقیقت، گامی استوار در راه تمدن سازی و گسترش آن است. از دیگر روابط ناسالم اقتصادی که پیامبر، مسلمانان را از آن نهی کرده، عبارتند از:

فروش اسلحه به دشمنان دین است؛ پیامبر گرامی اسلام در این باره

می فرماید: «ده گروه از این امت، به خداوند متعال کافر شده اند که از جمله آنها

۱- . جواد شفایی، ربا از نظر دینی و اجتماعی، تهران، انتشارات جاودان، ۱۳۶۶، صص ۲۸ - ۳۰.

فروشنده سلاح به کفار حربی است.» (۱) ازاین رو، مسلمانان از این کار نهی شده اند که تقویت دشمنان دین، موجب تضعیف دین و دین داران می شود و خلاف دین و عقل است.

ج) کم فروشی

خداوند در قرآن کریم، کم فروشان را به شدت نکوهش کرده و از عذابی دردناک بیم داده است، چنان که در آیه ای می فرماید:

وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، کامل برمی دارند، ولی هنگام پیمانه کردن برای دیگران، سبک وزن می کنند. آنها نمی پندارند که در روز عظیم (قیامت) برانگیخته می شوند؛ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهان می ایستند. (مطففین: ۱ _ ۶)

امام باقر علیه السلام نیز به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

سرنوشت بدی در انتظار کم فروشان است و از پیمانه و ترازو کم نگذارند، جز اینکه به قحطی و سختی زندگی و ستم سلطان گرفتار شوند. (۲)

د) رشوه خواری

این کار از آسیب های اقتصادی بسیار خطرناکی است که اساس و پایه های نظام سیاسی و اجتماعی را متزلزل می سازد و موانع بسیاری در راه اجرا و تحقق عدالت اجتماعی به وجود می آورد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «خداوند، رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان آن دو را لعنت

۱- . خصال، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۰۰.

کرده است». (۱)

ه_) احتکار

از جمله کارهای ناپسندی که آسیب های فراوانی به اقتصاد جامعه و نظام

اسلامی وارد می سازد، احتکار است. شیخ صدوق، در کتاب التوحید از

امام صادق علیه السلام روایت می کند:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گروهی که اجناس مورد نیاز مردم را احتکار

کرده بودند، برخورد و دستور داد اموال احتکار شده را به میان بازار

آورند و در معرض دید همگان قرار دهند. (۲)

سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان گر این نکته است که حاکم اسلامی باید با

محتکر برخورد جدی و با تورم اقتصادی مبارزه کند. زیرا او مسئول حفظ ثبات و امنیت اقتصادی جامعه است و احتکار، موجب ایجاد تورم و گرانی در

جامعه و فشار بر اقشار کم درآمد می شود.

۶. سفارش به کمک رسانی به نظام اسلامی (واجب و مستحب)

اسلام، به کمک رسانی به نظام اسلامی، به منظور کمک و هم یاری به هم نوعان

و فقرزدایی از جامعه اسلامی تأکید فراوان دارد. هر چند می توان این اعمال را

فردی انجام داد، ولی برای اینکه این کمک های انسان دوستانه بر اساس نظم و

در چارچوب مشخص که نتیجه و ثمره بیشتری داشته باشد، مصرف شود،

باید با صلاح دید مسئولان نظام اسلامی مصرف شود که این کمک رسانی از

دو راه صورت می گیرد:

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۵۵.

۲- . شیخ صدوق، التوحید، باب القضاء، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۸ هـ . ق، چ ۱، ص ۲۷۹.

الف) از طریق پرداخت های واجب که همان خمس و زکات است.

مسلمانان با اختیار خود و با هدف جلب رضایت خداوند و کمک به نیازمندان

از این امر واجب الهی استقبال می کنند.

ب) از طریق پرداخت های مستحب که همان صدقه و انفاق است و

مسلمانان به قصد نزدیکی و تقرب به خدا و کمک رسانی به مردم و نظام

اسلامی با میل و رغبت به آن تن می دهند. (۱)

خداوند در آیات قرآن، مسلمانان را به صدقه و انفاق سفارش می کند و

می فرماید:

مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است

که هفت خوشه می رویانـد که در هر خوشه صد دانه است و خداوند به هر که بخواهد، دو چندان [پاداش] می دهد و خداوند وسعت دهنده و داناست. (بقره: ۲۶۱)

ابوذر غفاری می گوید:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سایه کعبه نشسته بود. چون مرا دید، فرمود: «به

خدای کعبه که آنان زیان کارانند.» پرسیدم: چه کسانی؟ حضرت فرمود:

«آنان که مال و ثروت بسیاری دارند، مگر کسانی که از پیش رو و پشت

سر و از چپ و راست انفاق و بخشش کنند و این افراد اندکند». (۲)

از دیگر کمک های اختیاری مسلمانان به نظام اسلامی، وقف است. وقف؛

۱- . در قرآن کریم در جاهـای مختلـف تأکیـدهای فراوانی در مورد صـدقه و انفـاق شـده است و به ویژه در سوره بقره از آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ که آموزه های سودمندی در این رابطه وجود دارد و علامه طباطبایی نیز نکات ارزنده ای در این مورد بیان داشـته اند. نک: ترجمه المیزان، ج ۲، صص ۲۸۴ _ ۶۲۴ .

۲- . ابن ابی الحدید معتزلی، شـرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ هـ . ق، چ ۱، ج ۱۹، ص ۲۴۰.

یعنی نگه داشتن اصل ملک یا مالی و صرف سود آن در اموری که واقف معیّن

کرده است. خداوند در آیه ۷۶ سوره مریم، از وقف به عنوان

«باقیات صالحات» یاد کرده و فرموده است:

و خداوند بر هدایت کسانی که هدایت یافته اند، می افزاید و نزد

پروردگارت، نتیجه باقیات صالحات (اعمال شایسته ای که ماندنی است)

بهتر است.

واژه هایی چون برّ، خیر، احسان، معروف و انفاق که در قرآن فراوان از آن

یاد شده است، واژه هایی عامند که وقف را نیز در برمی گیرند.

صدقه جاریه که وقف، مصداق برجسته آن است، نوعی باقیات صالحات

به شمار می رود. وقف از بهترین مصداق های صدقه است؛ زیرا سودی

همیشگی دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در اهمیت صدقه می فرماید:

درباره ثواب صدقه از جبرئیل پرسیدم. فرمود: «ای محمد! پاداش صدقه

بر پنج نوع است: یک به ده، پاداش صدقه ای است که به آدم تن درست

دهند، یک به هفتاد، پاداش صدقه ای است که به ناتوان دهند، یک به

هفت صد، پاداش صدقه ای است که به پدر و مادر داده می شود، یک به

هفتاد هزار، پاداش صدقه ای است که برای مردگان می فرستید و یک به

صد هزار، پاداش صدقه دادن به طالب علم است. (۱)

با توجه به سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام درمی یابیم وقف، سیره

خاندان عصمت و رسالت و صحابه آنان بوده است. از جابربن عبدالله انصاری

در این باره نقل است: «هیچ توان گری از صحابه نبود مگر آنکه چیزی وقف

۱- . علی مشکینی اردبیلی، مواعظ العددیه، قم، چ ۲، ص ۱۵۵.

کرد». (۱)

دین اسلام برای حفظ کرامت انسان ها از آنها می خواهد نیاز خویش را با

عزتمندی بپوشانند و به ثروتمندان نیز سفارش می کند پیش از آنکه نیازمندان

از آنها درخواست کمک کنند، خود، نیاز نیازمندان را برطرف سازند. خداوند

نیز در قرآن کریم، نیازمندانی را که حفظ آبرو می کنند و نیازشان را به زبان

نمی آورند، می ستاید و می فرماید:

چنان در پرده عفافند که هر که حال ایشان را نداند، می پندارد توانگرند.

آنان را از سیمایشان می شناسی که از مردم به اصرار چیزی نمی خواهند.

(بقره: ۲۷۳)

با توجه به آیات قرآن، به نکته های زیر درباره انفاق دست می یابیم:

الف) انفاق، از مهم ترین راه کارهای حل مشکلات اقتصادی اقشار جامعه و عملی پسندیده برای جلب خشنودی خداست. ازاین رو، باید در راه خدا و

بی هیچ منتی انفاق کرد و از خدا پاداش خواست (۲) و با منت گذاشتن، اجر انفاق

را از بین نبرد. (۳)

ب) انفاق نباید به قصد ریاکاری و خودنمایی باشد. (۴)

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷.

۲- . نک: بقره: ۲۶۲.

۳- . نک: بقره: ۲۶۴.

۴- . نک: بقره: ۲۶۴.

ج) بایسته است از بهترین و پاکیزه ترین اموال در راه خدا انفاق کرد. (۱)

د) باید در برابر موانع انفاق مانند بخل، حرص و وسوسه های شیطانی

مقاومت کرد و آنها را از خویش دور ساخت. (۲)

هـ) انفاق آشکار نیکوست، ولی بهتر است پنهانی باشد که خداوند به

انفاق پنهانی سفارش می کند. (۳)

و) انفاق بر غیر مسلمانان جایز است. (۴)

۷. توجه به آبادانی و اعتلای سرزمین اسلامی

پیامبر گرامی اسلام در پی ریزی و استحکام پایه های تمدن الهی خویش به آبادانی و پیشرفت سرزمین اسلامی توجه و تأکیدی ویژه داشت و در آموزه های اسلامی نیز به این امر تأکید شده است. فراهم آوردن امکانات و وسایل رفاهی مسلمانان و رفع نیازهای ضروری زندگی آنان، جایگاهی ویژه در دین دارد. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «انجام کارهای نیک [و فعالیت های اصلاحی و زیربنایی] را به پیامبران وحی کردیم.»

(انبیاء: ۷۳) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «فردی که بوته خاری را از راه

۱- . نک: بقره: ۲۶۷.

۲- . نک: بقره: ۲۶۸.

۳- . نک: بقره: ۲۷۱.

۴- . نک: بقره: ۲۷۲.

مسلمانی بردارد، به بهشت می رود.» (۱) آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید:

کسی که در میان راه برای مردم استراحت گاه بسازد، خداوند در قیامت او

را سوار بر شتری از دُرّ و گوهر برمی انگیزد و پرتوافشانی او همه جا را

روشن و نورانی می سازد. (۲)

و نیز فرموده است:

هر کس [با اقدامی سازنده] از ویرانی های حاصل از سیل و آتش سوزی

پیش گیری کند [و از گسترش دامنه ویرانی آن بکاهد]، بهشت بر او

واجب می شود. (۳)

از این دو حدیث، اهمیت ساخت کاروان سراها، قهوه خانه های میان راهی

و مسافرخانه ها و نیز اهمیت ساخت سدها، سردخانه ها، سیلوها و گسترش

شبکه حمل و نقل روشن می شود. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری نقل

شده است:

هر کس برای استفاده از آب های زیرزمینی چاهی حفر کند و پس از

رسیدن به آب، آن را به مسلمانان ببخشد و در اختیار همه آنها قرار دهد،

همانند کسانی که از آن آب وضو می گیرند و نماز می خوانند، پاداش

می برد.]همچنین] به اندازه موی هر جان داری که از آن آب بنوشد _

انسان یا حیوان یا پرندگان _ ثواب آزاد کردن هزار بنده برایش نوشته

می شود و در قیامت درحالی که شمار زیادی به شفاعت او نجات یافته اند،

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۱.

۲- . وسائل الشيعه، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۳- . وسائل الشيعه، ج ۱۱، ص ۱۰۹.

به حوض قدس وارد می گردد و [حوض قدس]، حوض من است. (۱)

با توجه به این احادیث، اصلاح و توسعه امور زیربنایی جامعه و سرمایه گذاری در این زمینه با اهداف خداپسندانه و انسانی، از روشن ترین

مصداق های نیکوکاری و از جمله کارهایی است که سود همگانی دارد. (۲)

۸ . تشویق به فعالیت های اقتصادی بر اساس صلاحیت ها

نکته اساسی و مهم در این شاخصه، توجه به تخصص و تعهد افراد است. با

توجه به آنچه گفته شد، اسلام بر کار و تلاش تأکید فراوان دارد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

کار و تلاش برای رفع نیازها، انسان را از رحمت و لطف خدا بهره مند و

از عذاب قیامت ایمن می سازد و وی را در صف پیامبران قرار می دهد و

ثواب پیامبران به او داده می شود. (۳)

البته آنچه در این زمینه مهم است، توجه به صلاحیت ها؛ یعنی

برخورداری از تخصص و تعهد لازم است که این اصل در رشد کمّی و کیفی

برنامه های اقتصادی نقشی اساسی دارد و در آموزه های پیامبر گرامی اسلام بر

آن تأکید بسیاری شده است.

در اسلام، انسان متخصص و متعهد ارزشی والا دارد و محبوب خداست.

«خداوند متعال، انسان حرفه ای [متخصص و]امانت دار و متعهد را دوست

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۲- . برای تفصیل بیشتر نک: فقر و توسعه در منابع دینی، صص ۴۱۱ _ ۴۱۶.

۳- . الحیاه، ج ۵، ص ۲۹۶.

دارد.» (۱) و از کسی که بدون داشتن این دو ویژگی مهم مسئولیت را می پذیرد،

بیزار است.

جامعه ای که افراد نالایق و غیرمتخصص، مسئولیت امور آن را برعهده

می گیرند، به سقوط و نابودی می گراید، چنان که پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

امتی که غیرمتخصصی را به کار گمارد، درحالی که در میان آنها داناتر از وی باشد، پیوسته کارش رو به تنزل و سقوط است... . (۲)

توجه به تخصص و تعهد در سپردن مسئولیت ها به افراد، موجب می شود

شخص در انتخاب شغل به نیاز جامعه و صرفه اقتصادی عموم نیز توجه کند و از

شغل های کاذبی که درآمدهای کلان شخصی دارد، ولی زیان های جبران ناپذیری بر

اقتصاد جامعه وارد می کند، بپرهیزد. همچنین زمینه آبادانی و عمران جامعه را در

پرتو کسب و تجارت و گسترش حرفه ها و مهارت ها فراهم آورد.

گفتنی است آنچه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پایه ریزی تمدن الهی ـ انسانی لازم

و ضروری می دانست، عمران و آبادانی جامعه بر اساس ایمان و تقواست که

در غیر این صورت، آبادی و رشد و توسعه جامعه پایدار نخواهد ماند. در

آیات گوناگونی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است. خداوند در

آیه ای از قرآن می فرماید:

و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه

می کردند، بی شک برکات آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم، ولی

آیات ما را تکذیب کردند. پس آنان را به کیفر کردارشان بازخواست

کردیم. (اعراف: ۹۶)

۱- . اصول کافی، ج ۵، ص ۱۱۳.

۲- . اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۰.

و در آیه ای دیگر می خوانیم:

اگر امت ها به آنچه از جانب پروردگارشان نازل شده است، عمل

می کردند، بی شک، از برکات آسمانی و زمینی برخوردار می شدند.

(مائده: ۶۶)

توجه قرآن به سرگذشت امت های گذشته مانند هودْ، صالحْ، شعیبْ، نوحْ،

لوطْ، موسی و عیسی علیهم السلام به منظور عبرت آموزی از زندگی واعمال آنهاست.

در حقیقت، این توجه بیان گر این نکته است که رشد و بالندگی اقتصادی و

رفاه در سایه کسب و کار و تجارت محض نیست، بلکه انسان افزون بر

پیشرفت های عادی، باید در زمینه معنوی نیز رشد کند تا به سعادت حقیقی

دست یابد که اگر به یکی از این دو جنبه کمتر توجه شود، تعالی این جهانی و

آن جهانی انسان امکان پذیر نیست.

۹. رعایت حریم مالکیت های خصوصی و عمومی

اموال در جامعه بشری بر دو نوع است:

الف) اموال خصوصی؛

ب) اموال های عمومی.

اموال خصوصی به افراد جامعه تعلق دارد و شامل خانه ها و املاک شخصی و

مانند آن است که تحت اداره و مالکیت افراد است. اموال عمومی نیز شامل

دشت های گسترده، جلگه ها، کوه ساران، جنگل ها، معادن و ذخیره های

زیرزمینی است (۱) که زیر نظر سرپرستی شایسته اداره می شود. در حقیقت،

اموال عمومی، ملک خداست. ازاین رو، باید به مصارف خداپسندانه برسد. تا زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، سرپرست اموال عمومی بود و پس از آن

۱- . انقلاب تکاملی اسلام، ص ۱۶۷.

حضرت، جانشینان بر حق ایشان؛ یعنی امامان معصوم علیهم السلام سرپرستی این

اموال را بر عهده گرفتند و پس از آنها نیز به حکومت صالح و شایسته ای که بر

اساس قانون خدا عمل می کند، سپرده شده است.

آنچه در آموزه های نبوی به عنوان یکی از اصول و شاخصه های تمدن آن حضرت مطرح است، رعایت حریم ها و حرمت ها در عرصه اقتصاد و درباره

اموال شخصی و عمومی است؛ زیرا بی توجهی به این اصل موجب بحران ها و

اختلال نظام اجتماعی و انحطاط تمدن می شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسلمانان را

از مفاسد اقتصادی و اموری چون غارت گری، غصب، رباخواری، پای مال

کردن حقوق دیگران و کارهای سودجویانه آن به شدت نهی کرده است. برای

مثال، خداوند در قرآن کریم جزای زن سارق و مرد سارق را قطع دستان آنان

می داند. (۱) رسول گرامی اسلام، این حکم را با قاطعیت اجرا می کرد و به منظور

اجرای عدالت از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد. حضرت علی علیه السلام در این باره

می فرماید:

من بارها از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «ملتی که با صراحت، حق

ضعیفان را از زورمندان نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی شود و روی

سعادت نمی بیند». (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره غاصب و کسی که مال دیگرن را به صورت ناروا و

نامشروع تصاحب کرده است نیز سخن قاطع و تکان دهنده ای دارد. آن

حضرت می فرماید:

۱- . نک: مائده: ۳۸.

۲- . نهج البلاغه، نامه: ۵۳.

هرکس قطعه زمینی را با ستم تصاحب کند، آن قطعه زمین را با دیگر قطعه ها و قشرهای همان زمین به گردنش می آویزند [و] هرکه پاره ای از مال مسلمانی را به ناروا تصاحب کند، در روز رستاخیز، با خدا درحالی که بر او خشم گرفته است، روبه رو خواهد شد. (۱)

۱۰. اعتدال در مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر

اسراف یا مصرف بیش از نیاز به قصد لذت یا برای فخرفروشی و خودنمایی، سرمایه ها و امکانات جامعه را هدر می دهد. به این ترتیب، دیگر افراد از مواهب و نعمت های الهی محروم و بی بهره می مانند.

در مقابل اسراف و تبذیر، انفاق امری بسیار پسندیده است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر می فرماید: «اگر به اندازه کوه احد زر داشتم، همه را در راه خدا انفاق می کردم.» (۲) بر اساس آموزه های نبوی، عزت و شرافت هر ملتی در گرو همت عالی آن ملت است. ملتی که در پی کسب عزت و شرافت است، باید با همت بسیار بلند، برای دست یابی به مواهب الهی و تولید روزافزون بکوشد. برای تحقق این هدف، صرفه جویی در مصرف، نقش مهم و تعیین کننده ای دارد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «کسی که به آنچه خدا روزی وی کرده، راضی باشد، از بی نیازترین مردم است.» (۳) گفتنی است قناعت به معنای اعتدال در مصرف و خرسندی به داشته هاست که با اسراف و

۱- . مسند احمد بن حنبل، ح ۳۹۴۶، به نقل از: انقلاب تکاملی اسلام، ص ۱۷۴.
۲- . انقلاب تکاملی اسلام، ص ۱۹۱.
۳- . من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸.

خست متفاوت است، چنان که خداوند متعال در آیه ای از قرآن درباره یکی از ویژگی های بندگان مخلص چنین می فرماید: «آنان [کسانی هستند] که در انفاق اسراف نمی کنند و خست نمی ورزند، بلکه اعتدال می ورزند.» (فرقان: ۶۷) قوام و استواری زندگی انسانی، به رعایت میانه روی در همه امور؛ چه در امور اجتماعی و سیاسی و چه در امور اقتصادی وابسته است. بنابراین، اقتصادی که بر پایه اسلام و آموزه های نبوی استوار است، برای افراد و جوامع دو ارمغان دارد:

الف) بشر را از بزرگ ترین رنج تاریخی او که معیشت و تأمین نیازهای زندگی است، می رهاند.

ب) جامعه و فرد را از پی آمدهای شوم فقر که اخلاق نادرست، فساد، فحشا، کفر و بی دینی است، حفظ می کند. ازاین رو، یکی از تدابیر اسلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن تأکید و سفارش کرده، جلوگیری از فقر و معرفی الگوی مصرف مناسب است. آن حضرت در این باره می فرماید: «هیچ خرجی در راه خدا محبوب تر از آن نیست که با میانه روی همراه باشد». (۱)

۱- . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۹۰.

فصل ششم: اصول و شاخصه های اجتماعی تمدن نبوی

اشاره

نگرش اجتماعی، از اصولی ترین جنبه های تمدن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، به گونه ای که بسیاری از آموزه های عبادی اسلام، رویکردی اجتماعی دارد؛ یعنی اگر این آموزه ها به جماعت صورت گیرد، فضیلت و ثواب بیشتری دارد و حتی برخی عبادت ها صددرصد اجتماعی است. در این رویکرد، حکمت های فراوانی نهفته است که یکی از آنها پرورش روحیه جمعی افراد و پیدایش هم بستگی و وفاق اجتماعی است. مقررات فراوان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و جزایی اسلام از این ویژگی سرچشمه می گیرد. برای مثال، فرایضی مانند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، نوعی مسئولیت اجتماعی به شمار می رود. با توجه به این ویژگی مهم آموزه های نبوی، مهم ترین اصول و شاخصه های تمدن آن بزرگوار را برمی شماریم:

۱. تحکیم روابط اجتماعی بر محور ایمان

دوستی، محبت و تعامل اجتماعی باید بر اساس اعتقاد شکل گیرد، به گونه ای که اگر میان دوستی و اعتقاد تضاد به وجود آید، بایسته است فرد حفظ اعتقاد را بر دوستی ترجیح دهد؛ یعنی دوستی و دشمنی برای خدا باشد. خداوند در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید». (ممتحنه: ۱)

دوستان هر کس مبیّن شخصیت وی هستند، چنان که سلیمان نبی علیه السلام

می فرماید:

تا هم نشینان کسی را نشناخته اید، درباره او قضاوت نکنید؛ زیرا فرد با

دوستان و هم نشینان خود شناخته می شود و نسبتی میان او و دوستانش

وجود دارد. (۱)

یکی از هدف های پیامبر گرامی اسلام، برقراری پیوند برادری بر اساس

ایمان و تقوا بود. خداوند متعال بر وحدت و برادری بر اساس ایمان، این گونه

تأکید می کند:

همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت

[بزرگ] خدا بر خود را به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و

پروردگار میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید. شما

بر لب حفره ای از آتش بودید و خدا شما را از آن رهانید. این چنین

خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید هدایت شوید.

(آل عمران: ۱۰۳)

بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار میان مسلمانان پیمان برادری

برقرار کرد. آن حضرت همواره مسلمانان را به رعایت حق برادری سفارش

می کرد و حفظ وحدت و انسجام اسلامی را از مهم ترین وظایف مسلمانان

می دانست. هرچند امت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز از نظر تعداد اندک بود، ولی از

نظر تشکل و هم سویی و اتحاد در اوج کمال قرار داشت و با همین اتحاد و

انسجام، بر سخت ترین مشکلات پیروز شد.

۱- . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۸.

۲. همکاری در امور خیر

خداوند در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید: «باید در راه نیکی ها و تقوا به یکدیگر دست اتحاد دهید، نه اینکه تجاوز کنید.» (مائده: ۲) بر این اساس، تعاون از جمله ویژگی های برجسته تمدن رسول گرامی اسلام بود. آن حضرت دوشادوش دیگر مسلمانان و همانند یک انسان عادی کار می کرد و هرگز اجازه نمی داد دیگران کارهای ایشان را انجام دهند. این روحیه حتی پیش از بعثت نیز وجود داشت. برای مثال، زمانی که عمویش، ابوطالب به دلیل عایله مندی با مشکل اقتصادی روبه رو بود، حضرت خود داوطلبانه سرپرستی حضرت علی علیه السلام را به عهده گرفت و عمویش حضرت حمزه را نیز به این کار تشویق کرد و حضرت حمزه نیز سرپرستی جعفر بن ابی طالب را به عهده گرفت. (۱)

همچنین نقل است آن حضرت در یکی از سفرها هنگام توقف کاروان، مسئولیت جمع آوری هیزم را برای تهیه غذا به عهده گرفت و دوشادوش دیگران به کار و فعالیت پرداخت. آن حضرت مسلمانان را به رسیدگی به درماندگان و بینوایان سفارش می کرد. اصحاب صفه که در تاریخ اسلام شهرت فراوان دارند، از نمونه اقدام های پیامبر برای رسیدگی به نیازمندان است. این افراد به برکت عنایت ویژه رسول گرامی اسلام، از بیت المال تغذیه می شدند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره احسان، تعاون اجتماعی و کمک به نیازمندان

چنین می فرماید:

۱- . سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۳، به نقل از: سیدحسین اسحاقی، ملکوت اخلاق، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۸۵، چ ۱، ص ۲۴۶.

خداوند بندگانی دارد که مردم برای رفع نیازمندی های خود به آنها پناه

می برند. آنان همان کسانی هستند که از عذاب خدا در امانند. (۱)

۳. مسجد، جایگاه تقویت روابط و فعالیت های اجتماعی

از دیدگاه اسلام، مسجد افزون بر جایگاهی برای عبادت الهی و راز و نیاز با

خدا، کانونی برای فعالیت های سالم و مفید اجتماعی است. از زمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکنون، مساجد به عنون پایگاهی مهم برای برقراری تعامل و

روابط اجتماعی بوده و هست.

با ورود پیامبر گرامی اسلام و اصحابش به یثرب، وجود مسجد به عنوان

مکانی برای ادای فرایض اسلامی و نیز پایگاهی برای اجتماع مسلمانان و

مرکز تصمیم گیری های سیاسی _ اجتماعی، لازم و ضروری به نظر می رسید.

ازاین رو، نخستین اقدام پیامبر در یثرب، ساخت مسجد بود که مسلمانان از آن

استقبال گسترده ای کردند. در روایت آمده است پس از آنکه محل ساخت

مسجد انتخاب شد، مسلمانان با اشتیاق و کوشش فراوان شروع به ساختن

مسجد کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دوشادوش آنها کار می کرد و برای این کار

شور و اشتیاق فراوانی داشت و همین امر روحیه و شوق و شور مسلمانان به

این کار را افزایش می داد. (۲) ابن سعد نویسنده الطبقات الکبری می نویسد:

مسلمانان، پایه های اصلی مسجد را سه ذراع با سنگ و بقیه را با خشت

خام بنا کردند و پیامبر پابه پای یارانش زحمت می کشید. (۳)

۱- . تحف العقول، ص ۵۲.

۲- . بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۱۱.

۳- . الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۴۰.

ساخت مسجد از مهم ترین کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله به منظور تحقق تمدن نبوی بود؛ زیرا مسجد کانونی برای انجام کارهای عبادی، کارهای آموزشی،

پرورشی، سیاسی، اجتماعی و قضایی بود. ضرورت نیاز به احداث مسجد به

چند دلیل بود:

الف) مکانی برای عبادت و انجام فرایض الهی؛ مسجد، محل عبادت بود و

مسلمانان باید پیش از هر چیز به عبادت و انجام فرایض اسلامی اهمیت

می دادند که این امر در مسجد تحقق می یافت.

ب) نیاز به پایگاهی برای اجتماع مسلمانان و تصمیم گیری و مشورت

برای اداره جامعه و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی. به عنوان

مثال، پیامبر بیشتر خطابه های خود را برای تهییج مردم به

شرکت در جنگ ها در مسجد ایراد می کرد.

ج) کانونی برای انجام فعالیت های آموزشی و پرورشی؛ مسجد، پایگاهی

آموزشی تربیتی بود که مسلمانان با تجمع در آن مکان در زمینه های گوناگون

دینی، تربیتی، اخلاقی، حقوقی و نظامی آموزش می دیدند. (۱)

د) گاهی مسجد، کانون ادبی به شمار می رفت و سخن سرایان بزرگ عرب

در آنجا گرد هم می آمدند و سروده های خود را که برگرفته از آموزه های دینی،

اخلاقی و تربیتی اسلام بود، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواندند. نقل است

کعب بن زهیر، قصیده معروف خود را که در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سروده

بود، در مسجد و در حضور خود حضرت خواند و جایزه و خلعتی ارزشمند

از آن حضرت گرفت. حسان بن ثابت نیز که با اشعار خود از حریم اسلام دفاع

۱- . صحیح بخاری، ج ۱، کتاب العلم، به نقل از: فروغ ابدیت، ج ۱، صص۴۵۲و۴۵۳.

می کرد، در مسجد پیامبر سروده های خود را برای مسلمانان و پیامبر می خواند. (۱)

ه_) مسجد، دادگاهی برای اجرای احکام و حدود الهی _ اسلامی و حل اختلاف و رفع مشکلات مسلمانان بود. در آن زمان هر کس به مشکلی بر می خورد یا حقی از وی ضایع می شد، به مسجد و به حضور پیامبر خدا می آمد تا به شکایتش رسیدگی و مشکلش رفع شود.

گفتنی است رسول اکرم صلی الله علیه و آله از تأسیس مسجد و قرار دادن آن به عنوان کانون علمی _ تربیتی، هدف های والایی داشت. به عقیده آن حضرت، دین و دانش همراه، مکمل و تعالی بخش یکدیگرند. ازاین رو، مسجد افزون بر محلی برای عبادت و انجام فرایض دینی، باید کانونی برای آموزش علوم گوناگون باشد. همواره، در بیشتر کشورهای اسلامی به این هدف والای نبوی توجه ویژه شده است و حتی از زمانی که مراکز آموزشی به صورت خاصی درآمدند، همواره مدارس و دانشگاه ها در کنار مساجد جامع بنا می شد تا به جهانیان ثابت کنند خوش بختی و سعادت دنیوی و اخروی با هماهنگی دو عامل دین و دانش امکان پذیر است.

۴. استحکام پایه های خانواده و تأکید بر نقش محوری خانواده و حفظ حریم آن

خانواده، در پرورش روحی و معنوی انسان نقش مهمی دارد؛ سرنوشت آینده انسان در خانواده رقم می خورد و شخصیت وی در این کانون مهم و سازنده شکل می گیرد. افزون بر آن، تشکیل خانواده در حفظ سلامت جامعه از

انحراف و فساد و نیز رشد و بالندگی مادی، معنوی و اخلاقی افراد جامعه

۱- . صحیح بخاری، ج ۱، کتاب العلم، به نقل از: فروغ ابدیت، ج ۱، صص۴۵۲و۴۵۳.

نقشی اساسی دارد. بنابر این، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره بر تشکیل خانواده تأکید و سفارش فراوان می کرد و آن را مایه خیر و برکت زندگی انسان می دانست.

ایشان درباره اهمیت تشکیل خانواده می فرماید:

مردان بدون همسر را زن دهید؛ زیرا با این کار، خداوند اخلاق آنان را نیکو و روزی هایشان را افزون می گرداند و بر جوان مردی آنان می افزاید. (۱)

ایشان در سخنی دیگر می فرماید: «هرکس برای پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است، ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند.» (۲)

و نیز فرمود: «بدترین شما مردم، مجردهایتان هستند. دو رکعت نماز فرد متأهل، بهتر است از هفتاد رکعت نماز مجرد». (۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان را مهم ترین ملاک ازدواج و همتایی زن و مرد می دانست. داستان ذلفا و جویبر نمونه ای از تجسم عملی ازدواج بر مبنای عقیده و ایمان است. (۴) آن حضرت افزون بر اهمیتی که به تشکیل خانواده می داد، به تحکیم پایه های این کانون عشق و محبت نیز توجهی ویژه داشت.

پیامبر خدا همواره مسلمانان را به رفتار شایسته و انسانی ــ اسلامی با زنانشان

۱- . بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.

۲- . میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۲.

۳- . بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.

۴- . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱.

تشویق و سفارش می کرد؛ زیرا تزلزل ارکان خانواده موجب تزلزل شخصیت

اعضای خانواده و در نتیجه، افراد جامعه می شود که این امر بر سرنوشت

اجتماعی افراد اثر منفی می گذارد و بی شک، جامعه دچار بحران می شود و

ثبات اجتماعی آن از بین می رود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش به تحکیم پایه های خانواده سخنان فراوان دارد که برخی از آنها عبارتند از:

بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد و من از همه شما

برای خانواده ام بهترم. زنان را گرامی نمی دارد مگر انسان بزرگوار و به

آنان اهانت نمی کند مگر شخص پست و بی مقدار. (۱)

بهترین مردان امت من کسانی هستند که با خانواده خود خشن نباشند و به

آنان اهانت نکنند و دل سوزشان باشند و به آنان ستم روا ندارند. (۲)

هرگاه خداوند برای خانواده ای خیر بخواهد، آنان را به آموزه های دینی

آگاه می گرداند؛ کوچک ترها به بزرگ ترهایشان احترام می گذارند؛ در

زندگی مدارا و در خرج میانه روی می کنند و به عیبشان آگاه می سازد تا

آنها را برطرف کنند. (۳)

... خدمت به خانواده، کفاره گناهان کبیره و خاموش کننده خشم خداوند

و مهریه حورالعین و افزون کننده حسنات و درجات است. (۴)

۱- . نهج الفصاحه، ح ۱۵۲۰.

۲- . مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴.

۳- . نهج الفصاحه، ح ۱۴۷.

۴- . محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، تحقیق: حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره با همسران خود با کمال مهربانی رفتار می کرد و

هیچ گاه با آنان بدرفتاری نمی کرد. ایشان همواره مردان را به مسئولیت پذیری

در برابر همسر و فرزندانشان سفارش و تشویق می کرد و به این امر بسیار

اهمیت می داد، چنان که می فرماید: «از رحمت خدا دور باد کسی که خانواده

خود را ضایع کند و آنها را به حال خود واگذارد.» (۱) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با فرزندان و فرزندزادگان خود رئوف و مهربان بود و به آنان محبت و با آنان بازی می کرد

و با این رفتار، به طور عملی، رفتار نیکو و شایسته با خانواده را به مردان

آموزش می داد. (۲)

اسلام برای حفظ حریم خانواده، مردان و زنان مؤمن را به رعایت عفت

فرا می خواند، چنان که در قرآن کریم می خوانیم:

به مردان باایمان بگو چشمان خود را [از آنچه دیدنش حرام است،] فرو

بندند و عورت های خود را حفظ کنند. این برای آنها نیکوتر است. همانا

خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است. (نور: ۳۰)

البته این آیه به مردان محدود نمی شود، بلکه زنان را نیز دربرمی گیرد.

پیامبر گرامی اسلام نیز زنان و مردان را به حفظ عفت و فروبستن چشم از گناه

سفارش می کند و می فرماید:

نگاه کردن [به نامحرم] از تیرهای زهرآلود شیطان است. هرکه برای

خدای عزوجل چشم خود را فروبندد، خداوند در پی آن، ایمانی به او

۱- . جواد محدثی، گوشه ای از اخلاق محمد صلی الله علیه و آله، قم، پویشگر، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۱۷.

۲- . وحی و نبوت، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

می بخشد که شیرینی آن را می چشد. (۱)

آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «نگاه اولی ناخواسته است، نگاه

دوم عمدی است و نگاه سوم ویران می کند». (۲)

در اسلام و آموزه های نبوی به شیوه رفتار و برخورد با نامحرم توجه

بسیاری شده است. خداوند در قرآن درباره چگونگی سخن گفتن زنان مؤمن

با مردان نامحرم می فرماید: «... نرم و نازک سخن نگویند تا بیماردلان در آنها طمع نکنند... .» (احزاب: ۳۲) این آیه نحوه رفتار اجتماعی زنان مؤمن را بیان

می کند که حتی زیبایی های لحن و گفتار خود را که مایه تحریک انسان های

مریض است، ظاهر نسازند، بلکه به طور عادی و رسمی با آنها برخورد کنند و

این موجب مصونیت خود او است. اباحی گری و آزادی بی قید و شرط در

جوامع غربی، مفاسد و ناهنجاری های بی شماری را به وجود آورده که

اهمیت حفظ حجاب و عفاف را بیش از پیش ثابت کرده است. فشارهای

عصبی و روحی و روانی ناشی از روابط جنسی نامشروع، تزلزل بنیاد خانواده

و افزایش طلاق، افزایش فرزندان نامشروع و بی هویت در جامعه، پای مال

شدن شخصیت انسانی زن و تنزل ارزش حقیقی وی، از آثار و پی آمدهای تمدن

غربی و آزادی حاصل از آن است. در مقابل، تمدن نبوی با ارج نهادن به کانون

خانواده و تأکید بر حفظ آن، بشر را از انحطاط اخلاقی رهایی بخشیده است.

۵. گذشت و چشم پوشی، زمینه بهبود روابط اجتماعی

گذشت و چشم پوشی از اشتباه دیگران، از ویژگی های برجسته

۱- . بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۲- . میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۲۴ .

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. عبدالله بن عباس نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه خطاب به مکیان فرمود: «ای اهل مکه که مرا رنجانده و تکذیب کرده و از خانه و کاشانه ام بیرون رانده اید! گمان می برید که من با شما چه خواهم کرد؟» گفتند: «ما از تو انتظار بزرگواری و رحمت داریم.» پس پیامبر آیات شریفه سوره یوسف درباره چگونگی برخورد آن حضرت با برادران خطاکارش را تلاوت و رفتار خود را رفتار سراسر رحمت و آمرزش اعلام کرد (۱) و فرمود: «بروید که شما آزادشدگانید». (۲)

وجود رسول اعظم صلی الله علیه و آله برای جهانیان رحمت و برکت بود. سعه صدر و رفتار بزرگوارانه با مردم جاهل آن زمان، در سیره آن حضرت و در همه زمینه ها جلوه گر است. امام حسین علیه السلام به نقل از پدرش، امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «خلق وخوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان خوش و گشاده بود که مردم وی را چون پدری مهربان برای خود می دانستند.» (۳) آن بزرگوار هرگز به خاطر خود بر کسی خشم نگرفت و زبان به سرزنش کسی نگشود. هیچ گاه وقار، آرامش و متانت خود را از دست نداد. هرگز در برابر حق به سبب سختی ها و مشکلاتش بی تابی نکرد. از خطاها و رفتارهای ناپسند دیگران با گذشت و بزرگواری چشم پوشید. نامردمی ها را با خشونت و انتقام پاسخ نداد و هرگز

۱- . تفسیر روح الجنان، ج ۳، ص ۱۶۰؛ تفسیر منهج الصادقین، ج ۵، ص ۷۵.

۲- . سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۷۳.

۳- . احمد بن محمد بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ هـ . ق، ج ۱، ص ۳۸۸.

در پی آشکار ساختن لغزش ها و عیب های مردم نبود.

انس بن مالک می گوید:

نه سال خدمت گزار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم و هرگز یاد ندارم در این مدت،

به من گفته باشد چرا فلان کار را انجام ندادی. آن حضرت هرگز در کارها

بر من سخت گیری و عیب جویی نمی کرد. (۱)

حضرت امام حسین علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش، امام علی علیه السلام می فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با مردم از سه چیز پرهیز می کرد: هرگز کسی

را سرزنش نمی کرد، از او عیب نمی گرفت و در پی شناخت عیب های

مردم نبود. (۲)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله نه تنها با مسلمانان به نیکی رفتار می کرد، بلکه با

مشرکان و منافقان نیز رفتاری کریمانه داشت. آن حضرت همه سختی ها،

فشارها و شکنجه های مشرکان مکه را با صبر و سعه صدر تحمل کرد و آن گاه

که مکه دیگر گنجایش وجود آن حضرت را نداشت، به یثرب هجرت کرد.

برای پایه گذاری نظامی اسلامی و تمدنی دینی در یثرب نیز به صبر و شرح

صدری بسیار نیاز بود. حسین بن حمزه، از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد وضع اسف بار شهادت

عمویش حمزه و بدن پاره پاره او را دید، دگرگون شد و فرمود: «خدایا!

ستایش شایسته توست و من به سوی تو شکایت نیز دارم. در آنچه

می بینم، تو یاور و مددکارم هستی.» آن گاه فرمود: «اگر بر آنان چیره شوم،

هفتاد نفر از آنها را در عوض عمویم، مثله می کنم.» در این هنگام، آیه

۱- . ابن کثیر دمشقی، شمائل الرسول، شرح مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالرائد العربی، ۱۴۰۷ هـ . ق، ص ۷۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۶.

۲- . انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۸۹؛ شمائل الرسول، ص ۶۸.

۱۲۶ سوره نحل نازل شد.

[خداوند در این آیه به پیامبرش فرمود:] «هرگاه خواستید مجازات کنید،

تنها به مقداری که بر شما ستم شده است، کیفر دهید و اگر شکیبایی پیشه

کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است.» آن گاه پیامبر پس از نزول این

آیه فرمود: «صبر می کنم، صبر می کنم». (۱)

نقل است رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غزوه حنین سهمی از غنایم را به صلاح دید

خویش به تازه مسلمانان بخشید. سعد بن عباده و جمعی از انصار که از

پیش گامان و مجاهدان بودند، بر این کار اعتراض کردند. ازاین رو، پیامبر همه اصحابش را جمع کرد و با لحنی بسیار روشن و شیوا آنان را به حکمت این

رفتار آگاه ساخت. به گونه ای که همه از اعتراض خود پشیمان شدند و از آن

حضرت عذر خواستند. (۲) اخلاق آن حضرت نمونه تمام عیار اخلاق الهی بود.

ایشان از هم نشینان خود دل جویی می کرد و برای همه آنان احترام قائل بود. (۳)

رفتار و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله الگویی کامل و شایسته برای رهبران جامعه

اسلامی است.

بیشتر مشکلات جوامع انسانی که به انحطاط جوامع می انجامد، پی آمد

زعامت کسانی است که صلاحیت رهبری و مدیریت جامعه را ندارند و در

طول تاریخ به این دلیل، ضربه های جبران ناپذیری به جوامع وارد شده است.

۱- . ابی نصر السمرقندی، تفسیر عیاشی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، ۱۴۱۱ ه_ . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲- . حسن ابن یعقوب، امتاع الاسماع، بیروت، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۶ ه_ .ق، چ ۲، ج ۱، ص ۴۳۱.

۳- . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، مؤسسه فراهانی، ۱۳۷۳ ه_ . ق، ج ۱، ص ۴۱۵.

ازاین رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله گذشت و چشم پوشی از اشتباه دیگران و رفتار

کریمانه را از مهم ترین اصول رفتاری خود برای پایه گذاری تمدن الهی

می دانست و بر آن تأکید داشت. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم بخشنده تر و در معاشرت از همه بزرگوارتر

بود (۱)... و عذر کسی را که از ایشان معذرت می خواست، می پذیرفت». (۲)

۶. پیش گیری از گسترش فساد و جرم های اجتماعی و برخورد با عوامل آن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در امور فردی و شخصی، نرم، ملایم و با گذشت بود و رفتار

کریمانه آن حضرت یکی از دلایل پیشرفت سریع آیین اسلام بود. با وجود

این، آن حضرت در مسائل اصولی و عمومی که موجب انحراف مردم یا فساد اجتماعی می شد، هرگز نرمش و انعطاف نشان نمی داد. برای نمونه پس از فتح

مکه و پیروزی بر قریش، از همه بدی هایی که قریش بر آن حضرت روا

داشتند، گذشت، ولی در همان زمان، از مجازات زنی از قبیله بنی مخزوم که

دزدی کرده بود، چشم پوشی نکرد. نقل است آن زن از اشراف قریش بود و

اجرای حد سرقت، توهینی بزرگ به وی و خاندانش به شمار می رفت.

ازاین رو، خاندان وی نزد تعدادی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و از آنان

خواستند، با شفاعت آنان پیامبر از اجرای این حد بگذرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با

شنیدن این درخواست، بسیار خشمگین شد و فرمود: «چه جای شفاعت

است، مگر می توان قانون خدا را به خاطر افراد زیر پا گذاشت؟!» سپس افزود:

۱- . محمدحسین طباطبایی، سنن النبی، تحقیق: محمدهادی فقیهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۴، چ۲، ص ۷۵.

۲- . مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

«ازآن رو، اقوام و ملل پیشین سقوط کردند و نابود شدند که در اجرای قانون

خدا تبعیض می کردند. هرگاه یکی از بزرگان و اشراف جرمی مرتکب می شد،

او را می بخشیدند و اگر ضعیف و زیردستی مرتکب اشتباه می شد، او را

مجازات می کردند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، در اجرای

عدالت درباره هیچ کس سستی نمی کنم، هرچند از نزدیک ترین خویشاوندان

خودم باشد». (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حفظ بیت المال نیز بسیار سخت گیر بود و یارانش را به

رعایت این امر سفارش می کرد. نقل است یکی از یاران آن حضرت در یکی از

جنگ ها به شهادت رسید. مسلمانان بر پیکر او حاضر شدند و گفتند: بهشت

گوارایت باد! پیامبر خشمگین شد و فرمود: «چنین نیست. سوگند به خدایی

که جانم در دست اوست، وی هم اکنون در آتش این لباسی که بر تن دارد، می سوزد؛ زیرا آن را از بیت المال مسلمانان برداشته است.» (۲) بنابراین، استفاده

شخصی از امکانات دولتی و عمومی خیانت به بیت المال است و عذاب الهی

را در پی دارد.

۷. تحقق عدالت اجتماعی

عدالت، از شاخصه های اساسی تمدن نبوی و از امور محوری در حکومت

دینی و از ارکان رسالت پیامبران الهی است؛ زیرا در پرتو آن، دیگر ارزش های

معنوی دینی و اخلاقی جلوه گر می شود. خداوند در قرآن کریم، یکی از

هدف های مهم رسالت پیامبران را برقراری عدالت می داند و می فرماید:

۱- . وحی و نبوت، ص ۲۳۹.

۲- . الحافظ ابی عبدالله ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۸۵۱.

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و بر آنها کتاب [آسمانی]و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] را نازل کردیم تا مردم عدالت را برپا کنند. (۱) (حدید: ۲۵)

با توجه به این آیه و دیگر آیات قرآن کریم، همه پیامبران الهی برای برقراری قسط و عدل برانگیخته شده اند. البته رسولان الهی هنگامی می توانند این هدف والا را با استفاده از دلایل روشن و کتاب های آسمانی که معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد است، تحقق بخشند که از ضمانت اجرایی و قدرت لازم برخوردار باشند. رسول گرامی اسلام در موارد گوناگون به اجرای عدالت اجتماعی تأکید می کرد. برای مثال، در کلامی گهربار می فرماید: «بد مردمی هستند کسانی که برای خدا و به منظور اقامه عدل و داد قیام نمی کنند». (۲)

پیامبران الهی برای برقراری عدالت اجتماعی به مبارزه با استبداد، ستم و زورگویی می پرداختند؛ زیرا تحقق عدالت اجتماعی جز از طریق مبارزه بی امان با مفاسد اجتماعی و ستم امکان پذیر نیست. خداوند در قرآن می فرماید:

ای اهل ایمان! برای برپایی عدالت قیام کنید [و] برای خدا گواهی دهید، اگرچه به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد. (نساء: ۱۳۵)

این آیه نشان دهنده توجه و تأکید بسیار اسلام به تحقق امنیت و عدالت اجتماعی در همه زمینه هاست و انواع تأکیدات لفظی و معنوی گویای توجه ویژه اسلام به این امر حیاتی است. امام علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «بر

۱- . برای تفصیل بیشتر نک: برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۰۹.

۲- . الحیاه، ج ۵، ص ۱۶۸.

دسته شمشیری از شمشیرهای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نوشته شده بود: حق را

بگو هرچند علیه خودت باشد». (۱)

و نیز فرمود: «هر کس داد ستم دیده را از ستمگر بگیرد، در بهشت یار و

هم نشین من است.» (۲) روحیه عدالت گستری پیامبر خدا خاص زمان رسالت او

نبود. آن حضرت پیش از بعثت، با عده ای از جوان مردان قریش پیمان

حلف الفضول را بست. بر اساس این پیمان آنها موظف بودند از ستم دیدگان

دفاع کنند. پیامبر بعدها از خاطرات خوش آن پیمان به نیکی و عظمت یاد

می کرد و می فرمود: «در خانه عبدالله جدعان شاهد پیمانی بودم که اگر اکنون

نیز (پس از بعثت) مرا به آن بخوانند، اجابت می کنم». (۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت مسئله عدالت ورزی در جامعه اسلامی می فرماید: «هرگاه مردم، ستمگری را ببینند و او را از ستم باز ندارند، انتظار

می رود خداوند همه را به عذاب خود گرفتار سازد.» (۴) خدای عزوجل نیز در

حدیثی قدسی می فرماید: «به عزت و جلالم سوگند، در دنیا و آخرت از

ستمگر انتقام می گیرم و از کسی که ستم دیده ای را ببیند و توان یاری اش را

۱- . بحارالانوار، ج ۷۴،ص ۱۵۷.

۲- . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

۳- . سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۵۷؛ به نقل از: فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴- . نهج الفصاحه، ح ۸۳۳ .

داشته باشد، ولی او را یاری نکند، بی گمان انتقام می گیرم...». (۱)

مفاسد و بحران های اجتماعی، در نتیجه نبود عدالت در جامعه و رواج

ستم به قشر ضعیف جامعه به وجود می آید. ازاین رو، پیامبر اسلام برای

اصلاح جامعه انسانی و برقراری امنیت اجتماعی، مسلمانان را به مبارزه با

مفاسد اجتماعی مانند: رشوه خواری، تبعیض، بی عدالتی، رانت خواری و

استفاده های شخصی از بیت المال سفارش و با این مفاسد به شدت مبارزه

می کرد. پس از آن حضرت نیز جانشینان برحق ایشان، ائمه اطهار علیهم السلام بر این

امر تأکید فراوان داشتند، به گونه ای که زندگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام آکنده از

مبارزه با مفاسد اجتماعی بود و سرانجام در راه تحقق این هدف والا به

شهادت رسید.

۸ . اعتماد عمومی

اعتماد عمومی در جامعه را از دو جنبه می توان بررسی کرد:

الف) اعتماد مردم به مسئولان نظام؛

ب) اعتماد مردم به همدیگر.

اعتماد و اطمینان عمومی به مسئولان نظام، افزون بر اینکه پی آمدهای

سیاسی و اجتماعی بی شماری دارد، موجب تقویت ارتباط مردم با مسئولان می شود. توجه به سنّت و سیره نبوی و شیوه برخورد آن حضرت با اقشار

گوناگون جامعه و کوشش ایشان برای رفع مفاسد و جرایم اجتماعی و

برقراری امنیت روحی و روانی در جامعه، درس های آموزنده ای برای

مسئولان جامعه اسلامی دربردارد.

شیوه نگرش افراد به شأن و منزلت اجتماعی یکدیگر، در میزان جلب

۱- . نهج الفصاحه، ح ۲۴۲۲.

اعتماد اجتماعی به هم مؤثر است. در جامعه اسلامی، همه انسان ها با یکدیگر

برادرند و این پیوند برادری و اعتماد حاصل از آن، که به برکت آموزه های

نبوی برقرار شده، به مراتب از برادری خونی مستحکم تر است.

جلب اعتماد عمومی از هدف های مهمی است که در تمدن نبوی

جایگاهی ویژه دارد که به دنبال تحقق دیگر هدف ها حاصل می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جلب اعتماد عمومی در جامعه توجه و تأکیدی ویژه داشت،

ولی پس از آن حضرت و با روی کار آمدن حکومت های ناشایست، این اصل

نه تنها محقق نشد، بلکه به کلی فراموش شد و به بی اعتمادی مردم به خلفا

دامن زد. این امر به جامعه اسلامی و وحدت و انسجام مسلمانان

خسارت های جبران ناپذیری وارد آورد که تاکنون نیز آثار منفی آن باقی است.

سخن پایانی

این نوشتار نشان دهنده جامعیت شاخصه های تمدن نبوی و نقش آن در همه

زمینه های مادی و معنوی زندگی انسان و مبیّن این حقیقت است که

آموزه های الهی ـ نبوی، برای هر دوره از تاریخ زندگی انسان، بر اساس

مقتضیات زمان و مکان، اصول کلی و رهنمودهایی تعالی بخش و والا دارد که

نه تنها با اصول علمی سازگار، بلکه پیشرو آن است. این پژوهش گامی است به سوی کرانه های برتر و روزنه ای است به گستره سرسبز و بی نهایت تمدن

جامع نبوی.

امید است در آینده شاهد گام های اساسی و اصولی در زمینه شناخت

آموزه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله باشیم.

ص:۱۲۷

...

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. جلیل جُر، المعجم العربی الحدیث، فرهنگ لاروس، ترجمه: سیدحمید طبیبیان، (دوجلدی)

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۵.

۴. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام، تهران، چاپ سینا، ۱۳۳۱.

۵. هیئت مؤلفان، المعالم الاساسیه للرساله الاسلامیه، کویت، دار التوحید، چاپ اول، ۱۳۹۹ هـ. ق.

۶. میرچا، الیاده، دین پژوهی، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

۷. حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران، شناخت اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سپهر، بی نا، بی تا.

۸. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ج ۱ و ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۹. مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۱۰. ــــــــــــــــــــ، انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا، بی نا، بی تا.

۱۱. ــــــــــــــــــــ، وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

۱۲. ــــــــــــــــــــ، خاتمیت، مشهد، طوسی، ۱۳۵۴.

۱۳. ــــــــــــــــــــ، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

۱۴. ______________، یادداشت ها، کتاب اول. قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۱۵. موحّدی، هادی، یک هزار حدیث، تهران، انتشارات صدرا، بی تا، بی نا، چاپ اعتماد،

چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۶. حرّانی، ابومحمد بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مکتبه نصرتی، ۱۳۹۴

هـ . ق، بی نا.

۱۷. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۱۸. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۱۹. برهان الدین الحلبی، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی نا، بی تا.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، روضه کافی، تهران، چاپ ایران، بی نا، بی تا.

۲۱. ______________________، اصول کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۸۸ هـ . ق.

۲۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، قاهره، دار الطبع، ۱۳۵۸ هـ . ق.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۶.

۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۲۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، التفسیر المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۲۶. فخر رازی، التفسیرالکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۲۷. فارسی، جلال الدین، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی

(وزارت ارشاد)، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۲۸. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲۹. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، کشاف، (۴ جلدی) بی جا، بی نا، بی تا.

۳۰. شیخ صدوق، امالی، تهران، کتاب خانه اسلامی، ۱۴۰۴ هـ . ق، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.

۳۱. بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵هـ . ق.

۳۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالمعرفه، چاپ هشتم، ۱۴۱۰هـ . ق.

۳۳. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۲ هـ . ق.

۳۴. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۳۵. حمیدالله، محمد، رسول خدا در میدان جنگ، تهران، چاپ مطبوعاتی تیکپو، انتشارات کتاب فرشی محمدی، ۱۳۳۶.

۳۶. قطب، محمد، تفسیر فی ظلال القرآن، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۳۹۱ه_ . ق.

۳۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ه_ . ق.

۳۸. رالنیتون، سیر تمدن، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، چاپ خانه تابان با همکاری مؤسسه انتشارات فرانگلیس، بی تا،۱۳۳۷.

۳۹. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: حمید عنایت و دیگران، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم،۱۳۷۰.

۴۰. محمدتقی، جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، (جلد پنجم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۴۱. ابن یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

۴۲. ابن بابویه قمی(شیخ صدوق) و ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: علی اکبرغفاری، قم، منشورات جامعه المدرسین، چاپ دوم، بی تا.

۴۳. معاونت سیاسی نمایندگی ولیّ فقیه در نیروی دریایی سپاه، تمدن اسلام در اندیشه امام خمینی رحمه الله، ناشرمؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۴۴. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، بی جا، بی تا، بی نا (موجود در کتاب خانه مرعشی نجفی).

۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ هـ . ق.

۴۶. محدثی، جواد، گوشه ای از اخلاق محمد صلی الله علیه و آله، هم گام با رسول، قم، پویشگر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴۷. البلاذری، احمد بن محمد، انساب الاشراف، تحقیق: محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴.

۴۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۴۹. ________________________، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۷۵.

۵۰. ابن اثیر الجزری، عزالدین، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالمعرفه، بی نا،

بی تا.

۵۱. واقدی، محمد بن عمر بن واقد، المغازی، تحقیق: دکتر مارسن جوسن، مکتب الاعلام الاسلامی، تهران، بی تا.

۵۲. بیهقی، دلایل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۵۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، خصال، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹ هـ. ق.

۵۴. میراث حدیث شیعه، به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدرایی خوئی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول،۱۳۷۷.

۵۵. ابی جعفر، صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ. ق.

۵۶. دکتر شفائی، ربا از نظر دینی و اجتماعی، تهران، انتشارات جاودان، بی نا، ۱۳۶۶.

۵۷. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسایل، تحقیق: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸هـ. ق.

۵۸. صدوق، محمد بن علی، التوحید، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۹۸هـ. ق.

۵۹. ابن ابی الحدید معتزلی، عزّالدین ابن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، مصر، دار احیاءالکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ. ق.

۶۰. مشکینی اردبیلی، علی، المواعظ العددیه، قم، چاپ صحفی، چاپ دوم، بی تا.

۶۱. احمد بن محمد، مسند حنبل، بیروت، دارالفکر، ۱۳۶۸ هـ. ق.

۶۲. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، تحقیق: حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۲.

۶۳. دکتر جلیل جر، المعجم العربی الحدیث، ترجمه: سید حمید طبیبیان، تحت عنوان فرهنگ لاروس (دوجلدی)،تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سپهر، چاپ دهم، ۱۳۷۹.

۶۴. صدر، سید موسی، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه: علی حجتی کرمانی، بی جا، بی نا، بی تا.

۶۵. حداد عادل، غلام علی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، چاپ ششم، ۱۳۷۴.

۶۶. آشوری، داریوش، ما و مدرنیت، تهران، سهروردی، مروارید، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۶۷. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، تهران، ناشر قلم، ۱۳۵۹.

۶۸. رفیع، سید جلال، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴هـ . ق.

۶۹. المتقی الهندی، علاءالدین، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹هـ . ق.

۷۰. مجموعه کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله، نهج الفصاحه، مترجم: ابوالقاسم پاینده،

سازمان چاپ و انتشارات جاودان، بی جا، بی تا.

۷۱. الحافظ ابی عبدالله، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بی جا، بی تا.

۷۲. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا، قم، انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷۳. حسینی، سید محمد هادی، فقر و توسعه در منابع دینی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۷۴. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، شمائل الرسول، شرح و تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۴۰۷ ه_ . ق.

۷۵. ابی نصر، محمد بن مسعود بن عباس السلمی السمرقندی، تفسیر العیاشی، تصحیح سید هاشم رسول محلاتی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه_.ق.

۷۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، مؤسسه فراهانی، ۱۳۷۳ ه . ق.

۷۷. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، تحقیق: محمد هادی فقیهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۷۸. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۴۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹